

Accidents

CAMERON
YADIDI



We Fight, You Win!

- Vehicle Accidents
- Uber / Lyft Accidents
- Motorcycle Accidents
- Dog Bite
- Slip and Fall

- SHERMAN OAKS
- GLENDALE
- IRVINE
- SAN DIEGO
- SAN JOSE
- SAN FRANCISCO

Super Lawyers

(818) 999-9999 <<<

www.Yadidi.com

زندگی آزادی

ایران شهر ۴۶۷

سامان حیدری
HEIDARI LAW GROUP
INJURY LAWYERS
وکیل
تصادفات
لاس وگاس - لس آنجلس
(818) 818-0707
(702) 722-1500
HEIDARILAWGROUP.COM



هفته نامه خبری، فرهنگی، سیاسی ایران شهر - شماره ۴۶۷ - ۲۹ فروردین ۱۴۰۴ خورشیدی - ۱۸ آپریل ۲۰۲۵ میلادی

IRANSHAHR WEEKLY NEWSPAPER - NO: 467 APRIL, 18, 2025

همخوانی ترانه «عزیزه» توسط گوگوش، شاه ماهی هنر ایران و اد شیرین



در این شماره ایران شهر:

پرونده ویژه برای نمایش - کنسرت سی صد
بیژن خلیلی - نیلوفر بیضایی - ناکتا پهلوان - پدram ملایری و ...
مقالات:

کوروش سلیمانی - بهداد جاودان - طنز پیر، پیر خراسانی
پاورقی ها: محی الدین ابن ترکه - رضا حیدری - زاون
خبرهای دور و نزدیک - از این جا و از آنجا
جدول - تهیه و تنظیم: دکتر جیکوب سامیح - رویدادها - روز شمار

رامونا کندی
RAMONA KENNEDY
وکیل تصادفات
وکیل متعهد و دلسوز
هدف ما بهبودی و گرفتن بالاترین خسارت برای شماست
تصادف اتومبیل، اوپو، کامیون، موتور، دوچرخه، اسکوتر
عابر پیاده، گاز گرفتگی حیوانات خانگی و تصادف منجر به مرگ
دکترای حقوق، وکیل کالیفرنیا، مسلط به فارسی
RamonaKennedy.Lawyer
818-304-6020
949-677-0063



LIONSGATE
LAW GROUP
دکتر سایان عبودی
SAYAN ABOUDI ESQ
وکیل تصادفات
صدمات شدید بدنی
دریافت بالاترین خسارت
در تصادف های:
Auto Accidents اتومبیل
Uber & Lyft Accidents اوپو و لیفت
Track Accidents موتور سیکلت
Motorcycle Accidents تصادف منجر
Pedestrian Accidents به مرگ
Slip & Fall Accidents زمین
City Claim Accidents خوردگی
Dog Bite Accidents حمله حیوانات
818-945-1234
San Francisco 415-251-1234
San Diego 619-448-1234
Bakersfield 661-374-1474
800-454-5299
Locations in
Los Angeles, San Francisco, San Diego, Bakersfield,
Sacramento
15233 Ventura Blvd Suite 1170
Sherman Oaks, CA 91403
www.LionsGateLawGroup.com

همراه با تیم حرفه ای و مجرب برای دریافت
بالاترین خسارت برای شما



پرومد ارائه کننده تجهیزات پزشکی 818-907-7777

Promedonline.com

Accidents®

CAMERON YADIDI

دکتر کامران یدیدی

وکیل تصادفات و صدمات شدید بدنی

نامی معتبر و شناخته شده در شرکت های بیمه



We Fight, You Win!

- Vehicle Accidents
- Uber / Lyft Accidents
- Motorcycle Accidents
- Dog Bite
- Slip and Fall

Super Lawyers®

- SHERMAN OAKS
- GLENDALE
- IRVINE
- SAN DIEGO
- SAN JOSE
- SAN FRANCISCO

(818) 999-9999 <<<

www.UBERLAWYER.com



Full-Service Lender

مرکز انواع وامهای مسکونی و تجاری

Residential, Commercial & Private Money
Construction & Renovation Financing
A Direct Lender (Banker/Broker)



سرویس سریع و حرفه‌ای

مشاور مورد اطمینان شما با بیش از ۲۰ سال تجربه
درخشان در امور مالی و انواع وام

دانی امینی
Donny Amini

Special Programs

- وامهای بدون اوراق مالیاتی و یا داشتن گرین کارت
- NO Tax Returns, NO W-2's
- وام فقط با یک سال اوراق مالیاتی
- 1 Year Only Tax Return
- وام برای اشخاص بالای ۶۲ سال (بدون پرداخت ماهانه)
- Reverse Mortgage
- 12 – Month Bank Statements OR P & L Only Program

Commercial & SBA , Private Money Loans

وام املاک تجاری، آپارتمان بیلدینگ، شاپینگ سنتر،
آفیس بیلدینگ و پمپ بنزین

بهترین نرخ وام متناسب با شرایط شما

با کردیت عالی، کردیت متوسط و یا سابقه ورشکستگی و فورکلوژر

وام با تسهیلات عالی برای خریداران خانه اول با کمترین پیش پرداخت
وام دولتی FHA فقط با 3.5% پیش پرداخت.
Pre-Approval Within 4 hours

قابل توجه
اجاره‌نشین‌ها

بیش از ۷۰ درصد مراجعین ما از طریق مشتریان محترم فعلی یا سابق ما معرفی می شوند.
از اعتماد و پشتیبانی همیشگی شما قدردانی میکنیم.

DonnyAminiFinancials@gmail.com

(818) 986-3900 Cell: (818) 462-7700



رامونا کندي RAMONA KENNEDY

وکیل تصادفات

وکیل متعهد و دلسوز

هدف ما بهبودی و گرفتن بالاترین خسارت برای شماست

تصادف اتومبیل، اوבר، کامیون، موتور، دوچرخه، اسکوتر
عابر پیاده، گاز گرفتگی حیوانات خانگی و تصادف منجر به مرگ

دکترای حقوق، وکیل کالیفرنیا،
مسلط به فارسی

RamonaKennedy.Lawyer

818-304-6020

949-677-0063



فهرست مندرجات

- از رایش سوم تا جمهوری اسلامی: سیاست‌های فرهنگی اقتدارگرا و نقش هنرمندان در خارج از مرز - نویسنده: بیژن خلیلی ۶
- ای ایران، ای مرز پر گهر! - نیلوفر بیضایی ۷
- اگر دروغ چهره داشت - نویسنده: ناکتا پهلوان ۷
- سی‌صد؛ روایتی بزرگ با قامتی نحیف - ک. ب. ۸
- سبب؛ کوشش در انحراف گفت‌وگو - پدram ملابری ۱۲
- سرگذشت پاتوق و پاتوق‌نشین (فصل چهارم) - قصر قجر خاقان ۱۵
- تنش‌های تجاری و تعرفه‌های جدید، زنگ خطر برای پارک‌های دیزنی را به صدا درآورد ۱۶
- نوع پوشش کارکنان استارباکس تغییر خواهد کرد ۱۷
- ویولن ۶۵۰ هزار دلاری دانشجوی USC پیدا شد ۱۷
- دولت ترامپ دسترسی به بیش از ۲/۲ میلیارد دلار کمک مالی دانشگاه هاروارد را مسدود کرد ۱۸
- هشدار استاد دانشگاه هاروارد: دموکراسی آمریکا در معرض خطر جدی قرار گرفته است ۱۸
- فرماندار کالیفرنیا علیه تعرفه‌های ترامپ شکایت خواهد کرد ۱۹
- کاهش محبوبیت شهردار لس آنجلس پس از آتش‌سوزی‌های اخیر ۱۹
- متن آهنگ «عزیزم» از اید شیرین به همراه ترجمه فارسی که با گوگوش همخوانی شد ۲۰
- Water... let,er... out,er - نویسنده: بهداد جاودان - آلتا ۲۱
- بازگشت سرنوشت ساز مارک زاکربگ به واشنگتن: احتمال واگذاری اینستاگرام و واتس اپ ۲۲
- نجات دختر ۱۰ ساله ساکن جنوب کالیفرنیا که از طریق روبلاکس ربوده شد ۲۵
- روانشناسی تاریخی شیعیان - بخش دهم - محی الدین ابن ترکه ۲۶
- حرف‌های محرمانه‌ای درباره بیژن اسدی پور (بخش اول و دوم) - نویسنده: کورش سلیمانی (زم) ۳۰
- جمهوری شیر و عسل (فصل دهم) ۳۴
- طنز پیر!! «پیر خراسانی» ۳۷
- آسیب‌های گردن و تاثیر آن‌ها بر مهره‌های گردن: تحلیل جامع - دکتر رامونا کندی ۴۲
- روزشمار تاریخ فرهنگ و هنر ایران - ۱۹ آوریل تا ۲۵ آوریل (۳۰ فروردین تا ۵ اردیبهشت) ۴۵
- رویدادها (به ترتیب تاریخ برگزاری از راست به چپ) ۴۹
- جدول - تهیه و تنظیم: دکتر جیکوب سامیج - ویژه: ایرانشهر حرف (ذ) ۵۰
- جدول - تهیه و تنظیم: دکتر جیکوب سامیج - ویژه: کشورهای اروپا ۵۱
- حل جدول‌های ایرانشهر شماره قبل ۴۶۶ ۵۲

فهرست آگهی دهندگان ایرانشهر

برای اطلاعات بیشتر در مورد هر آگهی روی آن کلیک کنید

- دکتر کامران دیدی ۲ آلن فرشی ۳۳
- دانی امینی ۳ مرکز برابری پارس ۳۶
- دکتر رامونا کندی ۴ شان صدقاتی ۳۸
- پروم - ارائه کننده تجهیزات پزشکی ۱۴ Luxury Fabrics ۳۹
- منوچهر معتمد و همکاران - شرکت طلوع املاک ۱۶ دکتر منوچهر خلیلی - دکتر جهان بخش نوری ۴۴
- سامان حیدری ۲۲ دکتر جان رضاپور ۴۷
- Westside Medical Pharmacy ۲۳ فالیشوی صفریان ۴۸
- دکتر سایان عبودی ۲۴ نسرين پور بهرامی ۴۸
- دکتر شهرزاد کوهن ۲۷ موسسه خدماتی کیا ۵۴
- تیکت جاستیس نت ورک ۳۲ پروم - ارائه کننده تجهیزات پزشکی ۵۵



IRANSHAHR News Agency

IRANSHAHR Weekly Paper

IRANSHAHR Cultural

IRANSHAHR Magazine
Is published by Ketab Corporation

بنیانگذار و مدیر مسئول: بیژن خلیلی
زیر نظر شورای نویسندگان

صفحه آرایی و گرافیک: رسا باقر

ناشر: شرکت کتاب - کالیفرنیا

KETAB Corporation

818.908.0808

800.908.0808

Fax: 818.908.1457

www.Eiranshahr.com

ketab1@ketab.com

هفته نامه خبری، فرهنگی، سیاسی ایرانشهر - شماره ۴۶۷

۲۹ فروردین ۱۴۰۴ خورشیدی - ۱۸ آوریل ۲۰۲۵ میلادی

IRANSHAHR WEEKLY NEWSPAPER

NO: 467 APRIL, 18, 2025

با سپاس از نویسندگان مقالات و اخبار و همچنین سپاس از

همکاران شرکت کتاب و آگهی دهندگان

هفته نامه ایرانشهر هر هفته بر روی تارنمای EiranshahrWeekly.com

به رایگان منتشر می شود.

هفته نامه ایرانشهر هر ۴ هفته یکبار به صورت چاپ کاغذی نیز منتشر می شود.

برای اشتراک پستی (سالانه) مبلغ ۱۰۰ دلار از طریق پی پل به نشانی:

bookstore@ketab.com

بپردازید و یا برای دادن شماره کارت اعتباری به شرکت کتاب

310-477-7477 تلفن کنید



از رایش سوم تا جمهوری اسلامی: سیاست‌های فرهنگی اقتدارگرا و نقش هنرمندان در خارج از مرز

نویسنده: بیژن خلیلی



۳. سرکوب هنر مخالف و مصادره نمادها:
- آلمان نازی هنر مدرن را «منحط» می‌نامید.
- جمهوری اسلامی نیز هنر مستقل، فمینیستی، یا منتقد را «ضد ارزش» می‌خواند و محدود می‌کند.

تفاوت‌ها:

۱. زمینه‌ی تاریخی و جغرافیایی:
- آلمان نازی با اشغال نظامی، مستقیماً فرهنگ دیگر ملت‌ها را سرکوب می‌کرد.
- جمهوری اسلامی عمدتاً از طریق دیپلماسی فرهنگی و نفوذ نرم در جوامع مهاجر عمل می‌کند، نه با اشغال فیزیکی.

۲. نوع هنرمندان:

- هنرمندان نازی اغلب مأموران رسمی یا وابسته به حزب بودند.
- در مورد ایران، برخی از هنرمندان به دلایل مالی، حرفه‌ای یا اعتقادی با حکومت همکاری می‌کنند؛ برخی دیگر شاید حتی بدون وابستگی رسمی، در تداوم ایدئولوژی جمهوری اسلامی نقش دارند.

۳. رسانه‌های امروزی:

- جمهوری اسلامی ایران از ابزارهای مدرن‌تری مانند ماهواره، رسانه‌های اجتماعی، فیلم و شبکه‌های بین‌المللی مانند پرسی‌وی برای نفوذ فرهنگی استفاده می‌کند.

نتیجه‌گیری:

آنچه آلمان نازی با قدرت نظامی و نمایش‌های بزرگ انجام داد، جمهوری اسلامی تلاش می‌کند با ابزارهای نرم‌تر اما با اهداف مشابه انجام دهد: کنترل روایت، تحریف واقعیت و تحمیل تصویری خاص از هویت ملی و دینی و آخرین آنها تا این جا همین نمایش کنسرت سیصد است. هم چنان که با واژگونی آلمان نازی توسط متفقین، ملت آلمان از شر آن رژیم ضد انسانی نجاتش یافت، امید است با دخالت و پشتیبانی جهان آزاد به رهبری آمریکا، ملت ایران نیز به این حکومت «شر» پایان دهد.

بهتر و بیشتر بسنجیم، هم چنان که نگارنده بارها به شباهت‌های رفتارهای سیاسی، نظامی، امنیتی حکومت اسلامی با آلمان نازی پرداخته این بار، وظیفه هنر و هنرمندان را در هر دو رژیم واکاوی می‌نماید.

در طول تاریخ، حکومت‌های اقتدارگرا کوشیده‌اند با استفاده از هنر و هنرمندان، تصویر ایدئولوژیک خود را در داخل و خارج از مرزها تثبیت کنند. آلمان نازی، با حضور نظامی و غارت فرهنگی در کشورهای اشغالی و جمهوری اسلامی ایران، با اعزام هنرمندان و ایجاد نهادهای فرهنگی در خارج از کشور، هر دو از ابزار هنر برای بسط قدرت نرم خود بهره گرفته‌اند.

شباهت‌ها:

۱. استفاده ابزاری از هنر و هنرمند:
- در هر دو حکومت، هنرمندانی که با ایدئولوژی حاکم همسو هستند، حمایت می‌شوند و مأموریت دارند تصویر مطلوبی از نظام ارائه دهند.
- هنرمندان در نقش «سفیران فرهنگی» حکومت عمل می‌کنند.

۲. ایجاد ساختارهای فرهنگی برای صدور ایدئولوژی:

- آلمان نازی از دفاتر فرهنگی، نمایشگاه‌ها و مجلات هنری در کشورهای اشغالی بهره می‌برد.
- جمهوری اسلامی نیز با حمایت از جشنواره‌ها، انجمن‌های فرهنگی، مراکز اسلامی و تولیدات رسانه‌ای در کشورهای غربی تلاش می‌کند تصویر خود را بازسازی کند.

موضوع تئاتر کنسرت «سی صد» که تاکنون در چند شهر ایالات متحده اجرا شده، برای خود پرونده‌ای شده است که ایران‌شهر نظریات و دیدگاه‌هایی که دریافت کرده است را در این شماره بازتاب نموده است.

از همان روزها و سال‌های اول پس از انقلاب، اکثریت هنرمندان به خارج از ایران مهاجرت اجباری کردند و بویژه در لس آنجلس ساکن شدند و در اواخر سال‌های ۸۰ میلادی هنرمندان داخل ایران به صورت خود جوش و بدون کمک دولت جمهوری اسلامی به آمریکا آمدند از جمله حسین علیزاده، محمدرضا لطفی، محمدرضا شجریان و استادان مسلم موسیقی و ... بودند و ایرانیان مقیم لس آنجلس از آنها و کنسرت هایشان استقبال کردند. اما جمهوری اسلامی در یکی دو دهه گذشته با گسیل هنرمندان داخلی به خارج از ایران برای هنر نمایی در برابر ایرانیان خارج از کشور به نوعی تلاش می‌کند که چهره زشت استبدادی خود را بپوشاند. نگارنده «تئاتر کنسرت» را ندیده است، ولیکن با توجه به این فکت که سازمان هنری رسانه ای اوج، پروژه سیصد را کلید زده است و این سازمان از نهادهای فرهنگی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌باشد که بودجه‌اش به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از منابع حکومتی و نظامی جمهوری اسلامی تأمین می‌شود، خود بخود بدین معناست که این نمایش- کنسرت یک پروژه حکومتی است.

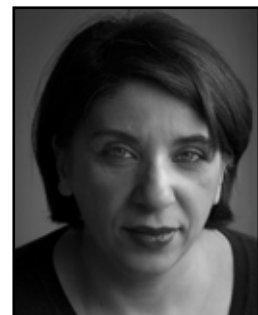
برای این که بتوان ماهیت این هنرنمایی‌ها را



ای ایران، ای مرز پر گهر!

اگر دروغ چهره داشت

نویسنده: ناکتا پهلوان

نیلوفر بیضایی
پانزدهم آوریل

در شرایطی که ایران در اسارت دشمن «خودی» قرار دارد و فرزندان به دست او، دشمنی که نه مغول است و نه از بیگانگان، کشته، زندانی و شکنجه میشوند و یا به تبعید ناخواسته تن میدهند، در دورانی که

زنان شجاع ایران به نبرد با جهالت این دشمن «خودی» برخاسته‌اند، در زمانه‌ای که این دشمن خودی بخوبی میداند که از هر کس و هر چیز چگونه به سود خود بهره بگیرد، اندکند هنرمندانی که در دام نمی‌افتند، تن نمی‌دهند و تسلیم زرق و برق و پول نمی‌شوند و اندکتر مردمانی که تشخیص دهند، هر «ای ایران» خواندنی همان نیست که منظور و خواست ملی ما یعنی محو شدن حکومت جهل و جنون اسلامی را بازتاب بدهد. در چنین دورانی است که بهروز وثوقی ۸۷ ساله، هنرمندی که چندین دهه امکان حضور بر صحنه و پرده از او گرفته شد را به قدردانی (برای تمام سالهای ممنوعیت کاری اش؟) به صحنه فرامی‌خواند و او بدون اینکه به مفهوم «ایرانی» که در اثر، تبلیغ می‌شود فکر کرده باشد، تحت تاثیر محبت سلبریتی‌های در بهترین حالت ناآگاه، قرار می‌گیرد و ناخواسته در اختیار تبلیغ اثری که به همبستگی با دشمن «خودی» در برابر بیگانگی موهوم فرامی‌خواند. همان دشمنی که او و دیگران را حذف کرد و فرزندان ایران را به خاک و خون کشید. فجیع‌تر اینکه همان مردمی که تا چندی پیش فریاد «زن، زندگی، آزادی» را در خیابان‌های آمریکا و کانادا سر می‌دادند، امروز به استقبال چنین اثری می‌روند. گیریم که کسی موزیسین خوبی باشد و یا تک تک بازیگران دارای توانایی‌هایی. کسی نمی‌پرسد که چرا این اثر که در ایران مورد استقبال حکومتیان قرار گرفت و با این هزینه سنگین به خارج صادر شده، به همان میزان میتواند مورد استقبال مخالفان حکومت قرار بگیرد. پیدا کنید پاسخ معادله را که همان تراژدی امروز ماست. پس این استدلال که اینها هنرمندان توانایی هستند، کاملا نا به جاست و اتفاقا هر چه هنرمندان بهتری باشند، مسئولیتشان در قبال عملکردشان بیشتر و سهمشان در تحکیم فاجعه بیشتر است.

ای ایران، ای نازنین ایران، چرا مرزت اینچنین بی گهر شده و چرا دشمنی که از خون ماست، تو را اینچنین ذلیل کرده و چرا فرزندان باید همواره قربانی ترکیب حماقت و ناآگاهی و جهالت و خودشیفتگی و منفعت طلبی بشوند که سر بزنگاه به یاری قاتلینشان می‌شتابند. نه، حساب هنر و سیاست از هم جدا نیست و این هنر بازیچه‌ی همان حکومتی‌ست که با بی‌مهری تمام با ایران و نمادهایش به دشمنی برخاست و هر گاه در تنگنا قرار گرفت، بر طبل «میهن‌دوستی» دمید.



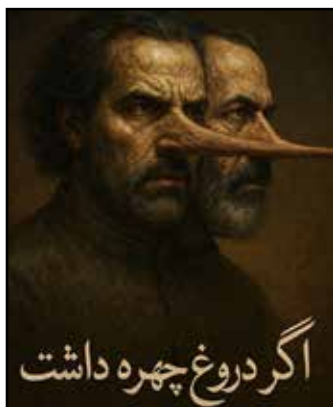
پور ناظری ها با سبب شان تلخ ترین تمسخر جمهوری اسلامی به همه ایرانیان بودند و هستند و خواهند بود. و تمام بازیگران و نوازندگان هم که معلوم الحال، به هر حال فقر است و اجبار و انسان بی اختیار و بقول آیشمن «مامور بودم و معذور».

راستی، راست است که ظریف و زنش رسم مهمان نوازی را کامل ادا کردند و شناسنامه دلارام کمره را به موقع بدستش رساندند؟

راستی چه شد فاندیشن بی فرهنگی شروع به پشت سر هم آوردن هنرفروشان مورد تایید جمهوری اسلامی در لس آنجلس زد و زن خواننده محبیه روی صحنه برد و ما صدامون هم در نیامد؟ یعنی یادمان نیامد ترانه ای باران درخشان خواند و پانتا به هنگامه ای کتایون شد؟!

چه شد، مایی که تنها بدلیل اینکه تحمل و سازش با ظلم و بی عدالتی رانداشتیم، آواره شدیم (حالا هر کی بدلیلی)، الان ابزار و اسپانسر جمهوری اسلامی میشویم؟؟؟

چرا لحظه ای از خودمون نپرسیم حمایت و حضور از «سبب» عین و اوج بی عدالتی و ظلم است و این انتخاب در دستان ماست که حداقل نرییم! و هیچکس هیچی نمیگوید؟



در آخر این مترسک بازی زبردستان هنر فروش به اسم ایران و برای ایران، ایرانی که همیشه با صدای «نوید افکاری در گوش من تکرار می‌شود «مردم شریف ایران»، برای من حال بهم زن و تکراری است، دروغ اگر چهره داشت حتما شبیه پورناظری ها می‌بود.

توضیحات:

۱- زن خواننده محبیه کنایه از سحر محمدی بروجردی، دلارام کمره، یکی از بازیگران زن اصلی سبب است که نام واقعی اوست، محمد جواد ظریف برای ایشان شناسنامه جعلی گرفت به اسم دلینا آرام که به ایران برگردد و در سبب بازی کند.

۲- همه عوامل زن این کنسرت نمایش، محبیه بودند و از ایران صادر شده بودند

۳- «پانتا آ کتایون شد» کنایه از پانتا آ بهرام و کتایون رباحی زنان بازیگری هستند که بعد از مهسا روستری از سر برداشتند.

و پیش تر از آن هم اشاره به ترانه علیدوستی، هنگامه قاضیانی، باران کوثری و رخشان بنی اعتماد دارد

همه این زنان هنرمند در ایران در اعتراض به ج و ع و حمایت از مردم روستری از سر برداشتند.



سی‌صد؛ روایتی بزرگ با قامتی نحیف

ک. ب



از جمله مؤلفه‌های برجسته و تأمل‌برانگیز اثر، حضور تمام بازیگران زن با پوشش کامل و حجاب رسمی است—حتی در لس‌آنجلس، قلب نمادین دیاسپورای معترض ایرانی. این انتخاب، صرفاً تصمیمی سیاسی برای استمرار نمادین همان انقیادیست که زنان ایرانی علیه آن ایستاده‌اند. در دورانی که جنبش «زن، زندگی، آزادی» با شعار محوری «نه به حجاب اجباری» فضای خیابان‌های ایران را دگرگون کرده و بسیاری از زنان با کنار زدن روسری، بهای سنگینی برای آزادی پرداخته‌اند، چنین بازنمایی‌ای از زن ایرانی روی صحنه، نوعی نادیده‌گرفتن، حتی توهین به حافظهٔ آن مبارزهٔ جمعیست.

این اجرا، به‌جای ایستادن در کنار خواست تاریخی آزادی انتخاب پوشش، انگار وظیفه دارد وانمود کند که حساسیت‌ها فروکش کرده‌اند، که «آن ماجراها» تمام شده‌اند، و حالا می‌توان با رعایت کامل کدهای ایدئولوژیک نظام، به دل دیاسپورا رفت و نمایشی ملی‌گرایانه اجرا کرد. این نمایش عامدانه از حجاب، در محیطی آزاد، بیش از آن که امری فرهنگی باشد، ژستی سیاسی است: تلاشی برای القای این تصور که حتی بیرون از مرزها، زن ایرانی هنوز تابع قواعد جمهوری اسلامی است.

در واقع، این انتخاب نه‌تنها مخاطب معترض ایرانی را نادیده می‌گیرد، بلکه او را تحقیر می‌کند؛ کوبیدن نمادین در اعتراض بر صورت همان مردمیست که برای آزادی جان داده‌اند، تبعید شده‌اند یا هنوز تحت فشارند. در متن چنین رویکردی، نه فقط فردوسی و اسطوره، که خود مخاطب نیز به ابزاری مصرفی بدل شده؛ مخاطبی که باید ساکت باشد، سر تکان دهد و فراموش کند.

نمایش «سی‌صد» به کارگردانی و آهنگسازی سهراب پورناظری، یک‌شنبه ۱۳ آوریل ۲۰۲۵ در سالن Peacock Theatre لس‌آنجلس به روی صحنه رفت؛ اثری پرزرق‌وبرق، پرستاره و پرادعا که می‌کوشید با روایتی برساخته و با تکیه بر عناصر شاهنامه‌ای و اسطوره‌ای، تسخیر ایران به‌دست مغولان را بازآفرینی کند. اما در ورای این ظاهر پرطمطراق و تبلیغات سنگین، آن‌چه باقی می‌ماند، نه حماسه‌ای نو و خلاق، بلکه نمایشیست نحیف و کم‌جان؛ اثری که زیر بار سنگین ادعاهایش، خم شده و از پا افتاده است.

نه روایت انسجام دارد، نه کارگردانی از تخیل و خلاقیت بهره‌مند است، و نه موسیقی توانسته باری از دوش روایت بردارد. طراحی صحنه عملاً غایب است؛ نه فضایی می‌سازد و نه به فهم موقعیت‌ها کمک می‌کند. جلوه‌های بصری کم‌مایه نیز، به باری نورهای موضعی، تلاش می‌کنند میان عناصری بی‌هویت و بی‌ربط، نخر تباطلی ایجاد کنند. موسیقی که می‌توانست رکن اساسی در فضا سازی باشد، اغلب در حاشیه باقی می‌ماند و تنها به لطف مهارت گروه نوازندگان و اجرای قابل قبول سحر بروجرودی گاهی شنیدنی‌ست؛ البته به‌جز اجرای سطحی، ناپخته و خودنمایانهٔ سهراب پورناظری، که بیش از آن که درگیر خلق لحظه‌ای موسیقایی باشد، شیفتهٔ حرکات نمایشی و حضور صحنه‌ای خویش است.

در نهایت، «سی‌صد» به‌جای آن‌که به تجربه‌های دراماتیک و اثرگذار بدل شود، بیشتر یادآور گردهمایی‌ای پرخرج و نمایشیست از جنس برنامه‌های فرهنگی—تجاری: محفلی برای چهره‌سازی، نه جان‌بخشی به روایت.



فقدان کارگردانی؛ نمایشی از تردد بی‌هدف و اجرایی بی‌جهت

گر چیزی بیش از هر عنصر دیگری در «سی‌صد» به چشم می‌آید، غیبت مطلق کارگردانی بود؛ نه تنها به‌عنوان یک نقش فنی، بلکه به‌عنوان ذهن ناظم و روح هدایت‌گر صحنه. سهراب پورناظری، که در مقام آهنگساز و کارگردان در کنار برادرش طهمورث پورناظری به‌عنوان تهیه‌کننده ظاهر شده، هیچ ردپای مشخص و مؤثری از منطق اجرایی یا زیبایی‌شناسی در صحنه باقی نگذاشته است. اجرا نه ریتم دارد، نه میزانشن مشخص، و نه حتی الگوی ساده‌ای برای ورود و خروج بازیگران و رقصندگان.

این غیبت نه صرفاً یک خطای فنی، بلکه نشانه‌ی فقدان چشم‌انداز کلان برای اثر است؛ نبود آن ذهن خلاق و مراقبی که بتواند عناصر مختلف اجرا—از حرکت و موسیقی گرفته تا طراحی لباس و نور—را درون یک روایت منسجم و یک زبان بصری یکپارچه قرار دهد. صحنه، به‌جای آن که به فضایی برای تبدیل مفهوم به فرم بدل شود، تبدیل به عرصه‌ای تهی و گسسته می‌شود که در آن، هیچ عنصری با عنصر دیگر سخن نمی‌گوید.

گروه‌های مختلف از چپ و راست صحنه، گاه با لباس‌هایی پرزرق‌وبرق اما بی‌معنا، بی‌هیچ ضرورتی وارد می‌شوند و بی‌آنکه تأثیری بر روایت یا حتی تصویر کلی اجرا بگذارند، دوباره خارج می‌شوند. این تکرارهای بی‌هدف، بیش از آن که نشانی از طراحی صحنه داشته باشند، حال‌وهوای یک رژه‌آشفته را تداعی می‌کنند؛ نمایشی پر از تردد و خالی از روایت. در چنین فضایی، آن‌چه در لحظه باید کنش باشد، به یک عبور خاموش بدل می‌شود؛ و آن‌چه می‌تواند نقطه‌اوج بصری باشد، به صرف شلوغی بی‌معنا تقلیل می‌یابد.

در این میان، استفاده از رقص‌های موزون و الگوبرداری ناشیانه از حرکات گورجیف، یکی از نامربوط‌ترین و غیرقابل‌دفاع‌ترین تصمیم‌های اجرایی بود. این حرکات که در اصل ریشه در فلسفه‌ای درون‌گرایانه، مراقبه‌محور و مبتنی بر نظم درونی دارند، به‌صورت خام، ابتدایی و بدون درک زمینه‌ی مفهومی‌شان در سکانس‌هایی از نبرد تاریخی میان ایرانیان و مغولان گنجانده شده بودند. در حالی که رقص‌های گورجیف بر پایه‌ی تکرارهای اندیشیده‌شده، توازن درونی و تمرکز بر انتقال حالتی شهودی و عارفانه بنا شده‌اند، در این اجرا تنها به چند حرکت مکانیکی تقلیل یافته بودند که هیچ پیوندی با درون‌مایه‌ی روایی یا فضای اثر نداشتند. تقلید سطحی و ناکارآمد این حرکات نه تنها فاقد هماهنگی با فضای روایی اثر بود، بلکه در صحنه‌هایی که انتظار می‌رفت تنش، خشونت یا حماسه جاری باشد، نوعی بی‌معنایی بصری پدید می‌آورد. تماشاگر نه‌تنها نمی‌فهمید چرا این حرکات در این فضا گنجانده شده‌اند، بلکه دچار سردرگمی می‌شد که دقیقاً چه رابطه‌ای میان این نمایش موزون بی‌ریشه و متن تاریخی اثر وجود دارد.

در نبود یک ذهن کارگردان واقعی، صحنه به جایی برای انباشته‌سازی اجراهای بی‌ربط، طراحی‌های بی‌سلیقه و رفت‌وآمدهایی بدون هدف بدل شده بود. گویی صحنه نه میدان روایت، بلکه محلی برای آزمون ایده‌های ناتمام و اجراهای بی‌ربط بود که بی‌هیچ سامان روایی یا زیبایی‌شناختی، یکی پس از دیگری بر صحنه نقش می‌بستند و بی‌اثر از آن عبور می‌کردند؛ تصویری از آشفتگی اجرایی که بیش از آن که در خدمت خلق یک تجربه‌ی هنری باشد، در خدمت نمایشی خنثی و خسته‌کننده قرار گرفته بود.

بازیگری بدون هدایت؛ ستارگان سرگردان در صحنه

همان‌طور که میزانشن و طراحی حرکت دچار بی‌هدفی و بی‌منطقی بود، بازی هنرپیشه‌های کلیدی نیز از فقدان کامل هدایت کارگردانی رنج می‌برد. حضور چهره‌هایی چون بهرام رادان، نوید محمدزاده، گوهر خیراندیش و بهرام افشاری، در ابتدا این تصور را ایجاد می‌کرد که قرار است با اجرایی قدرتمند و بازی‌هایی به‌یادماندنی مواجه باشیم. اما آن‌چه در عمل دیده شد، مجموعه‌ای از بازی‌های پراکنده، سطحی و بی‌ارتباط بود که کوچک‌ترین نشانی از هدایت یکدست، انسجام اجرایی یا منطق روایی نداشت.

نه دیالوگ‌ها از جان برمی‌آمدند، نه ارتباطی میان شخصیت‌ها برقرار می‌شد، و نه حتی لحنی مشترک میان بازیگران وجود داشت. هر کس گویی از جهان خودش آمده بود و به‌تنهایی بر صحنه ایستاده بود، بدون آن که با دیگری نسبتی برقرار کند. نتیجه، چیزی شبیه به مونولوگ‌های جداافتاده بود در دل صحنه‌ای آشفته؛ حضورهایی تزئینی که نه به پیشبرد روایت کمک می‌کردند، نه تأثیری در مخاطب برمی‌انگیختند. در غیاب هر گونه وحدت حسی و اجرایی، شخصیت‌ها به جای آن که حامل روایت باشند، صرفاً نقاب‌هایی متحرک شدند که تنها به اتکای شهرت و نام خود در صحنه باقی مانده‌اند—ستاره‌هایی بی‌ستاره‌بودن.

تنها مؤلفه‌ای که میان اغلب بازیگران مشترک بود، صدای بلند و پرخاشگرانه‌ای بود که بارها به فریاد می‌رسید—بی‌دلیل، بی‌تنظیم و اغلب گوش‌خراش. این فریادها، که نه برآمده از منطق درونی شخصیت بودند و نه بر اساس ضرب‌آهنگ صحنه‌ها تنظیم شده بودند، نه‌تنها هیچ ظرافتی در بیان و انتقال حس نداشتند، بلکه در بسیاری موارد، شدت صدا آن‌چنان ناموزون و بی‌قاعده بود که حس‌وحال صحنه را به هم می‌ریخت و ضعف در طراحی صوتی و تنظیم صدای سالن را به‌وضوح نمایان می‌کرد. صداسازی به جای بازیگری نشسته بود و مخاطب به‌جای دریافت معنا، در برابر امواج ناهنجار صدا قرار می‌گرفت.

به این آشفتگی صوتی، انتخاب‌های بی‌منطق زبانی و لهجه‌ای را نیز باید افزود. دلنیا آرام در نقشی محوری، با لهجه‌ای نامفهوم، چیزی میان تاجیکی و افغانی، سخن می‌گفت؛ لهجه‌ای بی‌ریشه، مضحک و بی‌تناسب با بقیه‌ی بازیگران که همگی با فارسی معیار ایرانی صحبت می‌کردند. این انتخاب نه‌تنها نشانه‌ای از بی‌برنامگی کارگردانی بود، بلکه خود به یک مانع جدی در فهم دیالوگ‌ها و باورپذیری شخصیت بدل شد. درحالی‌که حتی صداهای از پیش ضبط‌شده‌ی استاد علی نصیریان در نقش چنگیزخان نیز با فارسی رسمی اجرا شده بود، دختر او در روایت—با آن لهجه‌ی مصنوعی و عجیب—کاملاً ناهماهنگ به نظر می‌رسید و نه‌تنها ارتباطی حسی با پدر نداشت، بلکه برای مخاطب ایرانی، بیگانگی کامل می‌آفرید.

بدتر آن که چون وقایع داستان در حوالی شیراز می‌گذشت، گوهر خیراندیش نیز با طنزی سخیف و ناهنجار به لهجه‌ی شیرازی سخن می‌گفت، بی‌آنکه این انتخاب لهجه به تقویت فضای جغرافیایی یا شخصیت‌پردازی کمکی کند. این ترکیب شلخته از زبان‌ها و لهجه‌ها، گسستی مضاعف در ارتباط زبانی و حسی اثر پدید آورد؛ گسستی که نه حاصل تجربه‌گرایی آگاهانه یا بازی فرمال با چندصدایی بود، بلکه صرفاً برآمده از سردرگمی اجرایی و فقدان دیدگاه کارگردانی بود.



منجمد، تکراری و بی‌اثر بدل شده است؛ اثری که به‌جای الهام‌گیری از سنت، از آن تنها برای مشروعیت‌بخشی به یک پیکره‌تهی بهره‌جسته-نمایشی که نه گفت‌وگویی با گذشته شکل داده، و نه امکان ارتباطی تازه با امروز فراهم کرده است.

موسیقی؛ سردرگمی، عدم انسجام و خودنمایی بی‌محتوا

موسیقی در «سی‌صد» نه‌تنها فاقد انسجام بود، بلکه از آغاز تا پایان، مجموعه‌ای از قطعات ناهماهنگ و بی‌ارتباط را به نمایش گذاشت که نه به روایت خدمتی می‌کردند و نه فضای احساسی منسجمی ایجاد می‌کردند. هیچ تم یا موتیف موسیقایی مشخصی در طول اجرا دنبال نمی‌شد و دلیل انتخاب قطعات و ارتباط آن‌ها با موقعیت‌های دراماتیک، کاملاً نامعلوم و بی‌پشتوانه به‌نظر می‌رسید. در برخی لحظات، ناگهان موسیقی به‌سوی فرم پاپ متمایل می‌شد، در حالی که پیش‌تر، فضای صوتی اثر چیزی میان موسیقی سنتی ملایم و پاپ سنتی بود. این تغییرات بی‌زمینه، ناگهانی و بی‌منطق بیشتر شبیه شوک‌هایی زائد بودند تا گذارهای موسیقایی؛ شوک‌هایی که نه‌تنها بر صحنه سوار نبودند، بلکه پیوند مخاطب با روایت را گسسته و تمرکز احساسی او را مخدوش می‌کردند.

در این میان، تنها نقطه موفق و قابل دفاع، اجرای دلبیا آرام بود: مویه‌ای در سوگ شوی‌اش که در قالب لحنی ناله‌گونه، با زبان به‌ظاهر مغولی و بیگانه اجرا شد. این لحظه، در میان تمام اغتشاش‌های صوتی و بی‌هدفی‌های اجرایی، به‌لحاظ لحن و بیان، هماهنگ با صحنه بود و برای لحظه‌ای حس سوگ و اندوه را به‌طرزی درخور و انسانی به مخاطب منتقل کرد. با این حال، این موفقیت نادر نیز نتوانست ضعف فراگیر موسیقی را جبران کند؛ چراکه بلافاصله پس از آن، روند نامنسجم و پراکنده قطعات ادامه یافت و بی‌ثباتی صوتی بار دیگر غلبه کرد.

سهراب پورناظری، که به‌طور همزمان نقش آهنگساز، کارگردان، نوازنده و خواننده را برعهده گرفته بود، در هیچ‌کدام از این جایگاه‌ها نتوانست اثری خلاق، منسجم یا قابل اعتنا بر جای بگذارد. در مقام نوازنده، تکنیکش فاقد بیان موسیقایی بود و جمله‌پردازی‌اش چیزی جز تکرارهای خالی از معنا نداشت؛ حرکات نمایشی و اغراق‌شده‌اش بر ساز، بیشتر برای جلب توجه بصری طراحی شده بود تا انتقال معنا از طریق صوت. این اجراها به‌جای آن که از درون فرم یا محتوای اثر بجوشند، بیشتر واکنش‌های احساسی و سطحی مخاطب را هدف قرار داده بودند—نوعی بهره‌گیری از جلوه‌گری لحظه‌ای به جای تداوم بیان موسیقایی.

اما شاید عجیب‌ترین و پرسش‌برانگیزترین بخش ماجرا، حضور پررنگ او به‌عنوان خواننده در طول اثر بود؛ حضوری که نه‌تنها جایگاهی توجیه‌پذیر در کلیت اجرا نداشت، بلکه به‌واسطه ضعف تکنیکی و عدم تربیت آوازی لازم، به‌وضوح به نقاطی آسیب‌زننده بدل شده بود. پورناظری در طول اجرا چندین قطعه را خود خواند، در حالی که نه صدایی موسیقایی برای این جایگاه داشت، نه توانایی لازم در انتقال احساسات، و نه حتی تسلطی بر بیان روایی متن. این اجراهای وکال، نه تنها موجب درگیر شدن مخاطب با سیر دراماتیک نمی‌شدند، بلکه با حالتی خودنمایانه و منفک از بستر اثر، تأکیدی بودند بر بحران محوری نمایش: غیاب هدایت هنری و فروپاشی نقش‌ها در یک پروژه خودمحور.

در غیاب هرگونه هدایت کارگردانی، لپه‌ها نه‌تنها کمکی به شخصیت‌پردازی نکردند، بلکه خود به یکی از عوامل تخریب‌گر انسجام اجرا بدل شدند. آن‌چه می‌توانست به واسطه انتخابی سنجیده، رنگی از واقعیت جغرافیایی یا هویتی به نمایش ببخشد، این‌جا به عاملی برای سردرگمی مخاطب و سستی در ارتباط بدل شده بود. نتیجه، نه «تکثر صداها» که «تفرقه صوتی» بود؛ آواهایی ناساز، بی‌منطق و ناهم‌ریشه، که همچون خود نمایش، هیچ اراده مرکزی برای سامان‌بخشی به آن‌ها وجود نداشت.

تقلیل شاهنامه به شعار؛ اسطوره‌هایی که در هیاهو گم شدند

روایت نمایش «سی‌صد» نه‌تنها فاقد انسجام و گره‌افکنی بود، بلکه از همان آغاز گرفتار سطحی‌ترین برداشتها از شاهنامه شد؛ گویی تنها هدف، بهره‌برداری تبلیغاتی از نام فردوسی و قهرمانانش بود، بی‌آنکه تلاشی برای درک ژرف ساختار اسطوره‌ای و پیچیدگی‌های حماسی آن صورت گرفته باشد. هیچ نشانی از فهم عمیق اسطوره‌ها، تبارشناسی شخصیت‌ها، یا حتی تلاشی برای بازآفرینی دراماتیک و خلاقانه آن‌ها در کار دیده نمی‌شد. شخصیت‌هایی تاریخی که در متون کهن با بحران‌های اخلاقی، تعارضات درونی و موقعیت‌های پیچیده مواجه‌اند، این‌جا به تیپ‌هایی یک‌بعدی، شعاری و گاه کاریکاتورگونه تقلیل یافته بودند؛ همان‌قدر بی‌ریشه که لباس‌ها و حرکات‌شان، و همان‌قدر بی‌اثر که نحوه ورود و خروجشان بر صحنه.

بخش بزرگی از این ضعف، مستقیماً به متن بسیار ضعیف و ساده‌انگارانه محمد رحمانیان بازمی‌گردد. متنی که نه‌تنها از درک اسطوره‌شناختی شاهنامه و لایه‌های تاریخ بی‌بهره است، بلکه با زبانی کلیشه‌ای، گزارش‌گونه و آکنده از شعار، اسطوره‌ها را از جایگاه‌شان فرو می‌کاهد و آنان را به حاملان نطق‌های سطحی، خطی و بی‌اثر تبدیل می‌کند. روایت، ساختاری مکانیکی و کاملاً پیش‌بینی‌پذیر دارد؛ سرشار از مونولوگ‌های بلند، بدون تعلیق، بدون کنش و بدون ظرافت روایی. بیشتر صحنه‌ها به‌جای شکل‌گیری از دل درام و کشمکش، با نوعی تقلید از فضای میتینگ‌ها و اخبار تلویزیونی پیش می‌روند.

در غیاب هرگونه شخصیت‌پردازی، بازیگر تنها به وسیله‌ای برای انتقال جمله یا پیامی از پیش تعیین‌شده تقلیل می‌یابد؛ بی‌هیچ امکان خلاقیت، عمق، یا حتی لحظه‌ای مکث برای زیست در نقش. مفاهیم بنیادینی چون مقاومت، میهن‌دوستی، یا ظلم‌ستیزی—که در شاهنامه با لایه‌مندی و از خلال موقعیت‌های روایی شکل می‌گیرند—در این اجرا به شکلی مستقیم، بدون بافت، و در نهایت آزاردهنده به مخاطب تحمیل می‌شوند. گویی در غیاب اعتماد به قدرت روایت، تنها راه باقی‌مانده، فریاد زدن مضمون به گوش تماشاگر است. اما این فریادها نه خشم می‌سازند، نه عاطفه برمی‌انگیزند؛ تنها پژواکی خسته و توخالی‌اند.

نتیجه، چیزی جز پس‌زدن مخاطب نیست؛ چرا که آن‌چه در شاهنامه و در حافظه تاریخی ما به‌مثابه یک کهن‌الگو عمل می‌کند، این‌جا به پوسته‌هایی سیاسی و بی‌جان تقلیل یافته است—تصاویری تبلیغاتی که نه تخیل دارند، نه جان، نه ارتباطی زنده با اکنون.

این استفاده ابرارگرایانه و سطحی از اسطوره تاریخی و نام فردوسی، نه‌تنها روح آن را درنیافته، بلکه عملاً آن را به حاشیه رانده و تحقیر کرده است. متنی که می‌توانست حامل تخیل، تنش، و گفت‌وگوی زنده با گذشته باشد، به بیانیهای



که می‌توانستند از نظر احساسی یا دراماتیک تأثیرگذار باشند، کاملاً بی‌اثر و گنگ باقی بمانند. در نبود نور دقیق، صحنه از هرگونه تمرکز بصری تهی بود و تماشاگر با تصویری همواره ناپایدار و سردرگم مواجه بود.

در کنار این ناکارآمدی‌ها، متحرک‌سازی‌های دیجیتال نیز که می‌توانستند فرصتی برای ایجاد بعد بصری یا غنای نمادین باشند، به‌شدت ابتدایی، خام و ناهماهنگ اجرا شده بودند. به‌ویژه در صحنه‌ای که نقش برجسته‌های سربازان تخت‌جمشید به‌صورت ویدئویی به حرکت در می‌آمدند، این متحرک‌سازی چنان ناشیانه و سطحی انجام شده بود که بیشتر به عروسک‌های کوکی شباهت داشت تا سربازانی حماسی و باستانی. حرکات تکراری، فاقد عمق و غیرطبیعی این پیکره‌ها، نه‌تنها عظمت و وقار تاریخی را القا نمی‌کرد، بلکه لحنی کودکانه و مضحک به اجرا داده بود؛ لحنی که با کلیت فضا در تضاد کامل قرار داشت و بار دیگر نشان داد که «سی‌صد» نه در پی بازآفرینی حماسه، که صرفاً درگیر تقلیدهای سطحی و جلوه‌گری‌های ناکام بود.

نبود بروشور؛ حذف مخاطب و نادیده گرفتن شرافت اجرا

یکی دیگر از جلوه‌های بی‌اعتنایی به مخاطب، فقدان کامل بروشور یا هرگونه متنی برای معرفی عوامل، بازیگران و روند تولید نمایش بود. در نمایشی با این حجم از ادعا، ارائه ندادن حتی یک برگ کاغذ حاوی اطلاعات پایه درباره تیم اجرایی، نه یک غفلت ساده، بلکه نوعی بی‌احترامی مستقیم به تماشاگر چند هزار نفری به‌شمار می‌آید.

گویی تنها حضور چند چهره مشهور کافی‌ست تا دیگر عوامل—از بازیگران و گروه فنی گرفته تا طراحان صحنه و لباس—در سایه بمانند، بی‌نام و بی‌هویت. این حذف نظام‌مند نام‌ها، در تضاد کامل با شأن تئاتر و احترام به فرآیند جمعی خلق اثر است. در غیاب بروشور، مخاطب نه‌تنها از درک ساختار تولید محروم می‌شود، بلکه احساس می‌کند به‌جای دعوت به یک تجربه هنری، به مراسمی تبلیغاتی و چهره‌محور فراخوانده شده است؛ جایی که تنها ستاره‌ها دیده می‌شوند و دیگران صرفاً در پس‌زمینه محو شده‌اند.

در لحظات پایانی نیز، زمانی که همه عوامل برای ادای احترام روی صحنه آمدند، نوید محمدزاده رفتاری از خود نشان داد که نه‌تنها هیچ ارتباطی با حال‌وهوای اجرا نداشت، بلکه نوعی خودنمایی بی‌موقع و ناهمخوان با پایان‌بندی اثر به‌نظر می‌رسید—تکملاً بی‌اثر به‌جای مخاطب باید می‌دید و ندید. او در برابر دیدگان تماشاگران، روی صحنه شروع به پاک کردن گریم صورتش کرد، سبیلش را کند، و سپس شال گردنش را باز کرد و آن را به دور سرش چرخاند.

این کنش‌ها، درست در لحظه‌ای که انتظار می‌رفت احترام جمعی گروه به مخاطب به نمایش درآید، نه نشانی از بداهه‌ای خلاق داشت و نه امتدادی در راستای اجرا. بیشتر شبیه اجرای فردی و بی‌پشتوانه‌ای بود برای جلب توجه؛ حرکاتی که تنها یادآوری کردند حتی در پایان اجرا نیز انسجامی میان عوامل وجود ندارد، و صحنه، بیش از هر چیز، جولانگاه خودمحورانه ستاره‌های تنهاست.

در نهایت، اجرای موسیقی با وصله‌زدن ناگهانی و بی‌مقدمه سرود «ای ایران» به پایان رسید—تصمیمی که بیشتر از آن که نمادین یا تأثیرگذار باشد، به شکلی سطحی، مصنوعی و تحمیلی بر کلیت اثر سوار شده بود. گویی قرار بود این قطعه، همچون چسبی ملی‌گرایانه، ترک‌های آشکار انسجام، روایت و حس اثر را پُر کند؛ اما در عمل، چیزی نبود جز یک وصله گل‌درشت و ناساز بر تنِ اجرایی که از آغاز تا پایان، از معنا، اندیشه و زیبایی تهی بود.

طراحی صحنه؛ غیبت کامل، بی‌تصمیمی بصری و شلختگی تکنیکی

در نمایشی با این حجم از بازیگر و حرکت، انتظار می‌رود طراحی صحنه بتواند با تعریف فضا و موقعیت، انسجام دیداری اثر را تأمین کند و به تماشاگر در درک روایت یاری رساند. اما در «سی‌صد» اساساً چیزی به‌نام طراحی صحنه به‌معنای حرفه‌ای آن وجود نداشت. هیچ عنصر بصری مشخص، هدفمند یا فکرشده‌ای که بتوان آن را به‌عنوان دکور یا طراحی فضا تلقی کرد، روی صحنه دیده نمی‌شد. نه از ساخت یا بازسازی یک موقعیت جغرافیایی یا تاریخی خبری بود و نه حتی از نمادسازی مینیمال یا انتزاعی بهره گرفته شده بود تا مفهومی از فضا در ذهن مخاطب شکل گیرد.

صحنه کاملاً خالی و بدون نشانه بود؛ بی‌هیچ زمینه یا عنصری که به درک موقعیت‌ها کمک کند. بازیگران در فضایی تهی و معلق حرکت می‌کردند و تماشاگر نیز، بی‌آن که هیچ راهنمای بصری داشته باشد، رها شده بود تا با حدس و گمان، جای وقوع رویدادها و تغییرات زمانی و مکانی را تشخیص دهد. این حذف مطلق طراحی صحنه، نه نشانی از سادگی زیباشناسانه داشت و نه مفهومی از مینیمالیسم را القا می‌کرد، بلکه صرفاً حاصل فقدان تدبیر و تصمیم کارگردانی بود؛ غفلتی که نه‌تنها باعث بی‌هویتی صحنه شد، بلکه ضربه‌ای جدی به فهم روایت، تمرکز تماشاگر و انسجام کلی اثر وارد کرد.

پس‌زمینه‌های ویدئویی که شاید قرار بود جای خالی طراحی صحنه را پر کنند، خود به یکی از نقاط ضعف عمده نمایش بدل شدند. این پس‌زمینه‌ها تکراری، کمرق، و گسسته از روایت بودند؛ هر کدام به‌طور مستقل و بی‌ارتباط با کنش‌های صحنه عمل می‌کردند، بی‌آن که منطق گرافیکی، رنگی یا مفهومی آن‌ها مشخص باشد. گویی ویدئوها نه در خدمت فضای نمایشی، که صرفاً به‌عنوان پرکننده‌ای تزئینی به کار رفته بودند—بی‌جهت، بی‌هویت، و در بسیاری موارد حتی گیج‌کننده. در یکی از تصاویر، چیزی شبیه عقربه ساعت، بدون هیچ دلیل روشن یا پیوند روایی، بر نقش برجسته‌های تخت‌جمشید می‌چرخید. این تصویر نه‌تنها فاقد توجیه مفهومی بود، بلکه ذهن مخاطب را ناخواسته به سمت جلوه‌های فانتزی مجموعه‌هایی چون «بازی تاج‌وتخت» سوق می‌داد، بی‌آن که بتواند با فضای تاریخی، اسطوره‌ای یا حتی استعاری نمایش، هیچ نسبتی برقرار کند.

نورپردازی نیز به همان اندازه بی‌برنامه، غیر حرفه‌ای و ناکارآمد بود. در بسیاری از صحنه‌ها، بازیگران در سایه قرار می‌گرفتند، چهره‌ها محو می‌شدند و حرکات فیزیکی‌شان به‌درستی دیده نمی‌شد. گاهی برخی شخصیت‌ها به‌طور کامل در تاریکی فرو می‌رفتند و از قاب دیداری حذف می‌شدند، گویی اصلاً در صحنه حضور نداشتند. این بی‌توجهی به اصول پایه‌ای نور، باعث شد حتی لحظاتی



سی صد؛ کوشش در انحراف گفتمان اعتراض

پدرام ملایری



رنگ‌ایران‌گرایی گرفته و بدون اشاره به دشمن داخلی که این تسهیل کننده بلای مغول بر ایران بود، تنها بر دشمن خارجی متمرکز می‌شود.

شعارهای اعتراضی نمایش و نیش و کنایه‌زدن‌ها و متلک‌های سیاسی، در شرایطی که هنوز تعداد بسیاری از هنرپیشگان زن ممنوع‌التصویرند و هنرمندان تبعیدی حق برگشت به کشور ندارند و از عرصه عمومی به طور سیستماتیک حذف شده‌اند شوخی بی‌مزه‌ای است که مناسب سال‌های دهه ۷۰ ایران بود نه فضای پس از ۱۴۰۱.

این نوشته برآن نیست که ادعا کند عوامل این اجرا در توطئه‌ای از پیش طراحی شده با جمهوری اسلامی همدستی کرده‌اند. حتی در سوابق پدیدآوردندگانی اصلی نمایش، دغدغه اجتماعی و مردمی آنها مشهود است. اما شواهد نشان می‌دهد که ناخواسته مهره بازی فرهنگی دیپلماسی نرم جمهوری اسلامی شده‌اند برای نرمال کردن (نشان دادن) شرایط، پس از جنبش اعتراضی زن، زندگی، آزادی و نیاز نظام به کم شدن فشارهای خارجی که این امر بدون مهار گفتمان اعتراضی گسترده شده در دیاسپورا ایرانی پس از ۱۴۰۱ میسر نمی‌شود.

نمونه بارز این سیاست، اجرای نمایش «سی صد» در سراسر آمریکا است. بدون شک، در شرایط امروز ایران که حتی تاسیس یک کانال اینستاگرام هم مجوز دولتی لازم دارد، اجرای چنین پروژه‌ای چه از لحاظ مالی و چه از لحاظ کسب مجوزهای لازم بدون پشتیبانی نهادی حکومتی غیرممکن است. حفظ حساسیت‌های ایدئولوژیک نظام در عین جذب مخاطب در این امر روشن است، تمامی بازیگران زن با حجاب بر روی صحنه حاضر شدند، نماد اصلی جنبش اعتراضی که مخالفت با حجاب اجباری بود نه تنها نادیده گرفته شد بلکه با اصرار بر «حجاب» قصد این بود که نشان داده شود که ایرانیان دیاسپورا دیگر حساسیتی به موضوع ندارند و دوره اعتراض سپری شده‌است. از هنرپیشگانی استفاده شد که هیچ قدمی برای حمایت از اعتراضات برنداشتند و ضمن خاصیت جذب مخاطب، به عنوان معترض شناخته نمی‌شوند. به ایدئولوژی نهفته در اثر و مشابهتش به دکترین امنیتی جمهوری اسلامی که دشمنی خارجی در پی از بین بردن کیان کشور است و به نام و ننگ باید متحد شویم برای حفظ استقلال می‌شود در مجالی دیگر پرداخت، هرچند در این اثر این دکترین به مد روز

پس از جنبش «زن، زندگی، آزادی» و همبستگی بی‌نظیر ایرانیان خارج از کشور در مخالفت با جمهوری اسلامی، شاهد فشار مستمر این شهروندان بر کشورهای غربی برای افزایش توجه به مسائل حقوق بشری در ایران بودیم. این تحركات، به‌ویژه در زمینه انتقاد از نقض حقوق بشر و سرکوب آزادی‌های فردی، به شکلی در سطح بین‌المللی طنین‌انداز شد به شکلی که هیچ دولتمرد قبلی نمیتوانست بدون در نظر گرفتن حجم اعتراضات شهروندان ایرانی ساکن کشورش، در رابطه با جمهوری اسلامی موضع بگیرد.

پس از فروکش کردن اعتراضات، و گذشتن دو سال، جمهوری اسلامی سعی دارد با اتخاذ دیپلماسی نرم و فرهنگی و برگزاری برنامه‌های هنری کنترل‌شده که در عین حفظ حساسیت‌های ایدئولوژیک جمهوری اسلامی قابلیت جذب ایرانیان در دیاسپورا را دارد، به مقامات کشورهای غربی نشان بدهد که فضای اعتراضی سپری شده است و از دیگر سو با برقراری ارتباط با جوامع دیاسپورا نفوذ مخالفان و گفتمان اعتراضی را کاهش دهند.

منتشر شد

مرغ آفتاب

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (۱۳۴۴-۱۳۵۷)

نویسنده: ماندانا زندیان



«کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» ۲۴ آذر ۱۳۴۴ (۱۵ دسامبر ۱۹۶۵) متولد شد. مرغ آفتاب روایتی است از سیزده سال نخست بالیدن این نهاد فرهنگی، یعنی ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۷. از یک چشم‌انداز، این کتاب بازخوانی سهمی از فرآیند تجدد در ایران است، که دانایی و توانایی زنان در ساختنش دست بالاتر داشته. فکر اولیه ساختن کتابخانه کودک در ایران را لیلی امیرارجمند با شهبانو فرح پهلوی در میان گذاشت، شهبانو فکر را پسندیدند، امیرارجمند پی‌گیر شد و کانون جان گرفت. بار سنگین «پرورش فکری کودکان و نوجوانان» را هزار زن کتابدار کودک عهده‌دار شدند، که هر هزار پرورده کانون بودند. پشتیبانی ملکه از تمام مراحل گسترش کانون بی‌دریغ بود. کتاب دو فصل دارد. فصل یکم، گفت‌وگوی بلند مؤلف با لیلی امیرارجمند است، در جست‌وجوی درک شخصیت، جهان‌بینی و پرسش محوری زندگی او و بازتاب آن‌ها در این نهاد. فصل دوم، مجموعه‌ای از ۲۳ گفت‌وگوست، گفت‌وگوی نخست با شهبانو فرح پهلوی، که ریاست عالیۀ کانون را برعهده داشتند، و در پی آن گفت‌وگو با ۲۲ همکار کانون در مراکز رو به رشد این نهاد در گستره‌های سینما، تئاتر، موسیقی، انیمیشن، و انواع هنرهای تجسمی مانند نقاشی و سفال‌گری و البته کتابداری کودک که اساس این نهاد بود. مرغ آفتاب در شصت سالگی کانون به بچه‌های ایران تقدیم شده.



شرکت کتاب

ketab.com

(310) 477-7477



The Leading Provider in Drug Free
Pain Management Products.

"پرومد" ارائه کننده تجهیزات پزشکی

Allow ProMed Medical Supplies to Help You With Your Pain

"پرومد" پیشرو در ارائه وسایل کنترل درد بدون استفاده از دارو

آیا تجربه یکی از دردهای زیر را دارید؟

■ کمر درد ■ زانو درد ■ درد مچ دست و قوزک پا ■ گردن درد ■ دردهای استخوان
■ آرتروز ■ پوکی استخوان ■ درد ناشی از شکستگی



اگر بیمه مدیکر، مدیکل و بیمه های خصوصی دارید.
دیگر نگران نباشید.



کمپانی پرومد مدیکال سوپلای کلیه لوازم بهداشتی از قبیل:

ویلچرهای معمولی و برقی، کمربند حامل ژلاتین سرد و گرم شونده، کمربند مخصوص پوکی استخوان، قوزبند پشت کمر، قوزک بند، گردن بند، صندلی توالت و حمام، زانو بند، مچ بند، کفش های طبی و ارتوپدی، محصولات بهداشتی مربوط به بی اختیاری ادرار پوشک مخصوص سالمندان، پد زیر تشک، محلفه ضد آب، اسپری شستشو، پمادهای ضد سوختگی و زیر شلوارهای طبی و دیگر وسایل را فقط با یک تلفن در اختیار شما قرار می دهد.

Medicare
Medi-cal
Private Insurance
Private Pay

فاصله ما با شما یک تماس تلفنی می باشد

(818)907-7777



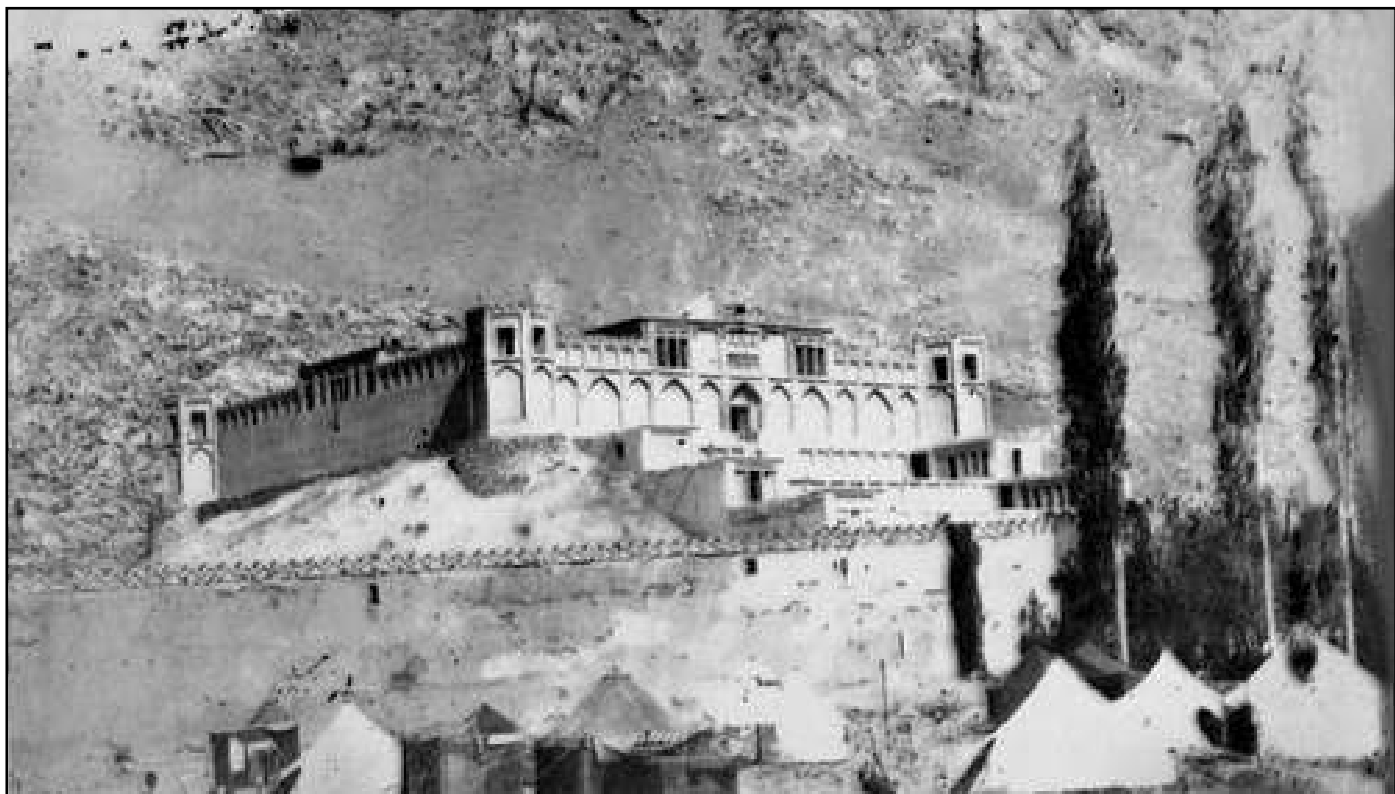
www.promedonline.com

خدمات ما در تمام کالیفرنیا ارائه می شود

Address: 16200 Ventura Blvd, Encino, CA 91436



سرگذشت پاتوق و پاتوق نشینی (فصل چهارم) قصر قجر خاقان



به روایت: زاون

... یکی دیگر از اقدامات اولیه‌ی خاقان در اوایل سلطنت، ساخت و ساز یک قصر سلطنتی به تقلید از شاهان پیش از خود و مخصوص به خود بود مشهور به «قصر قجر» که خود خاقان خوش داشت آن را «تخت قجر» بخواند ... این عمارت نخستین بار در گزارش عبدالرزاق بیگ دُنبلِی در بخش مربوط به وقایع سال ۱۲۱۳ قمری کتاب «مآثر السلطانیة» رونمایی شده با این شرح: ... در این سال مبارک، رأی جهان آرای خاقان اقتضای آن کرد تا در قطعه زمینی عبیراگین در نیم فرسخی طهران باغی چون خلد برین مشحون از انواع اشجار و ریاحین واقع در تلی عنبرآسا سازد ...

... قصر قجر در خارج از محدوده‌ی طهران در راه قدیم شمیران واقع بود بر بالای تپه‌یی مُشرف به دارالخلافه با عماراتی بزرگ شامل بیرونی و اندرونی، به انضمام

یک «کلاه فرنگی» یا «کوشک» به سبک فرنگ، و آمده است که:

قصر قجر دارای چهار برج مراقبت در چهار سو بود بدون پنجره‌های بیرونی به طوری که از دور به یک قلعه‌ی نظامی بیشتر شبیه بود و بی جهت نیست که بعدها تبدیل شد به «زندان قصر» ...

«قصر قجر» از نگاه غربی‌ها

... به روایت «پی‌یر ژوبر» به نقل از کتاب «سفر به ایران و ارمنستان»:

... قصر قاجار بر فراز تپه‌یی واقع شده و بنایی است آجری و بسیار زیبا که باغی وسیع آن را احاطه نموده و نهر آبی از وسط باغ می‌گذرد ... عمارت قصر در نهایت جلال و شکوه، با آینه‌کاری‌ها و گچ‌کاری‌ها و کاشی‌کاری‌ها و تابلوها با نقاشی‌هایی در کمال ظرافت زینت‌افزای قصر است ...

... به روایت «گاسپار درو ویل»، افسر

فرانسوی و نماینده‌ی آلکساندر اول امپراتور روسیه در ایران، به نقل از کتاب خاطراتش - سفر در ایران - :

... قصر قاجار بر روی تپه‌یی واقع گردیده و با باغات و پلکانی وسیع محاصره شده که بسیار فرح‌بخش است و پادشاه ایران سالی چند ماه از اوقات خود را در همین کاخ بیلاقی و تفریحاتی‌اش واقع در نیم فرسنگی طهران می‌گذراند ...

... به روایت «هاینریش بروگش» خاورشناس آلمانی به نقل از کتاب «در سرزمین آفتاب»:

... قصر قاجار از نظر پله‌ها و تپه‌یی که بر فراز آن ساخته شده، بیشتر به «کاخ ورسای» پاریس شباهت دارد ... ساختمان قصر ساده اما داخل آن بسیار مُجلل است و نیز استخر بزرگ با فواره‌های متعدد و زیبا دارد ... زمستان‌ها که آب استخر یخ می‌بندد، اروپاییان روی آن سُرُره بازی می‌کنند ..



شرکت طلوع املاک

با همکاری و کلای رسمی دادگستری

منوچهر معتمر و همکاران

متخصص املاک صادره شده در ایران

- تعویض گذرنامه در دو هفته
- مهر خروج ویژه مشمولین
- اجازه خروج همسر
- اخذ و تعویض شناسنامه و کارت ملی هوشمند
- تنظیم صلح نامه که پس از فوت نیاز به انحصار وراثت و مالیات بر ارث نباشد
- وکالتنامه کاری و فروش تام الاختیار با حق توکیل به غیر در دو هفته
- دریافت حقوق بازنشستگی یا مستمری از ایران
- گرفتن مجوز اوفک
- گرفتن انحصار وراثت و کلیه امور حقوقی در ایران
- ثبت ازدواج و طلاق ایرانی
- تمام خدمات و امور حقوقی و کنسولی ایرانیان در آمریکا و کانادا
- ترجمه رسمی به کلیه زبان ها

(949)202.7288

(949)338.4705

(310)975.4677

propertyiran@gmail.com

26632 TOWN CENTER DR, SUITE 300
FOOTHILL RANCH CA 92610



تنش های تجاری و تعرفه های جدید، زنگ خطر برای پارک های دیزنی را به صدا در آورد



وضع تعرفه های جدید و افزایش تنش های تجاری از سوی دولت ترامپ، ممکن است بر عملکرد پارک های تفریحی دیزنی تأثیر بگذارد، زیرا تحلیلگران هشدار می دهند، زمانی که مردم احساس عدم اطمینان از وضعیت مالی خود داشته باشند، تمایل کمتری برای سفر به این پارک ها و صرف هزینه برای تعطیلات خواهند داشت.

لوران یون، تحلیلگر ارشد شرکت Bernstein، می گوید: «تاریخ نشان داده است که کاهش اعتماد مصرف کنندگان معمولاً با کاهش حضور در پارک های تفریحی همراه است. تنش های اقتصادی در ماه های اخیر و کاهش ۱۱ درصدی اعتماد مصرف کنندگان در ماه اپریل نسبت به ماه گذشته، نگرانی ها در این خصوص را تشدید کرده است.»

علاوه بر این، کاهش سفرهای بین المللی به ایالات متحده و واکنش های منفی برخی کشورهای خارجی، از جمله کانادا، به سیاست های تجاری دولت آمریکا، می تواند بر تعداد بازدیدکنندگان بین المللی پارک های دیزنی تأثیر بگذارد. گردشگران خارجی که معمولاً هزینه بیشتری می پردازند و مدت زمان بیشتری در پارک ها می مانند، منبع درآمدی مهم برای دیزنی به شمار می آیند. همچنین، رقابت با پارک جدید یونیورسال، Epic Universe، که به زودی در اورلاندو افتتاح می شود، می تواند چالش های بیشتری را برای دیزنی به همراه داشته باشد. این تحولات باعث شده است که دیزنی با برنامه های گسترده تری برای جذب بازدیدکنندگان جدید و افزایش نرخ حضور روبه رو شود.



نوع پوشش کارکنان استارباکس تغییر خواهد کرد



نمایندگان اتحادیه دست یافته و به فرایند مذاکره ادامه خواهد داد.

تغییرات جدید پوشش کارکنان بخشی از استراتژی «بازگشت به استارباکس» تحت رهبری مدیرعامل جدید شرکت، برایان نیکول، است که هدف آن ساده‌سازی روند کار و بهبود تجربه مشتریان می باشد.

استارباکس در روز پنج شنبه ۱۷ اپریل از تغییرات جدید در قوانین پوشش کارکنان خود خبر داد که هدف آن ایجاد یکسان سازی لباس کارکنان و ایجاد حس آشنا در مشتریان است.

بنابر این دستور، کارکنان شرکت استارباکس از تاریخ ۱۲ می، ملزم خواهند بود لباس‌های ساده‌ای شامل پیراهن مشکی ساده با آستین کوتاه یا بلند، یقه‌دار یا دکمه‌دار، و شلوارهای خاکی، مشکی یا جین آبی رنگ بپوشند. این تغییرات به گونه‌ای طراحی شده‌اند که پیش‌زمینه لباس آبی معروف استارباکس، پیش‌بند سبز که به نمادی شناخته‌شده تبدیل شده، بیشتر در معرض دید قرار گیرد و حس آشنایی را برای مشتریان ایجاد کند. استارباکس اعلام کرده که این تغییرات به منظور یکسان سازی پوشش در تمام فروشگاه‌های این شرکت طراحی شده است.

این تصمیم در حالی اتخاذ شده است که اتحادیه کارگران استارباکس، نماینده بیش از ۵۲۵ فروشگاه در سراسر ایالات متحده، به این شرکت نامه‌ای ارسال کرده و خواستار به تعویق انداختن تغییرات در قوانین پوشش تا پایان مراحل مذاکره شده است.

این اتحادیه نگران است که این تغییرات نه تنها مشکلات کارکنان را حل نکند، بلکه بر دوش آن‌ها فشار بیشتری وارد نماید، به ویژه در شرایطی که کارکنان باید هزینه‌های اضافی برای خرید لباس‌های جدید بپردازند. از سوی دیگر، استارباکس اعلام کرد که به بیش از ۳۰ توافق مهم در مذاکرات با

ویولن ۶۵۰ هزار دلاری دانشجوی USC پیدا شد



ویولن گرانبهای ۳۳۱ ساله ۶۵۰ هزار دلاری که از دانشجوی دانشگاه کالیفرنیا جنوبی (USC) دزدیده شده بود، پس از دو هفته جستجو و پیگیری توسط پلیس لس آنجلس پیدا شد.

پلیس ادعا می‌کند که جاناتان سالدنا، ۳۱ ساله، مظنون به سرقت این ویولن، در تاریخ ۲ اپریل وارد بخش موسیقی دانشگاه USC شد و پس از آنکه این دانشجو ویولن خود را برای مدت کوتاهی کنار گذاشت، سالدنا آن را دزدید و از دانشگاه خارج شد.

مأموران پلیس پس از پیگیری‌های دقیق با استفاده از تصاویر دوربین‌های مداربسته، موفق شدند سالدنا را شناسایی کرده و ویولن به سرقت رفته را در یک کمپ بی‌خانمان‌ها نزدیک USC پیدا کنند.

گوئی‌ریز، کارآگاه این پرونده گفت که ویولن پیدا شده، سالم می باشد و امیدوار است با بررسی‌های بیشتر وضعیت آن نیز تأیید گردد. این ویولن که توسط دانشجوی USC از یک فروشگاه موسیقی قرض گرفته شده بود، صحیح و سالم به فروشگاه تحویل داده شد و اداره پلیس لس آنجلس از برگرداندن این قطعه هنری تاریخی ابراز خرسندی کرد.



دولت ترامپ دسترسی به بیش از ۲/۲ میلیارد دلار کمک مالی دانشگاه هاروارد را مسدود کرد



دولت فدرال اعلام کرد، دسترسی دانشگاه هاروارد به بیش از ۲/۲ میلیارد دلار کمک مالی و ۶۰ میلیون دلار قرارداد را به دلیل رد درخواست‌های دولت ترامپ مبنی بر «محدود کردن فعالیت‌های سیاسی در دانشگاه» مسدود کرده است. این تصمیم پس از آن گرفته شد که دانشگاه هاروارد اعلام کرد، خواسته‌های دولت مبنی بر اعمال محدودیت‌های گسترده بر فعالیت‌های دانشجویی و تغییرات در سیاست‌های پذیرش و استخدام این دانشگاه را نخواهد پذیرفت.

پیش تر دولت ترامپ در نامه‌ای به هاروارد، خواستار اصلاحات گسترده در نحوه اداره دانشگاه، اجرای سیاست‌های «پذیرش مبتنی بر شایستگی» و همچنین انجام بررسی‌هایی در مورد نظرات افراد دانشگاه در زمینه تنوع شد. علاوه بر این، دولت خواستار «ممنوعیت استفاده از ماسک‌هایی شد که به طور مشخص معترضان طرفدار فلسطین از آنها استفاده می کنند» و همچنین از دانشگاه خواسته شد که «هیچ گروه دانشجویی را که خشونت یا فعالیت‌های غیرقانونی را ترویج می کند، حمایت نکند».

در واکنش به این تهدیدات دولت ترامپ، رئیس دانشگاه هاروارد، آلن گاربر، تأکید کرد که این درخواست‌ها نقض حقوق نخستین متمم قانون اساسی آمریکا می باشند و فراتر از اختیارات قانونی دولت تحت قانون عنوان ششم (Title VI) قرار دارند که تبعیض نژادی را در دانشگاه‌ها ممنوع می کند. این اقدام دولت بخشی از تلاش‌های گسترده‌تری است که از طریق فشار به موسسات آموزشی بزرگ با استفاده از بودجه دولتی برای پیشبرد دستور کار سیاسی رئیس‌جمهور ترامپ صورت گرفته است.

در همین راستا، دانشگاه‌های برجسته دیگری همچون دانشگاه پنسیلوانیا، براون و پرینستون نیز هدف فشارهای مشابهی قرار گرفته‌اند که باعث اعتراض‌های عمومی در هاروارد و همچنین شکایت‌های حقوقی از سوی اساتید و دانشجویان شده است که به دنبال دفاع از آزادی‌های دانشگاهی و مقابله با فشارهای سیاسی می باشند.

هشدار استاد دانشگاه هاروارد: دموکراسی آمریکا در معرض خطر جدی قرار گرفته است

تهدید به اخراج دانشجویان بین‌المللی می باشد که واکنش شدید جامعه علمی از جمله دانشگاه هاروارد را به دنبال داشته است. لوویتسکی و همکارش با ارسال نامه‌ای خطاب به رئیس دانشگاه هاروارد، خواستار مقاومت در برابر سیاست‌های دولت شدند؛ نامه‌ای که در نهایت منجر به دفاع رسمی رئیس دانشگاه از آزادی‌های آکادمیک شد.

به باور لوویتسکی، حفظ نهادهای علمی مستقل و حفاظت از آزادی‌های فردی، سنگ‌بنای مقابله با روندهای اقتدارگرایانه است و تحلیل‌های او، اکنون به صدایی مؤثر در گفتمان دفاع از دموکراسی در سطح جهانی تبدیل شده است.

این استاد دانشگاه که سال‌ها به مطالعه در مورد رژیم‌های اقتدارگرا پرداخته، در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ تمرکز خود را بر وضعیت داخلی آمریکا معطوف کرده و معتقد است که «تهدادهایی چون مطبوعات آزاد، قوه قضاییه مستقل و نظام انتخاباتی ایالات متحده تحت فشار بی‌سابقه‌ای قرار دارند.» به گفته لوویتسکی، خطر اصلی در آن است که «با تکرار ریاست جمهوری ترامپ، پایبندی به اصول دموکراتیک ممکن است بیش از پیش تضعیف شود.»

لوویتسکی و همکارش، دنیل زیلات، با انتشار مقاله‌ها و بیانیه‌هایی از جامعه دانشگاهی خواسته است تا در برابر این فشارها ایستادگی کنند. یکی از نقاط بحرانی، حملات مستقیم ترامپ به دانشگاه‌ها و



استیون لوویتسکی، استاد علوم سیاسی دانشگاه هاروارد و نویسنده کتاب «چگونه دموکراسی‌ها می‌میرند»، بار دیگر درباره تهدیدات فزاینده علیه نهادهای دموکراتیک آمریکا در دوران دونالد ترامپ هشدار داد.



فرماندار کالیفرنیا علیه تعرفه‌های ترامپ شکایت خواهد کرد

داشت: «کالیفرنیا با داشتن یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای ایالات متحده و جهان، باید از منافع اقتصادی و کارگران خود دفاع کند.»

راب بونتا، دادستان کل کالیفرنیا نیز که در این شکایت نقش اصلی را ایفا می‌کند، هدف از این اقدام را جلوگیری از آسیب‌های بیشتر اقتصادی به این ایالت و حفظ روابط تجاری پایدار با شرکای بین‌المللی عنوان کرد و گفت: «کالیفرنیا به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین واردکنندگان کالا در ایالات متحده، به‌طور مستقیم با چالش‌های اقتصادی ناشی از این تعرفه‌ها مواجه است.» وی افزود: «این شکایت در زمانی مطرح می‌شود که ایالت با کاهش فرصت‌های تجاری و افزایش هزینه‌ها در مواجهه با سیاست‌های تجاری ترامپ روبه‌رو است.»



گوین نیوسام، فرماندار کالیفرنیا، در روز چهارشنبه ۱۶ اپریل اعلام کرد که ایالت کالیفرنیا علیه تعرفه‌های گسترده‌ای که رئیس‌جمهور ترامپ بر واردات کالا اعمال نموده، شکایت می‌کند.

این تعرفه‌ها که شامل افزایش ۲۵ درصدی برای واردات از چین، ژاپن و کره جنوبی می‌شود، نگرانی‌هایی را در مورد تأثیرات منفی این سیاست‌ها بر اقتصاد ایالت به‌وجود آورده است. گوین نیوسام در این خصوص اظهار

گوین نیوسام در کنار این شکایت، در پادکست خود به‌نام «This is Gavin Newsom» که در آن با شخصیت‌های برجسته‌ای از جمله بن شاپیرو و استیون بنن گفت‌وگو می‌کند، تأکید کرده است که هدف او ایجاد روابط باز و سازنده است، اما در مواجهه با این تعرفه‌ها، دیگر چاره‌ای جز اقدام قانونی برای دفاع از منافع کالیفرنیا نداشته است.

منبع خبر: Los Angeles Times

کاهش محبوبیت شهردار لس آنجلس پس از آتش‌سوزی‌های اخیر



طبق نظرسنجی جدیدی که توسط دانشگاه UCLA انجام شده است، محبوبیت شهردار لس آنجلس، کرن بس، به طرز قابل توجهی کاهش یافته و احتمالاً این کاهش به نحوه مدیریت او در برابر آتش‌سوزی‌های ویرانگر ماه ژانویه ارتباط دارد.

این نظرسنجی نشان می‌دهد که نرخ منفی محبوبیت شهردار لس آنجلس نسبت به سال گذشته ۱۷ درصد افزایش داشته است. نزدیک به نیمی از ساکنان لس آنجلس که در این نظرسنجی شرکت کرده اند، دیدگاه منفی نسبت به شهردار داشته اند، در حالی که این عدد در سال گذشته ۳۲ درصد بوده است.

در نظرسنجی امسال که بین ۲۳ فوریه تا ۹ مارچ انجام شد، ۳۷ درصد از ساکنان نظر مثبتی در مورد کارن بس داشتند، در حالی که در سال گذشته این عدد ۴۲ درصد بود.

هرچند این نظرسنجی به طور خاص از شرکت کنندگان پرسیده نشده است که آیا آتش‌سوزی‌ها تأثیری بر نظر آنها در مورد بس داشته است، اما زیو یاروسلاوسکی، عضو پیشین شورای شهر لس آنجلس، معتقد است که کاهش محبوبیت او احتمالاً به این آتش‌سوزی‌ها مرتبط است. یاروسلاوسکی افزود که کارن بس می‌تواند با عملکرد خوب در روند بازسازی مناطق سوخته شده، آمار از دست رفته را بازگرداند.



متن آهنگ «عزیزم» از اد شیرن به همراه ترجمه فارسی که با گوگوش همخوانی شد



Azizam

عزیزم

I wanna be nowhere but here with you now

هیچ جایی نمیخوام باشم جز همینجا کنار تو

I wanna be runnin' and free

میخوام آزادانه بدم و رها باشم

I wanna be congruent and wrapped in your arms

میخوام هماهنگ باشم و تو آغوش پیچیده بشم

در اینجا به معنای هماهنگی: "Congruent" (کامل عاطفی و فکری است)

I wanna be yours through the day

میخوام تمام روز مال تو باشم

The movements you make

حرکت‌هایی که میکنی

Like a diamond in display

مثل یه الماس تو ویرترین میدرخشی

Till the sun is away

تا وقتی خورشید غروب کنه

Like a magnet on me

مثل یه آهنربا منو جذب میکنی
(آهنربا: نماد جذابیت غیرقابل "Magnet")

(مقاومت)

I don't care what they say

برام مهم نیست چی میگن

We can do it our way

میتونیم روش خودمونو انجام بدیم

And if love's just a game

و اگه عشق فقط یه بازیه

Then come and play

پس بیا و بازی کن

عیدی بگیر

Azizam

عزیزم

Meet me on the floor tonight

امشب تو سالن رقص بهم ملحق شو

Show me how to move like the water

نشنوم بده چطوری مثل آب حرکت کنم
(اشاره به حرکت روان و طبیعی)

In between the dancing lights

بین نورهای رقصان

Be mine, be mine

مال من باش، مال من باش

Azizam

عزیزم

Azizam

عزیزم

I wanna get lost in your ocean and drown

میخوام تو اقیانوس گم و غرق بشم

I wanna be careless and free

میخوام بی‌پروا و آزاد باشم

I wanna want all of you and don't wanna be found

میخوام تمامت رو بخوام و پیدام نکنن

I wanna be all that you see

میخوام همه‌چیزی باشم که میبینی

Don't look at me

بهم نگاه نکن

'Cause I'm dying in this place

چون دارم تو اینجا میمیرم

Till the sun is away

تا وقتی خورشید غروب کنه

Like a magnet on me

مثل یه آهنربا منو جذب میکنی

I don't care what they say

برام مهم نیست چی میگن

We can do it our way

میتونیم روش خودمونو انجام بدیم

And if love's just a game

و اگه عشق فقط یه بازیه

Then come and play

پس بیا و بازی کن

Azizam

عزیزم

Meet me on the floor tonight

امشب تو سالن رقص بهم ملحق شو

Show me how to move like the water

نشنوم بده چطوری مثل آب حرکت کنم

In between the dancing lights

بین نورهای رقصان

Be mine, be mine

مال من باش، مال من باش

Azizam

عزیزم

Azizam

عزیزم



Water... let,er... out,er

نویسنده: بهداد جاودان – آتلانتا



از سال گذشته هزینه کرده است.

تعرفه های وضع شده بر علیه کشورهای دیگر هم مثل تف سربالا به سوی خود آمریکا بازگشت و با شروع آنها کشورهای دیگر هم مقابله به مثل کردند و نتیجه آن ریزش اقتصاد شکوفای آمریکا و ضرر و زیان ده تریلیون دلاری به سرمایه داران آمریکا بود. آقای ترامپ دقیقاً مثل احمدی نژاد وعده می داد که همه رهبران جهان سبدها و زنبیل های خود را پشت در اتاق گذاشته و نوبت گرفته اند تا با استغاثه از ایشان طلب بخشش کنند، اما حقیقت آن بود که تمام کشورها حتی دوستان نزدیک آمریکا یعنی کانادا، ژاپن، کره جنوبی و مکزیکو جداگانه با چین وارد مذاکره شده و قرارداد اقتصادی امضاء کردند و کشورهای اروپایی نیز متحداً روبروی آمریکا ایستادند و نتیجه آن بایکوت هر چه بیشتر آقای ترامپ و سیاست های غلطی بود که ایشان بعنوان مغز متفکر اقتصادی ارائه داد و دو هفته بعد با دیدن افتضاحی که بار آورده تعرفه ها را کنار گذارد و فقط قسمتی از آنها را بر علیه چین اعمال می کند که با جواب دندان شکنی روبرو شد.

این «شاهکار» آقای ترامپ مرا به یاد همان حقه کرلی انداخت که برای خروج آب از درون قایق کف آنرا با دریل سوراخ می کرد. خداوند عاقبت ملت آمریکا و جهان را در چهار سال آینده با اینگونه تصمیمات ختم بخیر بکند!

خارج شود (I am making a water...let,er...out,er) داستان رفتار و تصمیمات دولت جدید آمریکا دقیقاً مثل همان عمل و گفته معروف کرلی می ماند. آقای ترامپ در سال گذشته و با شروع مبارزات انتخاباتی برنامه مشخص اقتصادی خود را بیان نکرد، بلکه همواره از دولت گذشته و برنامه های آن که بزرگترین رشد اقتصادی را برای ملت آمریکا رقم زد به سخیف ترین نحوی انتقاد می کرد و آنرا به باد استهزاء می گرفت اما تلویحاً اشاره می کرد که تعرفه های سنگینی بر علیه کشورهای دیگر وضع خواهد کرد، ولی هرگز توضیح نمی داد که این تعرفه ها چگونه می خواهد اقتصاد پویا و رو به رشد آمریکا را بهبود بخشد تا اینکه ژانویه فرا رسید و ایشان به اتفاق دوستان و همفکرانش به کاخ سفید راه یافتند و به تدریج دست گل های خود را به آب دادند. در زمینه اقتصاد ثروتمندترین فرد دنیا را مسئول یک وزارتخانه من درآوردی کرد تا بودجه کشور آمریکا را تنظیم و از ریخت و پاش و حیف و میل جلوگیری کند. جناب ایلان ماسک نیز چاقو را تیز کرد و به جان تمامی وزارتخانه ها افتاد و بعد از اخراج دهها هزار نفر از مشاغل کلیدی، آنچنان پوستی از همه کند که حتی دانشگاه های معروف و طراز اول آمریکا هم از این فاجعه در امان نماند و بودجه کمکی بسیاری از آنها از جمله دانشگاه هاروارد قطع شد. اما عجیب که آمار نشان می دهد در سه ماه اول زمامداری آقای ترامپ، نه تنها دولت از اینکار پس اندازی نکرده بلکه ۱۵۰ میلیارد دلار هم بیشتر

در دهه پنجاه و شصت میلادی و با جان گرفتن شبکه های تلویزیونی گوناگون در آمریکا و پخش برنامه های مختلف از جمله شوهای سرگرم کننده و موزیکال و کمدی یک برنامه پانزده دقیقه ای بنام Three Stooges (سه کله پوک) بیش از همه مورد استقبال قرار گرفت و شهرت جهانی پیدا کرد.

داستان از این قرار بود که سه برادر بنامهای «موو»، «کرلی» و «لری» در هر آپیزود وارد یک ماجرا شده و با حرکات و گفتار ساده و ابلهانه خود برای پانزده دقیقه باعث خنده و شادی تماشاگران می شدند و این شو برای سالها در تلویزیون ادامه داشت و حتی در ایران هم با نام «سه کله پوک» نمایش داده می شد و همچنین فیلمهای دوساعته هم از شیرین کاری های آنان ساخته شد و هنوز هم بعد از هفتاد سال اگر در یکشنبه صبح در کنار خانواده و نوه ها یکی از شاهکارهای آنان را تماشا کنید، باعث نشاط و شادی و خنده بینندگان خواهد شد.

بگذریم، در یکی از این شوها، موو و کرلی و لری در یک قایق کوچک مشغول ماهیگیری بودند و به دلیل معیوب بودن قایق آب به داخل آن نفوذ کرد. در این حال کرلی (بمعنای مو فر فری که از قضا کاملاً سر طاسی داشت)، دریل و مته بسیار بزرگی پیدا کرد و مشغول سوراخ کردن کف قایق شد. موو، برادر به ظاهر اندیشمند از او پرسید که چه می کنی و کرلی در جواب آن جمله معروف خود را گفت که دارم یک سوراخ درست می کنم که آب از آن



بازگشت سرنوشت ساز مارک زاکربرگ به واشنگتن؛ احتمال واگذاری اینستاگرام و واتس اپ



مارک زاکربرگ، مدیرعامل شرکت متا، این هفته برای حضور در یک پرونده حقوقی سرنوشت ساز، به واشنگتن بازگشت؛ پرونده‌ای که در صورت صدور حکم علیه متا، می‌تواند منجر به جدایی اینستاگرام و واتس‌اپ از این غول فناوری شود.

کمیسیون بازرگانی فدرال ایالات متحده (FTC) در این پرونده، متا را به سوءاستفاده از قدرت انحصاری در بازار شبکه‌های اجتماعی شخصی از طریق خریدهای استراتژیک از جمله اینستاگرام و واتس‌اپ متهم کرده است. به گفته این نهاد نظارتی، متا با اتخاذ سیاستی موسوم به «خرید بهتر از رقابت»، مانع از ظهور رقبا شده و با محدود کردن گزینه‌های کاربران و آگاهی‌دهندگان، به نوآوری و رقابت در این صنعت آسیب زده است.

متا اما در دفاع از خود اعلام کرده است که با اپلیکیشن‌های بزرگی همچون تیک‌تاک و یوتیوب در رقابت مستقیم قرار دارد؛ ادعایی که FTC آن را رد کرده و تأکید دارد که این پلتفرم‌های ویدیویی تفاوت‌های بنیادینی با شبکه‌های اجتماعی شخصی دارند.

در صورت الزام متا به واگذاری اینستاگرام و واتس‌اپ، بخش قابل توجهی از کسب‌وکار تبلیغاتی و درآمد این شرکت تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. این اقدام می‌تواند چشم‌انداز رقابت در بازار شبکه‌های اجتماعی را به‌طور چشمگیری تغییر دهد و فضا را برای ظهور بازیگران جدید فراهم سازد، هرچند بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که راه‌اندازی و تثبیت جایگاه یک اپلیکیشن جدید در این عرصه، فرآیندی دشوار و زمان‌بر خواهد بود.

زاکربرگ، که پیش‌تر روابط پرتنش با دولت ترامپ داشت، اکنون تلاش می‌کند تا موضعی متعادل‌تر با دولت کنونی ایالات متحده اتخاذ کند. با این حال، آینده پرونده حقوقی متا و تأثیرات احتمالی آن بر ساختار این شرکت و اکوسیستم رسانه‌های اجتماعی همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

تمرکز ما روی پرونده تصادف شما



HEIDARI LAW GROUP P.C.

INJURY LAWYERS

سامان حیدری

وکیل رسمی دادگاه‌های کالیفرنیا و نوادا
و فدرال آمریکا

✓ تصادفات رانندگی:

• تصادفات اوبر - لیفت (Uber and Lyft Accidents)

• تصادفات با ماشینهای سنگین (Trucking Accidents)

• تصادفات با موتور سیکلت (Motorcycle Accidents)

• تصادفات منجر به فوت (Wrongful Death)

✓ زمین خوردگی در مراکز تجاری و مسکونی

✓ حمله حیوانات (Dog Bite)

مشاوره رایگان در ۱۵ ساعت شبانه روز

YOU PAY NOTHING UNTIL WE WIN!!!

پرداخت حق الوکاله فقط در صورت پیروزی

818-818-0707 SAN FERNANDO VALLEY

949-239-1020 IRVINE

702-722-1500 LAS VEGAS



Westside Medical Pharmacy



کادر داروخانه، از راست:

فریده گلستانی - مجتبی جعفرزاده - دکتر سویل کاتوزی - دکتر الکسا لانگ - آلاله غلامزاده - سان پارک



**WESTSIDE MEDICAL
PHARMACY**

**داروخانه وست ساید مدیکال
در خدمت جامعه ایرانی**

به مدیریت دکتر سویل کاتوزی

با همکاری تکنسین‌های مجرب و ارائه واکسن‌های روز

تحويل رایگان دارو به منازل شما در همه مناطق به خصوص در

بورلی هیلز - ولی - وستلس آنجلس - سانتا مونیکا

دوشنبه تا جمعه ۹ صبح تا ۵ بعداز ظهر

نماینده انحصاری داروهای گیاهی و کتابهای دکتر سهراب خوشبین

Westside Medical Pharmacy

(310) 441-1200

westmedphy@gmail.com

11968 Wilshire Blvd #B, Los Angeles, CA 90025

LIONSGATE
LAW GROUP

دکتر سایان عبودی

SAYAN ABOUDI ESQ

وکیل تصادفات

صدمات شدید بدنی

دریافت بالاترین خسارت

در تصادفهای:

Auto Accidents

Uber & Lyft Accidents

Track Accidents

Motorcycle Accidents

Pedestrian Accidents

Slip & Fall Accidents

City Claim Accidents

Dog Bite Accidents

اتومبیل

اوبر و لیفت

موتورسیکلت

تصادف منجر

به مرگ

زمین

خوردگی

حمله حیوانات

818-945-1234

San Francisco 415-251-1234

San Diego 619-448-1234

Bakersfield 661-374-1474

800-454-5299

Locations in

Los Angeles, San Francisco, San Diego, Bakersfield,
Sacramento

15233 Ventura Blvd Suite 1170

Sherman Oaks, CA 91403

www.LionsGateLawGroup.com

همراه با تیم حرفه ای و مجرب برای دریافت
بالاترین خسارت برای شما

Regime Change in Iran

Author: Erfan Fard

خلاصه کتاب تغییر رژیم در ایران

این کتاب مجموعه‌ای از مقالات است که به افشای نقش رژیم روحانی ایران در تروریسم دولتی می‌پردازد و بر چگونگی بی‌ثبات کردن خاورمیانه و امنیت جهانی توسط جمهوری اسلامی تمرکز دارد. این کتاب به تأثیر تبلیغات حکومتی، سرکوب جامعه ایران توسط رژیم، و لزوم تغییر رژیم به عنوان تنها راه حل برای دستیابی به صلح منطقه‌ای می‌پردازد.

علاوه بر این، کتاب امکان بازگرداندن نظام پادشاهی ایران را به عنوان راهی برای بازبانی عزت ملی و ثبات کشور بررسی می‌کند.

طی دو سال گذشته، این مقالات در The Jerusalem Post، Israel Hayom، The Hill و National News Israel منتشر شده‌اند.

این کتاب به زبان انگلیسی و توسط انتشارات شرکت کتاب منتشر شده است.

Summary of the Book:

This book compiles articles exposing Iran's clerical regime and its role in state-sponsored terrorism, focusing on how the Islamic Republic destabilizes the Middle East and global security. It addresses the impact of propaganda, the regime's oppression of Iranian society, and advocates for regime change as the only solution to regional peace.

Additionally, the book explores the potential restoration of Iran's monarchy as a pathway to reclaim national dignity and stability. Over the past two years, these pieces have been published in The Jerusalem Post, Israel Hayom, The Hill and National News Israel.



ketab.com

(310) 477-7477

از انتشارات شرکت کتاب



آموزش بازیهای جدید و قدیمی با ورق



دو، سه، و چهار نفره در یک جلسه

424-208-9368

مسعود

نجات دختر ۱۰ ساله ساکن جنوب کالیفرنیا که از طریق روبلاکس ربوده شد



مقامات ایالت کالیفرنیا اعلام کردند، دختر ۱۰ ساله ساکن جنوب این ایالت که در روز یکشنبه ۱۳ اپریل از طریق پلتفرم‌های روبلاکس و دیسکورد با فرد بزرگسالی ارتباط برقرار کرده و ربوده شده بود، با تلاش نیروهای پلیس به خانواده‌اش بازگردانده شد.

به گفته اداره پلیس شهرستان کرن، این دختر در شهر ایلک گروو و در کنار متهم ۲۷ ساله‌ای به نام متیو مکاتونو ناوال شناسایی و نجات یافت. ناوال به اتهام ربودن و سوءاستفاده از کودک دستگیر شده و تحقیقات در خصوص پرونده ادامه دارد.

تحقیقات زمانی آغاز شد که دوستان این کودک موضوع ناپدید شدن او را به پلیس گزارش دادند. مأموران با بررسی پیام‌های او در روبلاکس توانستند محل تقریبی اختفای متهم را شناسایی کنند. عملیات پلیس منجر به یافتن کودک و دستگیری ناوال در کمتر از شش ساعت شد.

روبلاکس، یک پلتفرم محبوب بازی‌های آنلاین است که میلیون‌ها کودک و نوجوان در سراسر جهان از آن استفاده می‌کنند. این حادثه بار دیگر نگرانی‌ها درباره امنیت کودکان در فضای مجازی و ضرورت نظارت والدین بر فعالیت‌های آنلاین فرزندان‌شان را افزایش داده است.

هفته نامه ایران‌شهر هر هفته بر روی تارنمای IranshahrWeekly.com به رایگان منتشر می‌شود.

هفته نامه ایران‌شهر هر ۴ هفته یکبار به صورت چاپ کاغذی نیز منتشر می‌شود. برای اشتراک پستی (سالانه) مبلغ ۱۰۰ دلار از طریق پی‌پل به نشانی:

bookstore@ketab.com

بپردازید و یا برای دادن شماره کارت اعتباری به شرکت کتاب
310-477-7477 تلفن کنید



نویسنده کتاب که آن را برای پاورقی به ایران‌شهر سپرده است در مقدمه یادآور شده که این کتاب یک «کتاب دینی یا ضد دین نیست» که ادامه مقدمه را در همین زیر می‌خوانید. عنوان کتاب «روانشناسی تاریخی شیعیان» است. نویسنده کتاب، تحصیلات روانشناسی دارد و ترجیح داده است که نام خود را مخفی و مستور نگه دارد. ایران‌شهر همه کسانی را که دستی بر قلم دارند و در این مورد خود را صاحب نظر می‌دانند دعوت می‌کند که اندیشه نویسنده را زیر ذره بین قرار داده و آن را مورد نقد و بررسی قرار دهند و آن را برای ایران‌شهر ارسال کنند تا در ایران‌شهر منتشر شود.

روانشناسی تاریخی شیعیان – بخش دهم

پژوهشی در ساحت غرایز، احساسات و عقلانیت شیعیان

محی الدین ابن ترکه

فصل سوم عقلانیت شیعی

کند، میتواند حاکمانش را تغییر دهد، یا آن مردمی که آزادی را نه حق بل تکلیف خود می‌دانند و حفظ آنرا مانند نفس کشیدن یک امر بدیهی می‌شناسند، یا آن قانون اساسی که اینترنت را حق طبیعی شهروندانش میداند و هیچ احد الناسی در هیچ شرایطی حق محدود کردن آنرا ندارد... همه این مثالها، صورتهایی از یک نظم و نظامی است که حکایت از «چیزی» دارد که این نظم و نظام را پدیدار ساخته است. اساسا همان چیز است که اینگونه فعلیت یافته و آشکار شده است. اینها همگی فعلیت آن چیز است که نامش «عقل» است که نامش «زندگی» است. پس هرچا، زندگی محدود یا نفی شود، آنجا با فقدان عقل مواجه هستیم. عقل، در فعلیت خود، زندگی است، چراکه زندگی همین میزی است که بر روی چهار پایه‌اش استوار است، همین اتومبیلی که بنابر محاسبات ریاضی در حال حرکت است. همین توپی است که وقتی به هوا پرتش میکنم، دوباره به خاطر نیروی جاذبه به زمین باز میگردد. همین طبیعتی است که وقتی کمر به نابودی‌اش بسته‌ایم، درمقابل ما می‌ایستد و نابودمان میکند! همین قوانین طبیعت است و همین مرگی است که در برابرمان ایستاده.

هرگاه رو به بی‌عقلی آورده‌ایم، یعنی زندگی را نفی کرده‌ایم و ایضا، هرگاه زندگی در هر بعدی و هر وجهی نفی شود، یعنی بی‌عقلی آغاز شده است. آن باوری که خلاف عقل است، محکوم به فنا است، چراکه زندگی را نفی میکند. آن اندیشه‌ای که برای زندگی ارزش قائل نیست، در بطن خود، عین بی‌عقلی است، ولو دربارهاش هزاران جلد کتاب نوشته شود. عقل در فعلیت خود، همان زندگی است.

پس تاریخ ۲۵۰۰ ساله اخیر، تاریخ عقل و خردی است که یونانیان آنرا بنا نهادند. عقل یونانی، برای ما تکنولوژی آورده، دمکراسی آورده، حقوق بشر آورده و

تعریفات و اوصافی که برای عقل ذکر کرده‌اند همین معنا نهفته است. از امام ششم نقل میکنند: «از امام صادق سؤال شد: «عقل چیست؟» فرمود: عقل آن است که به وسیله آن خدای رحمان پرستش شود و بهشت به دست آید.»^۱

گرچه میتوان درباره این مساله که آیا شیعیان به همین تعریف دینی عقل پایبند بودند یا نه، پرداخت و چنانکه از فصول پیشین بر می‌آید، پاسخ منفی است و شیعیان حتی به همین معنای دینی نیز چندان الزام نداشتند، اما این مساله از موضوع پژوهش ما خارج است. ما میخواهیم بدانیم آیا شیعیان به معنای غیر دینی عقل، که از یونان باستان تا به امروز رایج بوده الزام داشته اند یا نه و چرا؟

پاسخ اجمالی به این پرسش منفی است. شیعیان عقل یونانی که همان قوه تمیز میان خوب و بد در شکل گزاره‌ها و محتوای استدلالی را هرگز نپذیرفتند و همین عدم پذیرش عقل، مهمترین عامل بیرون پرت شدگی شیعیان از تاریخ بوده است. عقل یونانی از ۲۵۰۰ سال پیش تاکنون همه عالم را درنوردیده و سایر تعاریف از عقل را به کنار نهاده و اسباب ظهور مناسبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی شده است که کم و بیش در همه عالم جاری و ساری است. امروزه همه کشورها با عقلی سر و کار دارند که با فیلسوفان یونانی آغاز شد و خود را بر سرتاسر گیتی گسترانید.

هنوز تعریف ارسطو از عقل، دقیقترین تعریفی است که تا کنون خواننده و شنیده‌ایم. او میگفت: «عقل در فعلیت خود، همان زندگی است.» این میزی که بر روی پایه‌هایش ایستاده است، یا این سقفی که بر روی دیوار استوار است، یا اتومبیلی که براساس مناسبات صدها قطعه در کنار هم روی چرخ‌هایش حرکت میکند، یا آن جامعه مدنی که بطور مسالمت‌آمیز هرگاه اراده

عقل مهمترین قوه و توانایی در انسان برای تشخیص خوب و بد، یا خوب و خوبتر، و بد و بدتر است. از همینرو از دیرباز یونانیان در تعریف انسان، آنرا به مثابه فصل ممیز از سایر حیوانات بکار بردند. این توانایی در شکل گزاره‌ها و محتوای استدلال خود را نشان میدهد. از همینرو گزاره‌هایی که استدلالی باشند و نیز بینالذاتانی، محصول فعالیت عقل است و این سخن به هیچوجه به معنای حقیقت مطلق بودن عقل و گزاره‌ها و استدلالهای آن نیست. این عقل است که خطا میکند نه گزینه و نه احساسات. اساسا حقیقت و خطا برای عقل است و غرایز و احساسات آدمی از خطا و حقیقت فارغانند. اینکه گزینه جنسی انسان با دیدن یک زن زیبا تحریک میشود، نه خطاست و نه حقیقت. اینکه آدمی به سخن شاعرانه احساس خوب پیدا میکند و نسبت به تندخویی و رک‌گویی احساس بد مییابد، نه خطا است و نه حقیقت. خطا و حقیقت صرفا از آن عقل است.

از همینرو در کتاب حاضر مفهوم عقل، با آن مفهومی که در ادبیات دینی بکار رفته چندان مطابقتی ندارد. مفهوم عقل در ادبیات دینی از ریشه «عقال» اخذ شده که به معنای «بستن و بازداشتن» است، از همین رو، پای بند شتر را «عقال» گویند. عقل در ادبیات دینی بازداشتن خود از اموری که از جانب خدا و رسولش نهی شده و پایبندی به یک باور یا یک روش یا شیوه زندگی و التزام بدان است. عقل دینی، یعنی انسان خود را در پایبندی و انقیاد فرامین الهی و احکام دینی و سخن پیامبر قرار دهد و ملتزم به آنها باشد. به همین دلیل، عاقلترین انسانها در ادبیات دینی، دیندارترین آنهاست. شیعیان نیز همین مفهوم عقل را پذیرفته‌اند و در



کلینیک شنوایی دکتر شهرزاد کوهن

مرکز توانبخشی شنوایی و درک بهتر

مطلع و مجهز به آخرین متد و تکنیک و تجهیزات شنوایی
با کلینیک مخصوص اطفال و بزرگسالان و
تجویز سمعک‌های نامرئی

درمان اختلالات در تشخیص

صوتی و درک مغزی

شنوایی درمانی

رفع مشکلات تعادلی

پیرگوشی و پیشنهاد سمعک

درمان صداهاى ناهنجار و

زنگ زدن گوش

818.98.99.001 APCenters.com

هفته نامه ایران‌شهر هر هفته بر روی تارنمای IranshahrWeekly.com به رایگان منتشر می شود.

هفته نامه ایران‌شهر هر ۴ هفته یکبار به صورت چاپ کاغذی نیز منتشر می شود.
برای اشتراک پستی (سالانه) مبلغ ۱۰۰ دلار از طریق پی پل به نشانی:

bookstore@ketab.com

بپردازید و یا برای دادن شماره کارت اعتباری به شرکت کتاب
310-477-7477 تلفن کنید

دکتر شهرزاد کوهن

هر آنچیزی که امروزه ما درونش غوطه‌وریم،^۲ از شرق دور تا استرالیا و آمریکا و آفریقا و قطب جنوب، میتوان عقل یونانی را دید. بشر معاصر زیر سایه این عقل زندگی میکند. حتی شیعیان که با این عقل ستیز دارند، نیز از مواهب آن بهره می‌برند و تلاش دارند از این مواهب علیه خاستگاه آن بکار گیرند! از همینرو تاریخ یعنی تاریخ عقل. بدین معنا شیعیان فاقد تاریخ هستند. ما نمیتوانیم درباره تاریخ خرد شیعی سخن بگوییم و تنها میتوانیم از «تاریخ بی خردی» یاد کنیم.

این سخن بدان معنا نیست که در گذشته شیعیان، هیچ خردمند یا متفکر یا اندیشمندی حضور نداشته است. خیر. اینطور نیست. مراد از تاریخ بی خردی، فقدان یک پیوستگی تاریخی نزد خردمندان و اندیشمندان در جهت تکامل عقل و خرد جمعی است. اندیشمندان و خردمندان شیعی، در هزار سال گذشته، یا به تاریخ خرد غربی تعلق دارند و مکمل آن حرکت تاریخی هستند، یا مانند قطعاتی منفرد، جدا افتاده از تاریخ، در مقطعی از تاریخ بی خردی، چونان برقی درخشیده و سپس به خفا رفته‌اند و نتوانسته‌اند در مسیر حرکت تکامل خرد جمعی شیعیان، نقش ایفا کنند.

اگر شیعیان این سینا دارند، صرفاً به عنوان روز پزشک سالی یکبار از او یاد میکنند. این سینا، هیچ ارتباطی به تاریخ بی خردی شیعیان ندارد. او از آن تاریخ خرد غربی است و از همینرو، سکپی خرد غربی در قرون وسطی، به نام او ضرب خورده است و در مسیر خرد غربی، نقشی به غایت مهم ایفا میکند. خرد غربی، از عصر یونان باستان تا به امروز، از یک پیوستگی برخوردار است. یونان باستان، قرون وسطی، رنسانس، تجدد و عصر پست مدرن، مراحل تکامل و پیوسته‌ای از خرد غربی است و بزرگانی مانند ابن رشد، ابن سینا بدین تاریخ تعلق دارند.

دیسکورس فقه، به مثابه پُر زورترین دیسکورس در جهان شیعی، مجالی به ظهور و رشد دیسکورس فلسفه و عقل یونانی نداد. دیسکورس فقه، مسئولیت اصلی این بی خردی را بر عهده دارد و مهمترین نقش را در تاریخ بی خردی شیعیان ایفا میکند. این بدان معنا نیست که درون علم فقه، عقل و خرد جایگاهی ندارد. بلکه بلعکس. عقل به مثابه ابزاری در تقویت این علم همواره به دیسکورس خردستیزانه فقه کمک کرده است. عقل فقهی، در خدمت تربیت جامعه و مردمانی مقلد بوده است. فقه شیعی به مثابه دیسکورس (نه به مثابه علم) مقلد پرور و خردستیز بوده و حیرت انگیز آنکه یک دانش عقلی (یعنی اصول فقه) در خدمت این دیسکورس عقل ستیز قرار گرفته است.

۲ این سخنان بدان معنا نیست که این دستاوردهای عقل یونانی هیچ ایرادی ندارند و بهترین صورت ممکن هستند. بلکه سخن درباره سلطه و احاطه همین شکل و سبک زندگی در سرتاسر گیتی است و هیچکس نمیتواند خود را از آن بینباز بداند.

۳ که البته در شیعه بودن او نیز تردیدهای جدی است. به هرحال این ادعایی است که شیعیان دارند.



اشتغال داشته و همانگونه که در مواجهه با متکلمین گفته آمد، روایات بسیاری در رد و انکار استدلال عقلی در روایات و احادیث بیان گردیده است. پس کبرای این قیاس اساساً نمیتواند درست باشد و عملاً آنچه را که فقیهان شیعی مستقلات عقلی مینامند چیزی جز تأییدات عقلی نیست. یعنی آنچه را که بطور پیشینی در شرع (از رهگذر سنت و اجماع) مشخص گردیده، در ساحت عقل برایش یک تأیید فراهم میکنند.

پرسش اساسی این است که آیا فقیهان شیعی میتوانند بین یک روایت و حکم عقلی که در تقابل هم هستند، جانب عقل را اختیار کنند؟ پاسخ منفی است. این سخن که عقل و شرع را یکی میدانند، یک ادعا و ترفندی است تا عقل را مقام استقلال و خودبنیادیش خارج سازند.

زیست عملی شیعیان، بر اساس روایات و احادیث بنا شده و عقل و عقلی مشربان همواره مورد نفرت و تکفیر جامعه شیعی بوده‌اند. از همینرو عقل و عقلانیت در جامعه شیعی لزوماً شادی تولید نمیکند و بلکه بیشتر محتمل است که تولید نفرت کند. یا حداقل در مرحله ای از حیات عقل، باید چشم به راه نفرت بود. افلاطون هم در تمثیل غار، اشاراتی به این نفرت دارد. فردی که از غار (جهالت) رسته و به جهان حقیقت پیوسته، هنگامی که به درون غار باز میگردد و گزارشی از جهان حقیقت میدهد، با واکنش منفی غارنشینان مواجه میشود. واکنشی که توأم با نفرت است. تاریخ عقل هم حکایت از همین نفرت پراکنی او دارد. عقل در نفی وضع موجود، بیش از آنکه قوه عاقله عامه مردم را تحریک کند، «عواطف» و احساسات ایشان را آزار میدهد. حالا منافع ارباب قدرت را هم به این موضوع بیفزایید، نتیجه طبیعی آن، نفرت عامه مردم و ارباب قدرت از عقل خواهد بود.

این حرف به این معنا نیست که لزوماً اهل فلسفه و عقلی مشربان همیشه حق میگویند. نه. شاید عقلی مشربان ناحق باشند و اهل نقل درست بگویند. ولی مساله این است که تشخیص این حق و ناحق باید با «گفتن» و «نوشتن» و گفتگو معلوم شود. نه با متهم کردن کسی به «نفرت پراکنی» و تکفیر او. نتیجه این اتهام از یکسو باب فکر را میندود و از سوی دیگر بهانه خوبی برای اهل قدرت و سیاست است تا اهل فکر را حذف کنند. این وضعیتی است که امروزه در جامعه

به نقل از صفار قمی و شهید ثانی و محمدحسین طباطبائی گفته آمد. زیست جهان شیعی اساساً به عقل و استدلال عقلی روی خوش نشان نمیدهد و عقلی مشربان در میان توده مردم شیعی، جایگاهی ندارند. و این در حالیکه اهل نقل و اخبار و احادیث همواره نزد شیعیان مورد احترام و اکرام بودند.

شیعیان در فقدان دیسکورس فلسفی بالیدند و در این فقدان، اهل وعظ و خطابه و حدیث روز به روز فربه‌تر شدند. این فربه شدن وعظ و خطابه و حدیث، نیز استعداد خاصی درون دیسکورس فقه داشت. فقه‌های شیعی برغم آنکه عقل را از منابع فقه^۴ خود نام میبرند، اما در مقام صدور حکم و فتوا عملاً واقعی بدان نمینهند. عقل دینی (به معنای پایبندی به دستورات خدا و رسول و امام) هم حتی در فقه شیعی چندان اهمیتی ندارد و اجماع فقیهان بیش از سایر منابع، مورد اعتماد و استناد فقیهان شیعی بوده است. بحث از مستقلات عقلی نزد فقه‌های شیعی بحثی عقیم است و عملاً منتج به هیچ نتیجه عملی و عینی نمیشود.

مستقلات عقلی در فقه شیعی عبارت است از یک سلسله احکام عقلی که عقل به تنهایی و بدون کمک شرع آنها را درک می‌کند. برای رسیدن به حکم شرعی، یک قیاس و استدلال منطقی به شکل زیر تشکیل میدهند:

الف) حکمی که عقل به طور مستقل آن را درک می‌کند «صغری» قرار می‌گیرد؛ برای مثال، «قبح کذب» حکمی است که عقل مستقلاً آن را درک می‌کند؛

ب) کبرای قیاس چنین می‌شود: «هر چه عقل به طور مستقل درک می‌کند، شرع نیز به آن حکم می‌کند»؛

ج) نتیجه قیاس این می‌شود که: کذب در نزد شرع نیز قبیح و حرام است.

و معتقدند از آن جا که صغرای قیاس و کبرای آن از احکام عقل می‌باشد، پس این حکم از مستقلات عقلی است! اما چنین نیست و عملاً چنین حکمی از مستقلات عقلی نمیباشد، چراکه کبرای قیاس اساساً واقعیت عینی ندارد و اینطور نیست که هر چه عقل به طور مستقل درک می‌کند، شرع نیز به آن حکم می‌کند. چراکه اولاً، در بسیاری از مواضع حکم عقل با حکم شرع یکی نبوده و در مقابل و تضاد یکدیگر بوده‌اند، و ثانیاً، شرع همواره به تحقیر و رد عقل

در سایه این دیسکورس مقلدپرور و خردستیز، فلسفه نتوانست آن رسالت تاریخی خود را که حفظ و گسترش پیوستگی عقل جمعی است، به انجام رساند و همواره، در تاریخ بی‌خردی شیعیان، فلسفه به مثابه زنگ تفریحی در حاشیه این تاریخ حضور داشته است. حتی علم «کلام» که به هر حال یک تلاش عقلانی برای اثبات و دفاع از گزاره‌های دینی است، از جانب فقیهان شیعی همواره تحقیر و تهدید شده است.

در کتب روایی شیعه، روایات و اقوال بسیاری از حضرات معصومین مبنی بر مذمت علم کلام وجود دارد، چرا متکلمین شیعه از ائمه اطهار پیروی نمی‌کنند؟! و چرا در مسائل الهیات از علوم کلامی مایه می‌گذارند؟! شیخ صدوق با اسنادی صحیح در «کتاب التوحید» روایت میکند: «محمّد بن ابی عمیر گوید: محضر سرورم امام کاظم شرفیاب شدم و به آن حضرت عرض کردم: «ای فرزند رسول الله! توحید را به من تعلیم فرما!» فرمود: «ای ابو احمد! در مورد توحید از حدود آنچه خداوند در کتاب خود ذکر فرموده مگذر که هلاک می‌شوی»^۴ و یا شهید ثانی در «رسائل» (ج ۲ ص ۷۵۸) ذیل این روایت می‌نویسد: «پس آشکار گشت که حصول ایمان بر یادگیری علم کلام متوقف نیست. بدان همانا علم کلام دانشی اسلامی است که متکلمان جهت شناخت خالق و صفات عالی‌قدرش آن را وضع نموده‌اند، آنان گمان کرده‌اند که راه این دو منحصر در دانش کلام بوده و راه برای رسیدن بدان نزدیک‌ترین راه است، اما در حقیقت این راه، دورترین، سخت‌ترین، ترسناک‌ترین و خطرناک‌ترین راه است»^۵ کسی مانند محمدحسین طباطبائی، (صاحب تفسیر المیزان) حتی مباحث استدلالی قرآن را برای مردم مضر دانسته و معتقد بود که «امکان فهم معانی جسمانی از آیات صفات برای غالب مردم فراهم است، یعنی این قرآن غالب مردم را در توحید گمراه ساخته و سبب ظهور فتنه‌ها و بدعت‌ها می‌گردد»^۶ و یا صفار قمی که از نخستین محدثین شیعی است درباره متکلمین می‌گوید: «ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «اصحاب کلام» یعنی متکلمان» هلاک می‌شوند و صاحبان تسلیم و انقیاد نجات می‌یابند»^۷

گرچه در میان شیعیان، متکلمین بسیاری بودند که بعضاً از فقه‌های بزرگ شیعه نیز محسوب میشوند، اما فضای کلی زیست جهان شیعی همان است که

۴ شیخ صدوق، کتاب التوحید، ج ۱، ص ۷۴.

۵ شهید ثانی، رسائل، ج ۲، ص ۷۵۸.

۶ محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۳، ص ۳۷.

۷ صفار قمی، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۵۲۱.

۸ منابع فقه همان کتاب و سنت و عقل و اجماع است.



و روایت ارائه میشود. فرقی هم نمیکند آن چیز نحوه ورود به کره مریخ باشد یا توالی. از شیر مرغ تا جان آدمیزاد میتوان در میراث حدیثی شیعه چیزی یافت و یا ساخت. این حدیثگرایی چنان فراگیر شده است که در دانشگاهها و مراکز علمی و صنعتی نیز عدهای واعظ و منبری حضور دارند و یا مشغول اخذ مدارک دانشگاهی هستند. انواع و اقسام رشتههای دانشگاهی پیرامون این شیوه زیست شیعی شکل گرفته است.

تعداد زیادی پایان نامه در مقاطع ارشد و دکتری، در رشته های گوناگون وجود دارد که با رویکرد حدیثی و روایی نوشته شده است. از رشته های مهندسی و علوم پایه تا حتی رشته های پزشکی میتوان فارغ التحصیلان و پایان نامههایی دید که با حدیث و روایت مطالبی را سرهم کردهاند و خود گمان میکنند با این شیوه تولید علم میکنند غافل از آنکه بحران سواد و دانش، چنان در دانشگاهها و مراکز علمی موج میزند که عملاً اهل علم و دانش دیگر هیچ رغبتی برای حضور در دانشگاهها ندارند و یا به مهاجرت تن دادهاند و یا به خانه نشینی کشیده شدهاند.

حجم مباحث، کتابها، مقالات و نوشته هایی که در جمهوری اسلامی ایران درباره موضوعات دینی، اعتقادی و مذهبی منتشر میشود، حیرت انگیز است. هم از جهت کمی، و هم از حیث کیفی، میزان این آثار و مباحث و گفتگوها، برابری میکند با همه تاریخ اسلام. از حوزه های علمیه گرفته تا مراکز علمی و پژوهشی رسمی، و کرسی های آزاد اندیشی و میزگردهایی که در صدا و سیما یا رسانه های مختلف برگزار میشود و حتی دانشگاهها، قابل قیاس با هیچ قوم و فرهنگ دیگری باشد. حجم این مباحث آنقدر زیاد است که بعضاً در یک موضوع بسیار جزئی، (مانند طهارت) دایرةالمعارف چندین جلدی به رشته تحریر می آید. یا درباره فرزند به دنیا نیامده یکی از امامان^۴، که در شکم مادر از دنیا رفته، کتابی هزار صفحهای نوشته و هزاران مقاله درباره اش منتشر میشود.

عقل و عقلانیتی که در این آثار و نوشته ها بکار رفته، دقیقاً ایستادن در همان زمین و زمینه جهالت و صغارت تاریخی است.

من سالها درباره این پدیده شگرف تأمل میکردم و حیرت زده از آن، دنبال تک گزاره ای بودم تا بتواند آنرا قابل فهم و تبیین نماید، تا اینکه به جمله ای از «نوام چامسکی» برخوردم که همه چیز را خیلی روشن و شفاف توضیح میداد: «هوشمندانه ترین راه برای منفعلانه و مطیعانه نگه داشتن مردم این است که حیطه عقاید قابل پذیرش مردم را سرسختانه محدود نگه داشت ولی اجازه داد که به صورت عمیق در آن حیطه بحث و تبادل اندیشه داشته باشند».

ادمی را به مجسمه ای بی روح بدل میسازد. این بی روح یا بی حس شدن، دلالت به وضعیتی دارد که فرد، بدلیل کشف علل طبیعی، و روابط علی پدیدارها، دیگر دستخوش هیجانات و احساسات تقدیرگرایانه نمیشود. بواقع، آنچه در یک انسان عقلی مشرب رخ میدهد، نه از بین رفتن احساسات و عواطف، بل فهمی دقیق از خود و گذشته و آینده خود است. غلبه بر احساسات ناشی از تقدیرگرایی، باعث میشود، احساسات و عواطف، بطور آگاهانه و کاملاً کنترل شده ظهور و بروز بیابند. چراکه در بین سه ساحت وجودی انسان (غریزه، حس، عقل) تنها ساحتی که میتواند بر همه اقلیم وجود آدمی دسترسی داشته باشد، عقل است. از همینرو، وقتی یک انسان عاقل، عاشق میشود، از یکسو شاهد عشقی بسیار عمیق و اصیل خواهیم بود، از دیگر سو، چنین انسانی مهارتهای لازم برای حفظ و مراقبت از شعله برافروخته عشق را داراست.

حالگرایی: همانطور که در پیشگفتار کتاب حاضر نیز گفته آمد، شیعیان به جای «مقام» (که تفکر نیز یکی از مقامات است) به حال اصالت بخشیدهاند و دستگاه عریض و طویلی برای تولید حال ساختهاند. انواع و اقسام دعا و زیارت و حرم و بقعه و مناسک، در خدمت تولید حال است. اهل حال بودن یک فضیلت شمرده میشود. البته مراد از حال، صرفاً حال معنوی و مذهبی است و اتفاقاً با حال خوش و شادی معمول انسانها بسیار مخالفند و آنها را لهو و لعب میدانند. این دستگاه حال ساز، یکی از اصلیتترین موانع رشد عقلانیت نزد شیعیان است. هزینه و سرمایههای هنگفتی برای تولید این احوال میشود. از برگزاری مراسمات و مناسک مختلف تا ساخت و سازهایی که برای اماکن مذهبی خود انجام میدهند و هنگامیکه با این انتقاد مواجه میشوند که چرا به جای صرف اینهمه پول و سرمایه برای ساختن یک حرم و زیارتگاه، به داد فقرا و مستمندان نمیرسید، هیچ پاسخ معقولی ندارند. حرم امامان شیعه (کربلا و نجف و مشهد) از مهمترین مراکز درآمدزایی و تولید ثروت است، اما کماکان در همان شهرها انبوهی فقیر و نیازمند میتوان دید که به حداقل معیشت خود محتاج اند. این حجم از رفتار غیرعقلانی نزد شیعیان حیرت انگیز است، چراکه در ازای این زیست غیرعقلانی، واجد «حال» میشوند.

حدیثگرایی: شیعیان خود را امروزه غیر از اخباریون میدانند و بر این باورند که عاقلترین مسلمانان خودشان هستند، اما درواقع چنین نیست و در مقام عمل، حدیثگرایی افراطی دارند. در همه منابر و مجالس شیعی، واعظان بطور مستمر مشغول خواندن حدیث و روایت هستند. برای هر چیزی در زندگی، یک حدیث

شیعی ایران به وفور دیده میشود. بسیاری از توده مردم با زندان و اعدام منتقدین و نویسندگان همدل هستند، چراکه این نویسندگان و منتقدین را مضر و مخل جامعه شیعی میدانند و بر این باورند که اینها در کار تولید نفرت هستند. شوپنهاور راست میگفت که: «چه کم تجربه است آن کس که گمان میکند نشان دادن عقل و هوش موجب محبوبیت در جامعه می شود! برعکس، این دو خصوصیت نزد اکثریت غالب مردم خشم و نفرت ایجاد می کند. هر اندازه که نتوانند این خشم و نفرت را ابراز کنند و حتی آن را از خود هم پنهان کنند، این احساس شدیدتر است. آن چه در واقع می گذرد این است: وقتی کسی برتری فکری مخاطب خود را درک و احساس می کند، در نهان و بی آن که خود بداند، نتیجه می گیرد که مخاطب نیز به همان اندازه، حقارت و محدود بودن او را درک و احساس می کند. این قیاس ضمیر (قیاسی که مقدمه یا نتیجه آن مستور باشد) تلخ ترین نوع نفرت و خشم و کینه را در او تحریک می کند.»

موانع عقلگرایی در شیعه

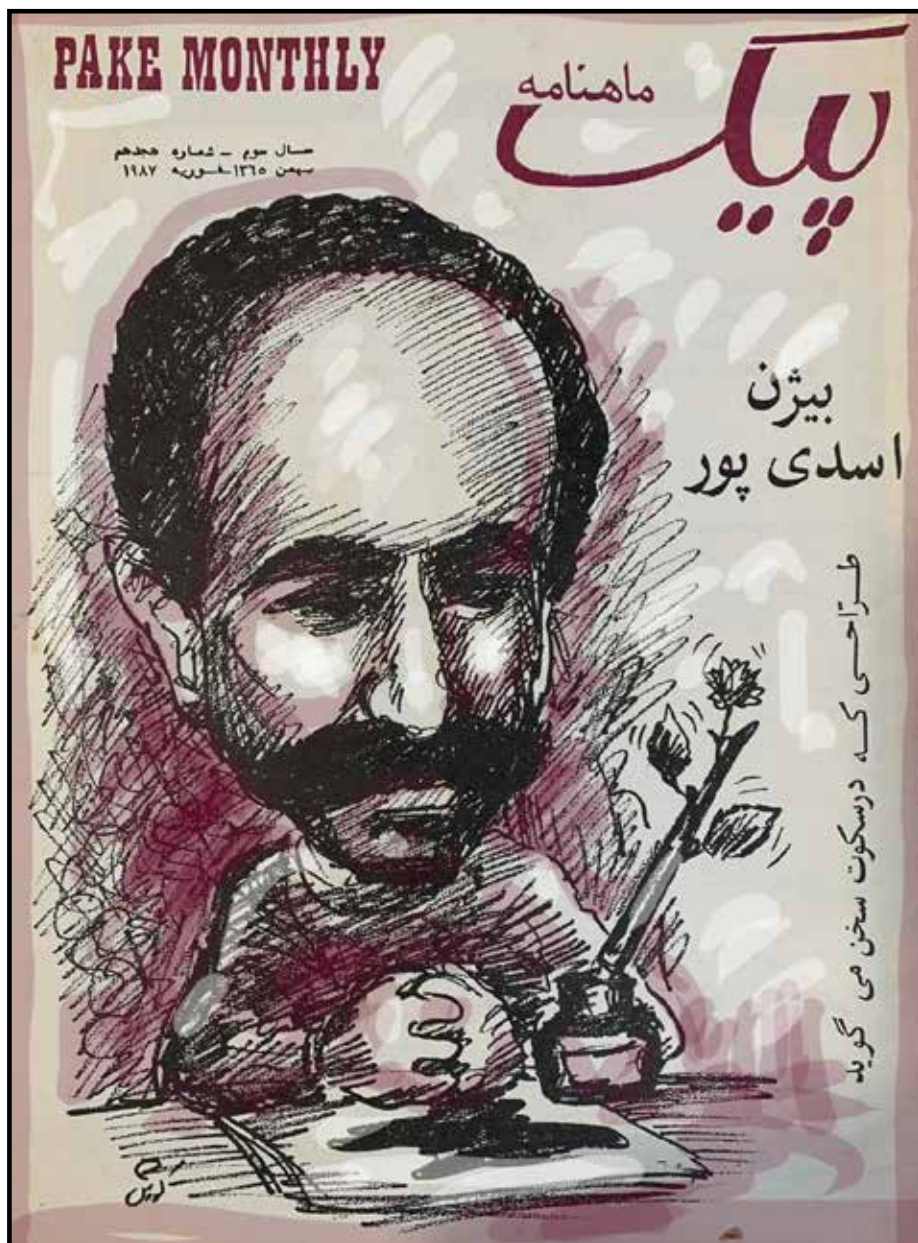
تقدیرگرایی: اغلب شیعیان، فراموشی یا جهلشان نسبت به «تصمیمات» دیروز که خود یا دیگران (حاکمان) برایشان گرفته اند و منجر به وقایع امروز شده را «تقدیر» می نامند. یعنی وقتی بر اساس تصمیمات غلط و نابخردانه، مسبب وقوع یک اتفاق یا حادثه میشویم، باید شجاعت اینرا داشته باشند و بتوانند علل طبیعی این رخداد را کشف کنند. انداختن هر رخداد تحلیل نشده، به مفاک تقدیر، کار آسانی است و برای همین هم اغلب شیعیان بدین معنا، تقدیرگرا هستند، چون نه شجاعت کافی دارند و نه دانش و حافظه لازم برای تحلیل روابط علی پدیدهها، چراکه ممکن است در پایان تحلیل، نقش خود و تصمیمات خود و باورهای مذهبی خود در وقوع آن اتفاق، آشکار شود، در حالیکه شیعیان دوست دارند از خود رفع مسئولیت کنند و چیزی یا کسی دیگر را مقصر بدانند. چیزی یا کسی که ترجیحاً نیرویی فراتر از طبیعت داشته باشد. این نیز یک نوع مکانیزم دفاعی در برابر اتفاقات نامطلوب است. فرافکنی حوادث به نیرویی فراتر از نیروهای طبیعی و انسانی.

یکی از مهمترین روشهای سلامت جان و روح ادمی، همین فاصله گرفتن از این نوع از تقدیرگرایی است. رفتن به سراغ سلسله علل و کشف روابط علی بین پدیده ها، گرچه کاریست دشوار، اما این دشواری سلامتی جان را برای انسان به ارمغان می آورد. این فرایند بطور اصیل، همان فرایندی است که میتوان آنرا عقلانیت نیز نامید و از همینروست که سلوک عقلانی، از نگاه عامه مردم،



حرف های محرمانه ای درباره بیژن اسدی پور (بخش دوم)

نویسنده : کورش سلیمانی (زم) kouroshsolaimani@gmail.com



کتاب «نشریات فکاهی ایران» بعد از شش سال خون دل خوردن و رنج و محنت و عرق جبین، به همت طنزنویس و طراح بی سابقه ای بنام «بیژن اسدی پور» انتشار یافته و برخلاف انتظار خود نویسنده مورد استقبال هم میهنان قرار گرفته و از طرفی گنجینه ای است که به عنوان تاریخ نشریات فکاهی ایران ثبت خواهد شد.

صفحه آرایی و حروفچینی این کتاب که دست پخت خود بیژن است و بد نیست بدانید که بخاطر همین هنر خود جایزه هایی را هم دریافت کرده است.

اگر شما با «دفتر هنر» که هر شش ماه به همت همین عالیجناب (یعنی بیژن اسدی پور) حدود سی سال منتشر شده است، آشنایی ندارید و دچار ناراحتی وجدان شده اید نگران نباشید، بنده شرح آن را نکته به نکته، مو به مو برای شما خواهم نوشت.

بله در باب معرفی و قدردانی از اهل هنر و ادب «دفتر هنر» در ماهنامه «عاشقانه» چاپ تگزاس منتشر شد و بعد بطور مستقل ادامه پیدا کرد و از نام آورانی مانند احمد شاملو، سیمین بهبهانی، بهروز وثوقی، سیاوش شجریان، محمود دولت آبادی و .. و همچنین نشریه فکاهی «توفیق» منتشر کرده است و هنوز هم با پشتکار و سماجت و یکدندگی بی نظیر به کار خود ادامه می دهد.

و اما در میان طنزپردازان ایران جای هادی خرسندی خالی به نظر می رسد.

البته می دانستم که رابطه بیژن اسدی پور و هادی خرسندی از دیرنگام شکرآب بوده است ولی فکر کردم که حبّ و بغض دیرینه عامل حذف «اصغراقا» در مجموعه نشریات فکاهی بوده است که جای تعجب و گله بسیاری داشت و نزدیک بود در این مورد مطلبی بنویسم و به خاطر پیشداوری آبروی خودم را بکلی ببرم که ناگهان تصمیم گرفتم موضوع را با خود بیژن در میان بگذارم و نامبرده (یعنی بیژن) توضیح داد که با هادی خرسندی تماس گرفته و ایشان به این کار تمایلی نشان نداده است.

ای هم برای این شاعر بلندآوازه منتشر شود که فرصتی پیش نیامد.

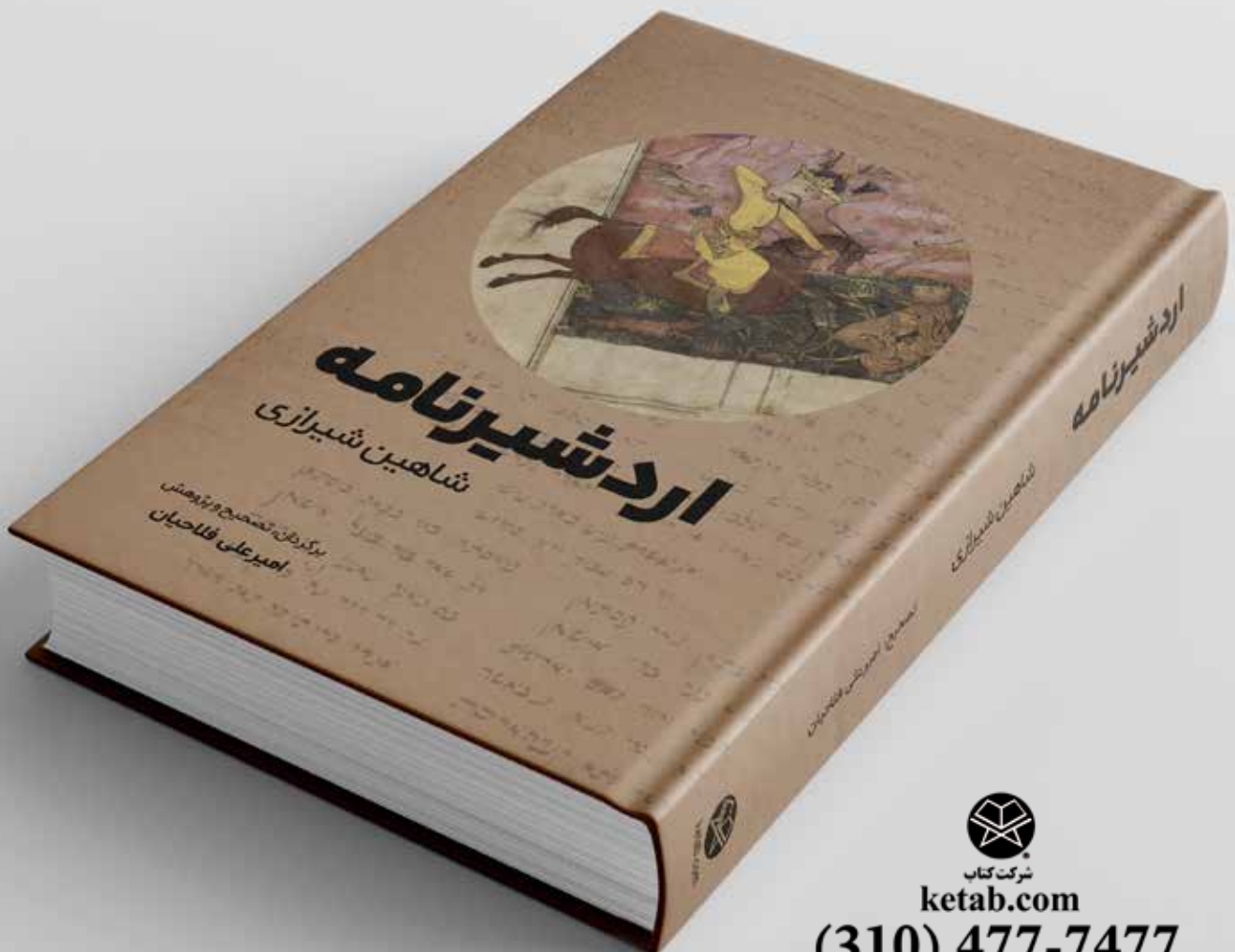
خدمت شما در کمال ادب بنویسم که دفتر هنر سالی دوبار منتشر شده است، تلاشی است برای معرفی و گرامیداشت اهل هنر و ادب و به عنوان یک شرح حال کامل یا با به بیان دیگر «بیوگرافی» نمی تواند به حساب بیاید. ...

(ادامه دارد)

دیگر اینکه نادر نادرپور، شاعر بلند آوازه ای که جایش در میان شاعرانی که مورد توجه بیژن قرار گرفته بودند، خالی است و من این کار را به حساب دوستی عمیق بین احمد شاملو و بیژن گذاشتم و از آنجا که احمد شاملو و نادر نادرپور مهرشان به دل یکدیگر ننشسته بود فرض را بر آن گذاشتم که به این خاطر نادرپور مورد بی مهری ناشر «دفتر هنر» قرار گرفته و به فراموشی سپرده شده است ولی فرض من اشتباه بود چون که قرار بود شماره

کتاب اردشیرنامه اثر مولانا شاهین شیرازی

کتاب اردشیرنامه اثر مولانا شاهین شیرازی آماده انتشار استشرکت کتاب به تازگی، اردشیرنامه، یکی از مهمترین آثار ادبی ادبیات فارسیهود را منتشر و روانه بازار نشر می کند. اردشیرنامه را شاهین شیرازی، برجسته ترین شاعر یهودی ایرانی در ۷۳۳ هجری (۱۳۳۲-۱۳۳۳ میلادی) به زبان فارسی و خط عبری به نظم درآورده و امیر علی فلاحیان، پژوهشگر تاریخ ادیان آن را با بررسی ده نسخه، تصحیح کرده و به خط فارسی برگردانده است. مولانا شاهین در این کتاب زندگی ا (بهمن پسر اسفندیار) را در چند پرده و در قالب داستانی به شعر بیان می کند: از نشستن او بر تخت پادشاهی ایران به جای گشتاسب، نبردش با زال و خاندان رستم، ازدواجش با وشتی، دختر شاه بابل و سپس استر، یک دختر یهودی از نسل تبعیدی های بابلی ساکن شوش، ماجرای هامان و مردخای یهودی، داستان عاشقانه شیرو، پسر اردشیر و مهزاد، شاهدخت چینی تا مرگ اردشیر در جنگ با اژدها. اردشیرنامه تاکنون نخستین متن در ادبیات کلاسیک منظوم فارسی است که به کورش بزرگ پرداخته و زندگی و پادشاهی او را بنا بر گزارش های کتاب مقدس و روایت های شفاهی محفوظ در جامعه یهود ایران به نظم درآورده است. این همچنین نخستین منبع فارسی است که پس از به نظم درآوردن رساله استر بر اساس کتاب مقدس به سرنوشت استر و مردخای و داستان درگذشت این دو در کنیسه ای در شهر همدان اشاره می کند. روایت های اردشیرنامه ریشه هایی از اسطوره، حماسه و تاریخ ایرانی در خود دارد و با زبانی ساده و روان و در قالب داستان هایی جذاب بیان می شود. در این کتاب مینیاتورهای یکی از نسخه های دوران صفوی که برای اردشیرنامه و مرتبط با ۲۴ فصل از کتاب نقاشی کرده اند نیز منتشر شده است.



شرکت کتاب

ketab.com

(310) 477-7477

SUSPENDED DRIVERS LICENSE?



WE CAN HELP!



- ★ Suspended Driver License
- ★ Excessive Points & Tickets
- ★ Misdemeanor Tickets
- ★ Overweight Tickets
- ★ DMV & License Problems
- ★ Tickets

Call Us Toll Free

888-244-4447

We Offer Services Throughout The Country

Our network of attorneys
can help you with tickets
in the United States of
American Canada



The Law Offices Allen Farshi

با بیش از ۲۰ سال سابقه وکالت

**هدف همیشگی
شرکت‌های بیمه:**

- حتی‌الامکان تاخیر در پرداخت خسارت
- انکار خسارت
- عدم پرداخت خسارت

هدف وکیل:

خنثی کردن استراتژی شرکت‌های بیمه و دریافت
حقوق قانونی شما

دکتر آلن فرشی

- دعاوی بیمه
- صدمات شدید بدنی ناشی از تصادفات
- دعاوی انجمن‌های صاحب‌خانه
- امور جنایی
- Insurance claim
- Severe physical accidents
- Home owners Association (HOA)
- Criminal Law

دفاتر در ۲ منطقه

Brentwood Los Angeles

12121 Wilshire Blvd. STE 810, Los Angeles CA 90025

(310) 882-6500

Sherman Oaks

15303 Ventura Blvd., Suite 900, Sherman Oaks, CA 91403

(818) 666-3183



خوانندگان گرامی ایران‌شهر

« شیر و عسل » که نویسنده آن آقای رضا حیدری هستند و این پاورقی را برای ما فرستاده اند در ایران زندگی می کنند و مانند بسیاری از کتابها و نوشته های دیگر که در داخل ایران به محاق تعطیل و سانسور برمی خورند، نتوانسته در ایران چاپ شود و این وظیفه به شرکت کتاب محول شده است. عنوان کتاب « جمهوری شیر و عسل » است و هم چنان که می دانیم، تورات سرزمین یهود را سرزمین « شیر و عسل » می نامد و زمانی که این را به آقای حیدری نوشتم او تعیین این عنوان را کاملاً اتفاقی نامید و بسیار جالب است که این پاورقی بلافاصله پس از پاورقی غزلیات شمس تبریزی با نویسندگی آقای داریوش فاخری از ایران‌شهر شماره ۴۵۸ آغاز شده است. آقای رضا حیدری در پیشگفتار این کتاب نوشته اند که این کتاب می تواند جلد دوم کتاب « مزرعه حیوانات » تلقی شود. نخست یادآوری کنیم که کتاب مزرعه حیوانات جورج اورول با عنوان قلعه حیوانات نیز در ایران چاپ شده است و برای این که خوانندگان عزیز اگر با آن آشنایی نداشته اند این جا خلاصه ای را در مورد آن می گذاریم. مزرعه حیوانات و جمهوری شیر و عسل می تواند آینه تمام نمای جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی باشد که بیش از ۴۷ سال است که بر ایران ما حکومت می کند.

این شما و این هم **جمهوری شیر و عسل**

کتاب **مزرعه حیوانات (Animal Farm)** اثر **جورج اورول**، یک رمان تمثیلی و سیاسی است که در سال ۱۹۴۵ منتشر شد. این کتاب داستان گروهی از حیوانات در مزرعه‌ای را روایت می‌کند که علیه صاحب خود شورش کرده و مزرعه را تصرف می‌کنند تا جامعه‌ای برابر و آزاد ایجاد کنند. اما با گذشت زمان، برخی از حیوانات به قدرت می‌رسند و همان ظلم و استبدادی را که علیه آن قیام کرده بودند، تکرار می‌کنند. مزرعه حیوانات نقدی بر دیکتاتوری و فساد در نظام‌های سیاسی است و به‌طور خاص به انقلاب روسیه و حکومت شوروی اشاره دارد. این کتاب با زبانی ساده و روان، اما عمیق و چندلایه، مفاهیمی همچون قدرت، فساد و خیانت به آرمان‌ها را بررسی می‌کند.

جمهوری شیر و عسل (فصل دهم)

هدف بهره کشیدن از حیوانات را دارند اما هر چه که بود، سرزمین شیر و عسل، آنگونه که گادگوست می‌اندیشید، باید چیزی شبیه مزارع دوردست باشد.

چرچیل در نظر داشت که امکان پیشرفت مزرعه را فراهم کند. او می‌خواست دوباره برق را به لانه‌ها و آخورها بیاورد، ماشین‌ها و تجهیزات کشاورزی را فعال کند، دامپزشک‌های ماهر را برای درمان حیوانات بیمار دعوت کند و از همه مهتر خرابی‌های حاصل از نبرد را زودتر بازسازی کند.

او عجله زیادی برای این کار داشت و مطمئن بود که می‌تواند سرعت بر همه مشکلات فائق آید. پس کارهای خود را بلافاصله آغاز کرد. او به چند کلاغ جوانتر مامویت داد که به مزارع اطراف بروند و پس از بررسی و ارزیابی مزارع موفق، با صاحبان آن‌ها برای مشارکت وارد گفتگو شوند. این کار در همان دو هفته اول نتیجه داد و اولین انسان دوپا پس از مدت‌ها به مزرعه آمد. چرچیل برای ورود او تدارکات ویژه‌ای ترتیب داد. حیوانات در دو ردیف منظم، از ورودی مزرعه تا نزدیکی خانه سابق آقای پ صف کشیدند و به دوپا خوشامد گفتند. در نزدیکی خانه چرچیل دستور داد که میز بزرگی را قرار دهند و حتی یک صندلی از اموال سابق آقای پ را که کمی هم کهنه شده بود. برای او بگذارند. بر روی میز ظرف شیر داغ و غذایی از دانه‌های خوراکی و میوه‌های فصل قرار داده شد. دوپا بر روی صندلی نشست و چرچیل بر روی میز.

تفاهم در ابتدا آسان به نظر می‌رسید. خواسته کلاغ‌ها آن بود که دوپا محصولات تولیدی مزرعه را بخرد و در ازای آن نیازهای حیوانات را برطرف کند. دوپا کاملاً برای این کار آمادگی داشت. او حتی حاضر بود که قیمت بیشتری هم بپردازد تا کلاغ‌ها به سراغ دیگران نروند. در ازای

این داستان ادامه رمان مزرعه حیوانات جرج اورول نیست. اگرچه از برخی ایده‌های آن الهام گرفته و در جاهایی نیز به موضوعات آن کتاب ارجاع داده است، اما به هیچ وجه ادامه آن نیست. بگذارید بگویم که اصلاً یک داستان هم نیست. بیشتر شکلی از تاریخ‌نگاری اتفاقات است. برای همین به شخصیت‌ها کمتر پرداخته شده و تلاش شده تا بیشتر سیر وقایع و رخدادها آنگونه که نویسنده خود دیده است، بازگو شود.

فصل دهم

چرچیل

حتی کلاغ باهوشی مثل چرچیل هم نمی‌توانست پیش‌بینی کند که چه مواعی ممکن است بر سر راه ایده‌های او قرار داشته باشد. چرچیل کلاغ عملگرایی بود که می‌خواست با انسان‌ها ارتباط داشته باشد. او که در طول زندگی خود بسیاری از مزارع دور و نزدیک را دیده بود، در صدد بود که با وارد کردن پای انسان‌ها به مزرعه، آنجا را به سرزمین واقعی شیر و عسل تبدیل کند. تصویر او از چنین سرزمینی با آنچه دیگر کلاغ‌ها در ذهن داشتند بسیار متفاوت بود.

سرزمین شیر و عسل در ذهن چرچیل همانند مزارع بزرگی بود که او بارها آن‌ها را با چشم خود دیده بود؛ مزارعی نه در آنسوی ابرها، بلکه بر روی زمین، در فاصله دور و یا نزدیک؛ و با مالکیت انسان‌ها. البته او بدیهی می‌دانست که رسیدن به چنین رویایی تنها در سایه حاکمیت حیوانات و رهبری کلاغ‌ها ممکن است. او می‌دانست که انسان‌ها اصولاً



گالیلئو برخلاف چرچیل معتقد بود که برای رسیدن به سرزمین شیر و عسل لزومی نیست که از انسان‌ها کمک خواست. او معتقد بود که ادامه مسیر با درایت کلاغ‌ها و همت سایر حیوانات، حیواناتی که در روزگار انقلاب و نبردمقاومت کرده بودند، میسر است. گالیلئو باور داشت که اگر خود حیوانات اراده کنند، دشوار، اما قادر خواهند بود که بر همه مشکلات فائق شوند و آن‌ها را از سر راه بردارند. قادر خواهند بود که با استفاده از آسیاب بادی داخل مزرعه برق تولید کنند، با استفاده از قطعات رها شده در انبار، ماشین‌ها را به راه بیندازند و هر اقدامی که اراده کنند را انجام دهند.

چرچیل این نظر را قبول نداشت ولی ترجیح می‌داد که بجای مخالفت با گالیلئو یا سایر کلاغ‌ها کار خود را انجام دهد و با انسان‌ها کنار بیاید. با اینحال او نمی‌دانست که گالیلئو در خفا اقدامات دیگری هم انجام می‌دهد. گالیلئو تلاش داشت تا به نیروهای انقلابی‌ها نزدیکتر شود و از آن‌ها به نفع موقعیت خود استفاده کند.

جلسات مخفیانه برگزار می‌شد و نیروهای انقلابی‌ها برای اقداماتی که باید انجام می‌دادند، توجیه می‌شدند. اقدامات باید بگونه‌ای پیش می‌رفت که هیچکس به رابطه گالیلئو و سگ‌ها شک نکند و اینگونه تصور شود که سگ‌ها خود بخاطر دغدغه‌ای که نسبت به حفظ آرمان‌های گادگوست دارند، این اقدامات را ترتیب داده‌اند. سگ‌ها باید بجای مخالفت مستقیم با برنامه‌های چرچیل، کارهایی می‌کردند که حیوانات را ناراضی کند و آن‌ها احساس کنند که انتخاب مسیر چرچیل، انتخاب اشتباهی است.

اولین اقدام سگ‌ها مخالفت با رنگی شدن جامعه بود. با آمدن انسان‌ها به مزرعه و دیدن لباس‌های رنگارنگ آن‌ها، بسیاری از حیوانات دیگر چندان توجهی به قوانین سفت و سخت رنگی نداشتند. مرغ‌ها و خروس‌ها با بال‌های طلایی خود قدم می‌زدند و مادیان‌ها با تکان دادن دم‌های خود، جنس مخالف را به سمت خود جذب می‌کردند. آمدن انسان‌ها تنها مشکل موجود نبود. چرچیل حتی از حیواناتی که از مزرعه گریخته بودند هم دعوت کرده بود که مجدد به مزرعه بازگردند. این نگرانی وجود داشت که حتی حیواناتی ترسیده همانند ماهی‌ها هم به برکه بازگردند. علاوه بر این‌ها رفت و آمد پرندگان مهاجر هم بیشتر شده بود و به کرات این پرندگان دیده می‌شدند که از آسمان مزرعه عبور می‌کردند و حتی گاه در مزرعه هم فرود می‌آمدند.

نیروهای انقلابی‌ها به شدت شروع به مقابله با این اتفاقات کردند. آن‌ها دسته‌جمعی در مزرعه به راه افتادند و با پارس کردن‌های وحشیانه و پرسدای خود موجب ایجاد ترس شدند. چندی‌تایی در پی مرغ‌ها دویدند و به طرز وحشتناکی آن‌ها را گاز گرفتند. یکی از مرغ‌ها از شدت جراحت درگذشت. به سرعت آرامش به مزرعه بازگشت و حیوانات دوباره از فساد رنگی و غیررنگی دست کشیدند. سگ‌ها پیروزمندانه در مزرعه گشت زدند. بیشتر کلاغ‌ها از این اقدام نیروهای انقلابی‌ها خشنود بودند. آن‌ها این اقدامات را بازگشت به مسیر سرزمین شیر و عسل می‌دانستند. «سیاهی بر همه رنگ‌ها پیروز است»

چرچیل که این اقدامات را بیهوده ارزیابی می‌کرد، ترجیح داد که سکوت کند و وقت خود را صرف پرداختن به این امور نکند. او تصمیم گرفت که صرفاً به ارتباط با انسان‌ها و مالکان دیگر مزارع بپردازد و نیروهای انقلابی‌ها را به حال خود رها کند. سگ‌ها اگرچه در بازگرداندن رنگ سیاه به مزرعه موفق بودند، اما به هدف اصلیشان که شکست برنامه‌های

پول او باید به مزرعه برق می‌داد، گاهگاهی دامپزشک به مزرعه و گاهی هم تعمیرکار برای تعمیر ماشین‌آلات می‌فرستاد و البته در این قسمت معامله هم او می‌توانست سودی برای خود در نظر بگیرد.

با اینحال چرچیل در طول مذاکره شرایط خود را عوض کرد. او گفت که دوپا به جای فروش برق، باید یک موتور تولید برق را به مزرعه بدهد و ماشین‌آلات قدیمی را خارج و ماشین‌آلات جدیدی را به مزرعه بیاورد. دوپا که انتظار نداشت با این شرایط روبرو شود، مذاکره را ترک کرد ولی خیلی زود فهمید که نباید از این فرصت بسادگی بگذرد؛ چرا که بلافاصله پس از رفتن او، مالکان دیگری برای گفتگو به مزرعه آمدند.

دیگر تقریباً روزی نبود که سر و کله یک انسان در مزرعه پیدا نشود. مذاکرات کند ولی مثبت بود. معامله با چرچیل سخت‌تر از آن بود که انسان‌ها در ابتدا تصور می‌کردند. چرچیل کاملاً می‌دانست که چه می‌خواهد و در عین حال به نیاز انسان‌ها برای معامله با کلاغ‌ها هم آگاه بود. با اینحال آنچه کار را برای چرچیل دشوار می‌کرد، نه زیاده‌خواهی طبیعی انسان‌ها بلکه اعتراضاتی بود که از داخل مزرعه و بخصوص از میان کلاغ‌ها به گوش می‌رسید.

کلاغ‌ها و بخصوص آن‌ها که سن و سال بیشتری داشتند، این اقدامات را مطابق با خواسته‌های گادگوست نمی‌دانستند. همین که پای انسان‌ها دوباره به مزرعه باز شده بود، همین که چرچیل می‌خواست ماشین‌های جدید به مزرعه بیاورد و همین که درک او از مزرعه شیر و عسل، درکی شبیه به انسان‌ها بود - نه مزرعه‌ای که واقعا در جوی‌هایش شیر روان باشد و از شاخسار درختانش شهد جاری - همه با گفته‌های گادگوست در تضاد بود.

کلاغ‌ها اما عادت نداشتند این مخالفت‌ها را علنی کنند. هر چه که بود، چرچیل از محبوب‌ترین کلاغ‌ها نزد گادگوست بود و در جمع‌های خصوصی، گادگوست بارها از علاقه‌اش به چرچیل گفته بود. مسئله دیگر حمایت ضمنی دیگر حیوانات از چرچیل بود که پس از مدت‌ها سختی ناشی از نبرد به اقدامات چرچیل چشم امید بسته بودند.

گالیلئو هم که پس از مرگ گادگوست با حمایت‌های چرچیل به رهبری رسیده بود، در این میان نمی‌خواست تا با گرفتن ژست مخالف، چرچیل را برنجانند. او در این مرحله ترجیح می‌داد تا با چرچیل مماشات کند و در عوض بتواند قدرت خود را تثبیت کند. مساله اصلی برای او آن بود که بتواند محبوبیتی در حد گادگوست برای خود دست و پا کند. کاری که به خودی خود دشوار بود.

کلاغ‌های حامی او شروع به ایجاد تصویر جدیدی برای او کردند. کلاغی که از سرزمین شیر و عسل بیش از هر کی خبر دارد. سال‌ها در آنسوی ابرها در این سرزمین زندگی کرده و اکنون آمده تا مسیر گادگوست را با رهبری هوشمندانه خود ادامه دهد. آن‌ها گفتند که رهبری او یک رهبری معمولی نیست. او شایسته‌ترین کلاغ برای این مقام است. دانش او از تمامی کلاغ‌ها بیشتر و در میان همه کلاغ‌ها به شجاعت زبانزد است. بنا شد تا تمام حیوانات در روز معینی صف بکشند تا بتوانند او را از نزدیک ببینند و بوی عطر سرزمین آن سوی ابرها را در کنار او بشنوند. این کمک می‌کرد تا با ایمان بیشتری به تلاش بپردازند. چرچیل با این مساله هیچ مشکلی نداشت و اگرچه در دل خود به آن می‌خندید، اما در ظاهر و در مقابل حیوانات دیگر این مساله را تایید می‌کرد. آن دو بظاهر تصمیم گرفته بودند که با هم کنار بیایند و هر یک کار خود را بکنند.



چرچیل بود، دست نیافتند.

صبح یک روز خبری در مزرعه پیچید. شب قبل تعدادی حیوان وحشی به حیوانات یکی از مزارع مجاور حمله کرده بودند و یک گوسفند و دو بره او را دریده بودند. آقای کهل مالک مزرعه همان صبح با عصبانیت آمد و با داد و فریاد با چرچیل شروع به حرف زدن کرد. شایع شده بود که این کار نیروهای انقلابی هار است. چرچیل این حرف را نپذیرفت و تاکید کرد که نیروهای انقلابی هار هیچگاه هیچ حیوانی را نکشته‌اند و تنها به وظایف انقلابی خود عمل می‌کنند. کهل مدارک غیرقابل باوری از جمله جای پای یکی از سگ‌ها را داشت که بر روی گل نقش بسته بود. چرچیل اما گفت که قطعاً کشتن گوسفندها کار سگ‌ها نیست و گرگ‌هایی که از کوهستان به پایین آمده‌اند، بی‌تردید در این کشتار نقش داشته‌اند.

کهل نتوانست کاری پیش ببرد و با عصبانیت مزرعه را ترک کرد، اما همین باعث شد تا ادامه مذاکرات را با چرچیل متوقف کند. این مساله ضربه سهمگینی به چرچیل بود و در عین حال سگ‌ها را خوشحال کرد؛ اگرچه آن‌ها نیز مسئولیت این کار را نپذیرفتند، اما فهمیدند که راه موثری در مقابله با چرچیل یافته‌اند. چند شب بعد مزرعه دیگری هدف تاخت و تازهای حیوانات وحشی ناشناس قرار گرفت.

چرچیل باید از گالیلو می‌خواست تا جلوی سگ‌ها را بگیرد، اما گالیلو این مساله که سگ‌ها به فرمان او این کار را انجام داده‌اند، گردن نگرفت. در نهایت گالیلو پذیرفت که با سگ‌ها صحبت کند و آن‌ها را به آرامش دعوت کند. صحبتی که در ظاهر انجام داد ولی در خفا عکس آن را به سگ‌ها گفت. سگ‌ها چند روزی دست از سر همسایه‌ها برداشتند و دوباره به جان مرغ‌ها و پرندگان افتادند. حتی یک ماهی سیاه کوچولو که ظاهراً مشکل رنگی نیز نداشت، در بازگشت به مزرعه ناپدید شد. دیگر هیچ حیوانی جرات بازگشت پیدا نکرد.

تقریباً اکثر کلاغ‌ها از اقدامات سگ‌ها حمایت می‌کردند. برنامه‌های تبلیغی دوباره شدت پیدا کرد و حیوانات باید صبح و شب، قبل و بعد از شروع کار به آواز خواندن کلاغ‌ها و سخنرانی آن‌ها گوش می‌دادند. موضوع اصلی سخنرانی‌ها درباره سرزمین شیر و عسل، دشواری‌های رسیدن به این سرزمین، اهمیت رنگ سیاه و استفاده از این رنگ به عنوان راهی برای رسیدن به سرزمین شیر و عسل و سرانجام ستایش از درایت گالیلو در طی طریق بود.

محتوای آواز کلاغ‌ها هم کمی تغییر کرد و بجای ستایش از نبرد، به ستایش از رنگ سیاه متمایل شد. اما جالبتر از همه، شعارهای هرکول بود که با تفاوت‌های اندکی همچنان با همان شور سابق ادامه داشت. شعار هرکول که در ابتدا فریاد می‌زد «گالیلو رهبر ما است، گالیلو رهبر ما است»، بنا به پیشنهاد نیروهای انقلابی هار به این شعار تغییر یافت: «گالیلو رهبر تر ما است، گالیلو رهبر تر ما است»

هنگامی که پس از چند هفته از آرامش در مزارع دیگر، به یکباره چند اتفاق ناخوشایند در یکی دو مزرعه کمی دورتر افتاد، صاحبان مزارع مجاور از مذاکره با چرچیل دست کشیدند. چرچیل همچنان رابطه میان نیروهای انقلابی هار و این حوادث را انکار می‌کرد اما هیچیک از مالکان دیگر در این مورد شک نداشتند. چرچیل دیگر به آخر خط رسیده بود.

PARS
EQUALITY
CENTER

مرکز برابری پارس

مرکز برابری پارس سازمانی است مردم نهاد و غیر انتفاعی که به منظور ارائه خدمات اجتماعی و حقوقی به جامعه ایرانی - آمریکایی تأسیس شده است. تمامی خدمات این مرکز به صورت رایگان یا کم بها به افراد واجد شرایط ارائه میشود.

خدمات اجتماعی

- مددکاری اجتماعی برای پناهندگان
- کمک در تهیه رزومه کاری و آمادگی برای مصاحبه شغلی
- ثبت نام (کل فرش Cal Fresh)
- پرکردن برگه های مالیاتی و آموزش امور مالی
- بورسیه های تحصیلی
- کمک مالی به افراد درگیر شرایط اضطراری
- مربیگری (منتور شپ)

خدمات آموزشی

- کلاس های آموزش زبان انگلیسی
- کلاس های آمادگی برای امتحان سیتیزن شپ
- کلاس های آموزش کامپیوتر
- دوره های آموزشی تأسیس کسب و کار در آمریکا
- سمینار های سلامت روان
- کلاس های فرهنگی و هنری

خدمات مهاجرتی

- درخواست تابعیت آمریکا (سیتیزن شپ)
- تکمیل فرم درخواست اقامت دائم (گرین کارت) و تجدید کارت اقامت
- کمک مهاجرتی به قربانیان خشونت
- تکمیل فرم مجوز سفر
- تکمیل فرم درخواست معافیت از پرداخت هزینه اداره مهاجرت برای واجدین شرایط

لطفاً برای تعیین وقت به وب سایت مراجعه کنید یا با ما تماس تلفنی بگیرید

(818) 616-3091

(408) 6400-261

San Jose Center

<https://b.link/parsapp>

PARS EQUALITY CENTER

4954 Van Nuys Blvd. #201

Sherman oaks, CA 91403

• telegram: ParsEqualityCenterLA

• instagram: ParsEqualityLA

• website: parsEqualityCenter.org

برای اطلاع از برنامه های تخفیفی LADWP (سازمان آب و برق
لس آنجلس) ویژه افراد کم درآمد، با مرکز برابری پارس تماس بگیرید



پس عزرائیل برآمدیم و از دست اش فرار کردیم و به او فهماندیم که تا روز آزادی ایران را نبینیم حریف ما نمی شود! این همکاری مرتب ادامه داشته است. البته در طول این مدت هرازگاهی هم با جناب خلیلی در مواردی به دلیل بعضی اختلاف سلیقه ها که طبیعی است، چند باری تبادل آره و تیشه مختصری هم داشته ایم که خوشبختانه در تمام این موارد قضیه ختم به خیر شده و قلم ما جان سالم به در برده است. حتما می دانید که همکاری با صاحبان بعضی از رسانه های فارسی زبان که از سواد و نکته سنجی کافی و وافی برخوردارند، مانند کار کردن در معدن است، سخت و طاقت فرسا، ولی حسن این همکاری در این است که وقتی هر هفته یک بار اراجیفی را (که با خون دل و چشمان کم سو) به هم می بافیم و برای آقای خلیلی می فرستیم و نقطه ای کم یا ویرگولی زیادی در آن یافت نمی شود و فرمان چاپیدن اش صادر می شود، مثل همان کارگر معدن پس از خروج از محل کار نفسی به راحتی می کشیم و خدا را شکر می کنیم که این بار هم از خطر جسته ایم. پس شما خوانندگان عزیز نشریه ایران شهر هم به قول بچه ها، حالا که رسید به صد تا، دستمال آبی بردار، پُر از گلایی بردار و دعا کن که ما آن قدر زنده بمانیم تا به اتفاق ایران شهر و سربازان گمنام و آشنایش و همه شما هم میهنان گرامی مان هر چه زود تر روز آزادی میهن عزیز مان ایران را جشن بگیریم.

سوراخ موش!!

دبیر کل گردان های سیدالشهدای

عراق به تهدیدات آمریکا

علیه جمهوری اسلامی

واکنش نشان داد و گفت:

در کنار امام خامنه ای

ایستاده ایم. ابوالاء الولائی،

در پیامی که در شبکه

اجتماعی ایکس منتشر

کرد، گفت: انسان شرافتمند

هرگز در برابر حق و باطل، موسی

و فرعون، محمد و ابوجهل و جمهوری

اسلامی و آمریکایی طرف نخواهد ماند. دبیر کل گردان های سیدالشهدای عراق تصریح کرد: همانطور که در کنار فلسطین ایستادیم، هر زمان نیاز باشد، با جان، وجدان و خون خود در کنار جمهوری اسلامی خواهیم ایستاد و از آن دفاع خواهیم کرد. الولائی در پایان اظهار داشت: اصول ما ثابت و تغییرناپذیر است، خدایا تو خود شاهد باش. جناب ابوالاء الولائی دبیر کل محترم سید الشهداء، این گنده گوزی ها مال زمانی بود که امام خامنه ای شما قدرتی داشت، نوکران و مزدورانی مثل اسماعیل آقا هتیه، سید حسن خرس الله، سنوار، بشار اسد دیلاق و سایر اراذل و اوباش را البته با صرف پول های مردم بی گناه و بی پناه ایران در کف اختیار خود داشت. حالا دیگر آن سبو بشکسته و آن پیمانه ریخته و آن اشهار و اجامر به درک اسفل السافلین رفته اند. پس بهتر است به قول معروف در گاله را ببندی و خفه خون مرگ بگیری، چون ممکن است همین زرت پرت کردن ها باعث شود سربازان گمنام بی بی سوراخ موش تو را هم کشف کنند و این دبیر کل محترم را هم بفرستند لای دست آن فرزندان و نوکران امام خامنه ای کبیرات!!



طنز پیر!!

هر کس برای خویش پناهی گزیده است،

ما در پناه وارث «الیوت تروود» ایم

«پیر خراسانی»

email: pirekhorasani@yahoo.ca

پیش از آن که فایل پیوست ایمیل جناب پیر را باز کنم، عدد «۱۰۰» در ذهنم جرقه زد؛ با خود اندیشیدم که شاید وقت آن رسیده باشد تا یادداشتی به پاس صدمین نوشتار ایشان بنویسم. اما هنوز به این تصمیم جامه ای عمل نپوشانده بودم که دیدم جناب پیر خود پیش قدم شده اند و با لطفی بی دریغ، شرح کشفی از همکاری شان با ایران شهر و این جانب را نگاشته اند.

در این جا چیزی جز قدردانی برایم نمی ماند. جناب پیر، بدون هیچ چشم داشت مالی یا معنوی، از ابتدا تا کنون با نهایت خلوص نیت، همکاری خود را آغاز کرده و با نظمی مثال زدنی، قلم پُربارشان را در اختیار ایران شهر و خوانندگان قرار داده اند. دوباره و از صمیم قلب، سپاسگزارم جناب پیر. دمتان گرم و قلمتان برقرار بیژن خلیلی

ایران شهر ۱۰۰ - حالا که رسید به صد تا!!

100

آن چه شما خوانندگان گرامی نشریه ایران شهر در این شماره ملاحظه می کنید صدمین کار ما در این نشریه وزین است. یعنی تا امروز صد هفته و صد شماره در خدمت بیژن خان خلیلی گرامی و ایران شهر نازنین اش بوده و برای این نشریه نوشته ایم. ما سال هاست که جناب خلیلی را می شناسیم و سالیانی هم هست که ایشان ایران شهر را هر هفته با ایمیل برای ما فرستاده و می فرستند. قبلا چند باری در مقام وکیل فصول های محله و با حفظ سمت خواننده این نشریه، به بعضی مطالب ایران شهر گیر

داده و یادداشت هایی برای آقای خلیلی فرستاده بودیم که ایشان هم بی طرفانه و با سعه صدر و محبت آن ها را چاپ کرده بودند تا حدود دو سال و یکی دو ماه قبل که روزی ایشان در یک مکالمه تلفنی از ما دعوت کردند که با ایران شهر همکاری مرتب و دائمی داشته باشیم و ما هم با افتخار این دعوت را پذیرفتیم و اولین کار ما به عنوان همکار جدید این نشریه در روز آدینه سوّم ماه مارچ ۲۰۲۳ در ایران شهر چاپ شد و در این مدت به غیر از چند هفته ای که به شدت بیمار و بستری بودیم و بالاخره از



شان صداقتی

مشاور آگاه و صدیق شما در
ایدن مموریال پارک

آن هنگام که همسر و فرزندان ما در
اندوه از دست دادن ما هستند،

چه غم انگیز است برای آن‌ها

جستجوی آرامگاهی برای ما

بهرتر نیست که ما در زمان حیات خود برای
آرامش خاطر آنان از هم اکنون چاره جوئی
کنیم و با صبر و حوصله و با انتخاب خود و
قیمتی ارزانتر و حتی با شرایط اقساط بدون
بهره آرامگاهی برای خود قبلاً خریداری کنیم؟

برنامه ریزی قبلی اینگونه مسائل نشانه عشق
و علاقه ما به عزیزانمان است

Eden Memorial Park

ایدن مموریال پارک

(818) 326-4040

LIC.# 0H03129

اگرز لُق ترامپ!!



در ایام نوروز خدمت آقا رسیدیم، دیدیم خوش و
سرحال هستند و به قول معروف توی اگروزشان
عروسی است! گفتیم: جناب معظم چه شده که
وسط دعوا و سقوط این همه خوش و کیفور
هستی؟ گفت: تا حالا فکر می‌کردم من مشنگ
ترین رهبر جهان هستم! ولی از وقتی که ترامپ
آمده، فهمیدم که این بابا از من هم مشنگ‌تر
است! گفتیم: چرا؟ گفت: چون او با اعمال و
گفتارش همه دنیا را با خودش دشمن کرده و
باهمه در حال فحشکاری است و به همین دلیل
در یک هفته بورس اش ۶ تریلیارد دلار ضرر
کرده، کسی که برجام را پاره کرد، حالا به آخوند
می‌گوید: بیا به برجام برگردیم! کشورهای که به
خاطر خوش آمد او با ما دشمن بودند، پیغام دادند که هر چه می‌خواهید ما به
شما می‌دهیم و نفت هم از شما می‌خریم، اگروز لُق ترامپ!!

سفیران شیعه!!

مندحسین زمانی مدیر حوزه علمیه کشور گفت: پیشی گرفتن ایران از
کشورهایی مانند آمریکا در شاخصهای رفاهی با وجود تحریم‌ها یک اقدام
بزرگ و بی‌سابقه است! او اضافه کرد: ۱۰ هزار طلبه خارجی در ایران به
عنوان سفیران شیعه در حال تربیت هستند! حاجی جان اولاً که شما فقط
۲۰ هزار طلبه افغان و چند هزار هم طلبه آفریقایی دارید و آمار واقعی بسیار
بیشتر از این‌هاست. ثانیاً این پول‌ها متعلق به مردم فقیر ایران است که شما
با آن به چهارتا غارنشین پول و غذا و خانه مفت و مجانی می‌دهید و آن
ها بارشان را که بستند، به مملکت‌های شان برمی‌گردند، با آن پول‌های
بادآورده به عیش و نوش مشغول می‌شوند و داستان خواجه لواط الملک
توسی را برای هم ولایتی‌های خودشان تعریف می‌کنند و به ریش شما
می‌خندند!!

جوک ناب!!



در جمهوری افلاسی یک معاون دانشگاه
آزاد که خودش هم مسئول نیروی
انسانی بوده، به خودش نامه زده که: با
بازنشستگی بنده موافقت فرمائید و
خودش در جواب مخالفت و اضافه کرده
لطفاً دیگر چنین درخواستی نفرمایید!
چون شما در جهان تک هستیید و
دانشگاه ما به وجود شما نیاز دارد و حتماً

برای نگهداری خودش در این پُست، صدمیلیون تومان دیگر هم به حقوق
ماهانه خودش اضافه کرده است! دانشگاه داری در کشور آخوندی هم خودش
جوکی است ناب!!



Luxury Fabrics



Down Town
Los Angeles

زیباترین پارچه‌های پرده‌ای و روسلی
باش‌های تزئینی، چوب پرده

(213)

622-2600

www.LuxuryFabricsLA.com

info@luxuryfabricsLA.com

920 S Wall St.
Los Angeles, CA 90015

خسرالدنيا والآخره!!

آخوندی به نام حمید رسایی هرچه دلش خواست به پلیس گفت چون یک عده زنان فاطمی کوماندو مادر فولاد زره تحصن کردند و پلیس این‌ها را جمع کرده و برده بیرون شهر رها کرده‌اند آن‌ها هم سر و صدا کردند ویا حسین یا امام زمان راه انداختند! که کسی هم به دادشان نرسید! اما آخوندهم به خوبی می‌داند که اگر حجاب را سفت بگیرد سگان اش کشته می‌شوند ترامپ بی‌شعور هم به جای کمک به مردم ایران مرتب می‌گوید: بمباران می‌کنم! از طرف دیگر هم به آخوندها می‌گوید با من رفاقت و به حرف‌هایم گوش کنید برای تان امتیازات زیادی دارم. آخوند رسایی هم از این می‌سوزد که فرار بود ابرقدرت شود، گدای منطقه شد! می‌خواست الگو شود، عبرت شد! می‌خواست بسیجی‌ها را به سفر فضایی ببرد، به فرار مغزها فرستاد! می‌خواست کاخ سفید را تبدیل به حسینیه کند مسجد خودش خالی شد! خسرالدنيا والآخره!!



خر و شاخ!!



آخوندها که تا حالا می‌گفتند راه قدس از کربلا می‌گذرد و یا کاخ سفید را حسینیه می‌کنیم! اکنون و این روزها که سنبه را پر زور دیده‌اند، فاز صلح طلبی برداشته و داریم در کلیپ‌های خود می‌گویند: ما مثل امام حسین مظلوم هستیم! ما در ۳۰۰ سال اخیر با هیچ کشوری نجنگیده ایم ولی آمریکا از روز اول تا به حالا مرتب در حال جنگ بوده است! والله تا جایی که ما میدانیم: فتنه از عمامه



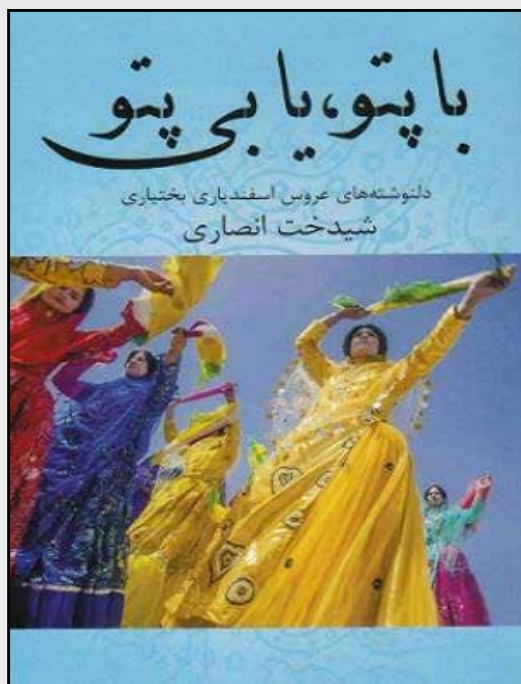
اظهار نظر یکی از خوانندگان کتاب «باپتو، یا بی پتو»

به بانوی ارجمند، بانو شیدخت انصاری
چگونه می‌توان از زنی سخن گفت که هم تجلی نجابت و اصالت است و هم نماد
استواری و شکوه؟ چگونه می‌توان از روحی سخن راند که از رفاه تا تبعید، از
آرامش تا تلاطم، از روشنی تا تاریکی عبور کرده، اما در هیچ‌یک از این گذرها از
خویش تهی نشده است؟

شما، بانو، گواهی زنده‌اید بر آنکه زن بودن تنها در لطافت و مهر خلاصه نمی‌شود،
بلکه در صلابت، ایستادگی و آفرینش جهانی از معناست. شما، که واژه‌هایتان در
کتاب با پتو، بی پتو پژواک روحی آزاده است، نه تنها نویسندگی چیره‌دست، بلکه
خود کتابی هستتید که ورق‌هایش با داستان مقاومت و سربلندی نگاشته شده
است.

از تبار اسفندیاری بختیاری و نسل انصاری‌های اصفهان، شما میراث‌دار شرافت
و شکوهید. اما آنچه شما را درخشان‌تر می‌کند، نه صرفاً ریشه‌هایتان، که
انتخاب‌هایتان بوده است. شما نشان دادید که انسان بودن، زن بودن، معنایی
فراتر از موقعیت و شرایط دارد؛ که قدرت حقیقی نه در رفاه، نه در دشواری، که در
جوهرهای نهفته است که حتی طوفان‌ها نیز از تزلزل آن عاجزند.

به پاس این همه عظمت و به بهانه‌ی روز جهانی زن، این پیام را تقدیم حضورتان
می‌کنم. باشد که نام و راه شما الهام‌بخش زنان بسیاری باشد که در جستجوی
خویشن خویش‌اند. روزتان فرخنده و حضورتان ماندگار باد.



ketab.com

(310) 477-7477

خیزد نی زخم! خدا خر را شناخت و به او شاخ نداد! آخوند اگر شاخ داشت
به عقب خودش هم هجوم میبرد و سر بچه‌های خودش را هم میپیرید!
ولی با یک آزمایش دید زورش به صدام هم نمیرسد. حالا هم که مثلاً اتمی
و لیزری و شیمیایی دارد، باز هم از همه کتک می‌خورد جز زنان هم میهن
خودش که دست شان هم خالی است! و فقط در برابر آن‌ها شیر است!!

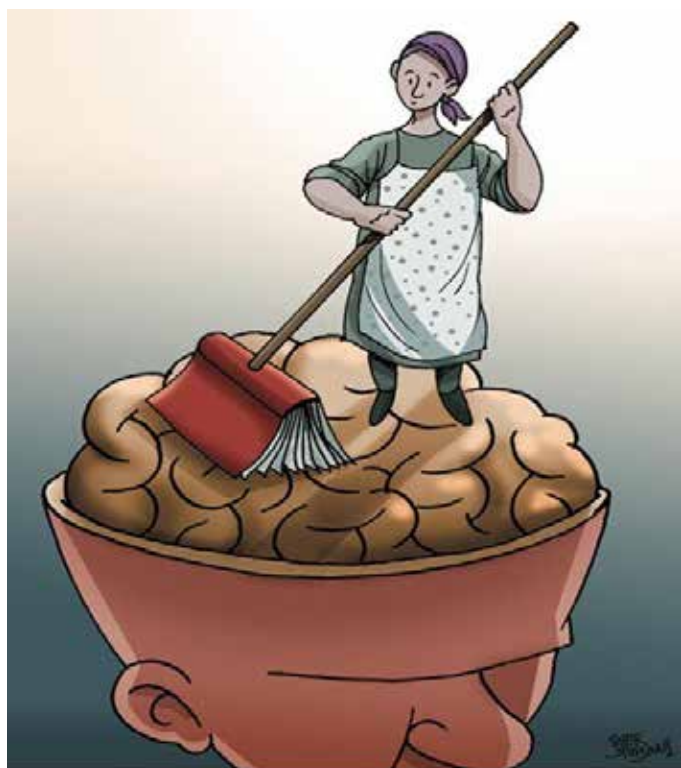
احیای خمس!!

حامد موسوی معاون بنیاد فرهنگ احیای خمس!
(عنوان پُست سازمانی آقا را داشته باشید!) گفت:
احیای خمس از دغدغه‌های مردم است! یعنی مردم
هیچ مشکلی ندارند و تنها مشکلشان این است که
چطور یک پنجم مالشان را به آخوند مفت خور گردن
کلفت بدهند تا او بتواند با آن کارخانه مهمی راه
بیندازد و صد تا کارگر دختر و زن استخدام کند و با
احیای خمس خرج صیغه‌هایش را جور کند؟! پس
مردم بجنبید تا امام زمان و نائب بر حق اش از شما
ناراضی نباشند و اگر در این راه لازم شد ماشین، فرش و بخاری‌ات را هم
بدهی نباید گله و شکایتی داشته باشی!!



کانادا - مدینه منوره مونتریال - شششنبه (آدینه) هجدهم ماه آوریل
المبارک! سال ۲۰۲۵ در بدری خون جگری! برابر با بیست و نهم فروردین
ماه سال ۱۴۰۴ مهرورزی زنجیره‌ای!
شاد و آزاد و سربلند باشید.

پیر خراسانی



کتاب سندروم تهران که خاطرات هنرمند مقیم لس آنجلس
آقای سلمان محمدی را در بر می گیرد بزودی از سوی انتشارات شرکت کتاب با پشتیبانی
مالی موسسه Mortgage Bankers به مدیریت شهرام الیاس زاده منتشر می شود



سلمان محمدی

سلمان محمدی فوق لیسانس موسیقی، آهنگساز و نوازنده تار و سه تار و همچنین مخترع نخستین ساز الکتریک ایرانی (سه تار الکتریک) می باشد، او علاوه بر موسیقی در زمینه نویسندگی و پژوهش موسیقی هم بسیار فعال بوده است، از کتابهای او می توان به:

- تئوری و شناخت کوکهای متداول موسیقی ایرانی
- ۲. ساختار فواصل موسیقی ایرانی و تغییراتش در یکصدسال گذشته
- ۳. نواهای ماندگار
- ۴. دوپرنده
- ۵. سندرم تهران
- اشاره کرد.

کتاب سندرم تهران در واقع داستان واقعی زندگی نویسنده است، در این کتاب نویسنده سعی کرده است مشاهدات عینی خودش را با توجه به مسائل و وقایع روز بعد از انقلاب اسلامی که روی زندگی او مؤثر بوده است را بسیار عریان و بدون سانسور روایت کند، در نگاه کلی تر نویسنده سعی کرده است از زندگی خصوصی خود بعنوان بهانه ای برای روایت نسلی که زیر هجوم تراژدی انقلاب، توهم آرمانگرایی، ترور، جنگ، تحریم و حماقت مذهبی له شده اند استفاده کند.



شرکت کتاب

ketab.com

(310) 477-7477



آسیب‌های گردن و تاثیر آن‌ها بر مهره‌های گردن: تحلیل جامع

دکتر رامونا کندی



مقدمه:

آسیب‌های گردن که به طور معمول به عنوان «ویپلاش» شناخته می‌شوند، به جراحاتی اطلاق می‌شوند که در اثر حرکت سریع و ناگهانی گردن به جلو و عقب، به ویژه در تصادفات خودرو، ایجاد می‌شوند. این آسیب‌ها معمولاً به بافت‌های نرم گردن از جمله عضلات، رباط‌ها و تاندون‌ها آسیب می‌زنند. با این حال، هنگامی که آسیب به مهره‌های گردنی وارد می‌شود، عواقب عصبی می‌تواند بسیار شدیدتر باشد و ممکن است نیاز به درمان‌های طولانی‌مدت یا حتی مادام‌العمر داشته باشد.

این مقاله به‌طور مفصل به بررسی علائم و نشانه‌های آسیب ویپلاش مرتبط با مهره‌های گردنی، پیامدهای عصبی ناشی از این آسیب‌ها و دلایل نیاز به درمان‌های طولانی‌مدت یا مادام‌العمر خواهد پرداخت.

۱. آناتومی ستون فقرات گردنی

برای درک تاثیر آسیب‌های ویپلاش بر مهره‌های گردنی، ابتدا باید درک صحیحی از ساختار ستون فقرات گردنی داشته باشیم.

ستون فقرات گردنی از هفت مهره تشکیل شده است که به ترتیب از ۱ تا ۷ نامگذاری می‌شوند و در ناحیه گردن قرار دارند. این مهره‌ها وظیفه حمایت از سر، امکان حرکت گردن و حفاظت از نخاع که از داخل مهره‌ها عبور می‌کند، را بر عهده دارند. مهره‌های گردنی ۵ و ۶ در قسمت میانی ستون فقرات گردنی قرار دارند و نقش بسیار حیاتی در استحکام ساختاری گردن ایفا می‌کنند.

مهره گردنی ۵: مهره گردنی ۵ برای انعطاف و کشش گردن بسیار مهم است و به کنترل حرکت‌های سر و گردن کمک می‌کند.

مهره گردنی ۶: مهره ۶ در خم شدن جانبی و چرخش گردن دخالت دارد و همچنین با اعصاب کنترل‌کننده عضلات دست‌ها و بازوها مرتبط است.

مهره‌های گردنی ۵ و ۶: از طریق دیسک‌های بین‌مهره‌ای به هم متصل می‌شوند که این دیسک‌ها در جذب ضربه‌ها و حرکت‌های ناگهانی به ویژه در حوادث تصادف نقش مهمی دارند. آسیب به این مهره‌ها یا

دیسک‌های بین آن‌ها می‌تواند به مشکلات عصبی و عضلانی شدیدی منجر شود.

۲. مکانیزم آسیب ویپلاش

آسیب ویپلاش معمولاً در اثر تصادفات رانندگی به‌ویژه تصادف‌های از پشت ایجاد می‌شود. در این نوع تصادفات، حرکت ناگهانی و شدید سر و گردن به جلو و عقب اتفاق می‌افتد که می‌تواند به بافت‌های نرم گردن و همچنین مهره‌های ستون فقرات آسیب برساند. هنگامی که ضربه به شدت به گردن وارد می‌شود، ممکن است مهره‌های ۵ و ۶ در معرض آسیب قرار گیرند. این نوع آسیب‌ها می‌تواند منجر به تغییرات فیزیکی در مهره‌ها، دیسک‌ها و حتی نخاع شود.

۳. نشانه‌ها و علائم آسیب ویپلاش در ناحیه مهره گردنی ۵ و ۶

آسیب‌های ویپلاش می‌توانند طیف وسیعی از علائم را به دنبال داشته باشند. این علائم می‌توانند از درد و ناراحتی خفیف تا مشکلات جدی عصبی متغیر باشند. در ادامه به بررسی نشانه‌ها و علائم خاصی که می‌توانند به آسیب‌های مرتبط با مهره‌های گردنی ۵ و ۶ مربوط باشند، خواهیم پرداخت:

۳.۱. درد گردن

یکی از شایع‌ترین علائم آسیب ویپلاش، درد و گرفتگی در ناحیه گردن است. این درد ممکن است به طور مداوم وجود داشته باشد یا تنها در هنگام حرکت گردن تشدید شود. در آسیب‌های مرتبط با مهره‌های گردنی ۵ و ۶، درد معمولاً در ناحیه میان‌شانه‌ها و پشت گردن احساس می‌شود.

۳.۲. سختی در حرکت گردن

در اثر آسیب به مهره‌های گردنی ۵ و ۶، حرکت طبیعی گردن ممکن است محدود شود. این مشکل می‌تواند باعث دشواری در چرخش یا خم کردن گردن شود. فرد ممکن است نتواند به راحتی سر خود را به سمت جلو، عقب یا چپ و راست حرکت دهد.

۳.۳. بی‌حسی و ضعف در دست‌ها

آسیب به مهره‌های ۵ و ۶ می‌تواند منجر به مشکلات



عصبی در بازوها و دست‌ها شود. این مشکلات ممکن است شامل بی‌حسی، ضعف یا احساس سوزن‌سوزن شدن در دست‌ها و انگشتان باشد. این علائم معمولاً به دلیل فشاری است که به اعصاب نخاعی در این نواحی وارد می‌شود.

۳.۴. درد و بی‌حسی در شانه‌ها

گاهی اوقات، درد ناشی از آسیب ویپلاش می‌تواند به شانه‌ها و حتی پایین‌تر از شانه‌ها انتشار یابد. این علائم بیشتر در صورتی اتفاق می‌افتد که آسیب به اعصاب مهره‌های گردنی ۵ و ۶ وارد شده باشد که مسئول کنترل عضلات شانه هستند.

۳.۵. سردرد

سردرد یکی دیگر از علائم شایع پس از آسیب ویپلاش است، به ویژه هنگامی که آسیب به مهره‌های ۵ و ۶ وارد می‌شود. این سردردها ممکن است در ناحیه پشت سر یا گردن احساس شوند و ممکن است به دلیل تحریک اعصاب و ساختارهای عصبی اطراف مهره‌ها به وجود آیند.

۴. پیامدهای عصبی آسیب‌های ۵ و ۶

آسیب به مهره‌های ۵ و ۶ می‌تواند منجر به مشکلات عصبی جدی و طولانی‌مدت شود. اعصاب نخاعی که از این نواحی عبور می‌کنند به بخش‌های مختلف بدن، از جمله دست‌ها و شانه‌ها، سیگنال‌های عصبی ارسال می‌کنند. هنگامی که این اعصاب تحت فشار یا آسیب قرار می‌گیرند، می‌توانند باعث مشکلات شدید و مزمن شوند.

آشنایان را چه شد؟

نویسنده: هما سرشار

امروز بزرگ‌ترین آرزویم این است که نسل جوان ایرانی، راهی را که نسل من برایشان گشود - با شایستگی شگفت‌انگیزی که در آنها می‌بینم - ادامه دهند و با باورمندی به این اصل که بدون آگاهی از گذشته نمی‌توان آینده‌روشنی آفرید، از کوشش باز نایستند. چشم‌امیدم به این نسل بالنده است که دورنمای ارزشمندی از آزادی و عدالت و برابری را در برابر چشمان ما ترسیم کرده‌اند. گمان مبر که به پایان رسید کار مغان هزار باده‌ناخورده در رگ تاک است



ketab.com

(310) 477-7477



۴.۱. فلج جزئی یا کامل دست‌ها

در برخی موارد، آسیب به مهره‌های ۵ و ۶ می‌تواند منجر به فلج جزئی یا کامل دست‌ها و بازوها شود. این نوع آسیب ممکن است به دلیل فشاری که به اعصاب نخاعی وارد می‌شود، ایجاد گردد. فلج در ناحیه دست‌ها می‌تواند باعث مشکلات شدیدی در حرکت و عملکرد روزمره فرد شود.

۴.۲. سندرم درد مزمن

در صورتی که آسیب به مهره‌های ۵ و ۶ درمان نشود، می‌تواند به سندرم درد مزمن منجر شود. این نوع درد ممکن است دائمی باشد و حتی پس از درمان‌های اولیه نیز ادامه یابد. درد مزمن می‌تواند کیفیت زندگی فرد را به شدت تحت تأثیر قرار دهد.

۴.۳. اختلالات حسی در ناحیه گردن و شانه‌ها

آسیب به مهره‌های ۵ و ۶ می‌تواند باعث اختلالات حسی در نواحی مختلف بدن شود. فرد ممکن است در نواحی شانه‌ها، بازوها یا دست‌ها احساس بی‌حسی، سوزن‌سوزن شدن یا کاهش حساسیت داشته باشد.

۵. چرا درمان‌های عصبی برای آسیب‌های ۵ و ۶ می‌توانند مادام‌العمر باشند؟

آسیب به مهره‌های ۵ و ۶ ممکن است به تغییرات دائمی در ساختارهای عصبی منجر شود. در بسیاری از موارد، این آسیب‌ها می‌توانند با مشکلات عصبی مزمن همراه شوند که به طور کامل قابل درمان نیستند. دلیل این امر آن است که هنگامی که اعصاب نخاعی فشرده یا آسیب می‌بینند، ممکن است آسیب‌های دائمی به آن‌ها وارد شود که منجر به اختلالات طولانی‌مدت در عملکرد اعصاب گردد.

۵.۱. بازسازی محدود اعصاب

در حالی که برخی از آسیب‌های عصبی می‌توانند با گذشت زمان بهبود یابند، اعصاب نخاعی آسیب‌دیده در نواحی ۵ و ۶ ممکن است نتوانند به طور کامل بازسازی شوند. این امر می‌تواند منجر به باقی ماندن مشکلات حسی و حرکتی در دست‌ها و سایر نواحی بدن شود.

۵.۲. نیاز به درمان‌های مداوم

بسیاری از افرادی که دچار آسیب به مهره‌های ۵ و ۶ می‌شوند، نیاز به درمان‌های مداوم و مراقبت‌های ویژه دارند. این درمان‌ها ممکن است شامل فیزیوتراپی، داروهای ضد درد، جراحی یا حتی توانبخشی عصبی باشد. این درمان‌ها ممکن است برای سال‌ها ادامه پیدا کنند تا وضعیت فرد بهبود یابد.

۵.۳. کیفیت زندگی و مدیریت درد مزمن

افراد مبتلا به آسیب‌های شدید در نواحی ۵ و ۶ ممکن است با درد مزمن و محدودیت در حرکت دست‌ها مواجه شوند. این شرایط می‌تواند زندگی روزمره فرد را تحت تأثیر قرار دهد و نیاز به درمان‌های طولانی‌مدت و مدیریت درد داشته باشد. در نتیجه، افراد مبتلا به این آسیب‌ها اغلب نیاز دارند که تحت درمان‌های مداوم قرار گیرند تا کیفیت زندگی خود را حفظ کنند.

نتیجه‌گیری

آسیب به مهره‌های ۵ و ۶ می‌تواند عواقب شدیدی به همراه داشته باشد و در برخی موارد، نیاز به درمان‌های مادام‌العمر را ایجاد کند. این آسیب‌ها می‌توانند به مشکلات عصبی و حرکتی شدید منجر شوند که برای مدت طولانی ادامه پیدا کنند. در نتیجه، افرادی که دچار این نوع آسیب‌ها می‌شوند، باید تحت مراقبت‌های ویژه قرار گیرند تا از عوارض آن جلوگیری کنند و کیفیت زندگی خود را حفظ نمایند.

اگر در تصادف دچار آسیب مهره‌های گردنی شده‌اید یا وکیل متعهد و دلسوز تماس بگیرید و از تماس مستقیم با شرکت‌های بیمه خود داری کنید.



J&M LAUREL MEDICAL CLINIC

818-897-7730

818-897-7831 FAX

**13680 VAN NUYS BLVD
PACOIMA CA 91331**

کلینیک مجاز برای آزمایش‌های اداره مهاجرت IMMIGRATION PHYSICAL EXAM

**دکتر منوچهر خلیلی
دکتر جهانبخش نوری**

WE ACCEPT MOST HEALTH PLANS
MEDICAL / MEDICARE
FAMILY PACT

(PAP SMEAR, PILL, CONDOM, INJECTION, IUD, IMPLANT)

- WELL CHILD PHYSICAL EXAM (CHDP)
- IMMUNIZATION
- VISITS FOR HEALTH PROBLEMS
- VISION SCREENING
- SCHOOL PHYSICALS

SAME DAY APPOINTMENTS
WALK IN WELCOME
PRIMARY CARE GENERAL PRACTICE

CASH PATIENTS WELCOME
ADULT & CHILDREN WELCOME

Hearing and Vision Exams
Treatment of all common diseases:

- Thyroid
- Diabetes
- High Blood Pressure
- Cholesterol
- Anemia
- ECT





روزشمار تاریخ، فرهنگ و هنر ایران

۱۹ آوریل تا ۲۵ آوریل (۳۰ فروردین تا ۵ اردیبهشت)

عصر حاضر ایران است که مجموعه آثارش در بیش از نیم قرن، پیوسته میان اشکال منظم و ریتمیک هنرهای سنتی و رویکردهای انتزاعی مدرنیستی سیر کرده‌است. هنر او در نگاه اول بر دو اصل نقوش تزئینی و آینه استوار است و واضح است که او این اصول را از هنرهای سنتی و صنایع مستظرفه ایرانی برگرفته و به هنر آینه‌کاری وام‌دار است؛ ولی در نگاهی عمیق‌تر می‌توان به این موضوع پی برد که جوهر درونی هنر منیر هندسه است نه تزئینات و آینه. او هنگامی که به عنوان هنرمند از آثارش صحبت می‌کند بیش از هر چیز به پیچیدگی‌های هندسی در کارش اشاره می‌کند.

دوشنبه ۱ اردیبهشت || ۲۱ آوریل

۱۲۹۶ خورشیدی (۱۹۱۷ میلادی)
درگذشت **ادیب الممالک فراهانی**
۱۳۲۱ خورشیدی (۱۹۴۲ میلادی)
زادروز **محمد مختاری**، شاعر و پژوهشگر و از قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای با آمریت علی خامنه‌ای و مصباح یزدی
۱۳۳۰ خورشیدی (۱۹۵۱ میلادی)
درگذشت **محمد تقی بهار** (ملک الشعرا)، شاعر، ادیب و سیاستمدار
۱۳۳۵ خورشیدی (۱۹۵۶ میلادی)
زادروز **مدیا کاشیگر**، شاعر، قصه‌نویس و مترجم
۱۳۵۹ خورشیدی (۱۹۸۰ میلادی)
درگذشت **سهراب سپهری** - شاعر و نقاش صاحب سبک معاصر. از آثار او اتاق آبی و هشت کتاب
آثار **سهراب سپهری** به صورت کتاب و کتاب‌گویا در شرکت کتاب موجود می‌باشند
۱۳۸۳ خورشیدی (۲۰۰۴ میلادی)
نصب لوح یادبود در رستوران میکونوس در برلین آلمان به مناسبت ترور دکتر صادق شرف‌کندی، فتح‌عبدلی، همایون ارذلان و نوری دهکردی از رهبران حزب دمکرات کردستان، در این محل



سه شنبه ۲ اردیبهشت || ۲۲ آوریل

۱۳۳۲ خورشیدی (۱۹۵۳ میلادی)
درگذشت **سرتیپ ستاد محمود افشارطوس**، ریس کل شهربانی در دولت دکتر مصدق که به طرز مشکوکی به قتل رسید
۱۳۳۸ خورشیدی (۱۹۵۹ میلادی)
زادروز **قیصر امین پور**، شاعر

۱۳۶۶ خورشیدی (۱۹۸۷ میلادی)
درگذشت **محمود محمودی خوانساری** - خواننده و موسیقیدان
۱۳۹۸ خورشیدی (۲۰۱۹ میلادی)
درگذشت **بیژن صفاری**، معمار، نقاش و استاد سابق دانشکده هنر در پاریس در سن ۸۶ سالگی



شنبه ۳۰ فروردین || ۱۹ آوریل

۱۳۲۱ خورشیدی (۱۹۴۲ میلادی)
ایران اعلم، عنوان نخستین استاد زن در دانشکده پزشکی را به دست آورد.
۱۳۴۹ خورشیدی (۱۹۶۰ میلادی)
درگذشت **محمد جواد تربتی**، ادیب و شاعر و مدیر روزنامه پولاد.
۱۳۵۴ خورشیدی (۱۹۷۵ میلادی)
تیرباران هفت تن از چریک‌های فدایی خلق و دو تن از اعضای مجاهدین خلق در زندان اوین: محمد چوپان زاده، جلیل افشار، عزیز سمردی، بیژن جزنی، حسن ضیاء ظریفی، مشعوف کلاتری، و عباس سورکی (از فداییان خلق)، کاظم ذوالانوار و مصطفی جوان خوشدل (از مجاهدین خلق).



۱۳۸۵ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی)
درگذشت **استاد احمد بارید نوازنده** استاد موسیقی اصیل ایرانی و نوازنده برجسته تار در تهران.
۱۳۸۵ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی)
درگذشت **هادی میرمیران** معمار برجسته ایرانی در سن ۶۱ سالگی در پی عمل جراحی در ستون فقرات، در آلمان و در ایران به خاک سپرده شد. از آثار وی: طرح کتابخانه ملی ایران، ساختمان مرکزی بانک توسعه صادرات، موزه ملی آب ایران و...



۱۳۸۵ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی)
درگذشت **دکتر ابوالحسن فرهودی** در پاریس، استاد پیشکسوت دانشگاه علوم پزشکی تهران و بنیانگذار رشته فوق تخصصی ایمنولوژی در ایران
۱۳۸۹ خورشیدی (۲۰۱۰ میلادی)
حمیده خیرآبادی، (نادره)، بازیگر باتجربه سینما و تلویزیون ایران و مادر ثریا قاسمی، دیگر هنرپیشه سرشناس ایرانی، در ۸۶ سالگی در تهران درگذشت.
حمیده خیرآبادی متولد ۳۰ آذر ۱۳۰۳ در رشت بود و تحصیلاتش را با وجود ازدواج زودرس در نوجوانی (۱۳ سالگی) تا دیپلم ادامه داد. او از سال ۱۳۲۶ با بازی در تئاتر وارد دنیای هنرپیشگی شد و پس از آن در سال ۱۳۳۲ با بازی در نقش یک مادر در فیلم «میهن‌پرست» به سینما وارد شد و در سالهای پیش از انقلاب با نام سینمایی «نادره» شهرت و محبوبیت یافت.

یکشنبه ۳۱ فروردین || ۲۰ آوریل

۱۳۵۴ خورشیدی (۱۹۷۵ میلادی)
پخش اعلامیه مقامات امنیتی، درباره «فرار نه تن از ماجراجویان زندانی از زندان اوین و کشته شدن آن‌ها به ضرب گلوله ی **مأموران**»
۱۳۹۸ خورشیدی (۲۰۱۹ میلادی)
درگذشت **منیره شاهرودی فرمانفرمایان** (زاده ۱۳۰۱ خورشیدی - قزوین) هنرمند نقاش در سن ۹۷ سالگی بر اثر کهولت سن در تهران
منیره فرمانفرمایان بدون شک هندسه‌گراترین هنرمند





چهارشنبه ۳ اردیبهشت || ۲۳ آوریل

جمعه ۵ اردیبهشت || ۲۵ آوریل

۱۳۵۳ خورشیدی (۱۹۷۴ میلادی)

درگذشت بهمن هیربد، مدیر و موسس مجله موزیک ایران

۱۳۵۸ خورشیدی (۱۹۷۹ میلادی)

درگذشت محمدولی قرنی، نخستین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی

۱۳۷۳ خورشیدی (۱۹۹۴ میلادی)

درگذشت ابوالحسن ورزی - شاعر

۱۳۸۵ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی)

درگذشت ایرج رستمی روزنامه نگار و ناشر روزنامه «ایران نیوز» در شهر گلندل کالیفرنیا

۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی)

درگذشت دکتر هلاکو رامبد رجل سیاسی دوران حکومت محمدرضا شاه پهلوی،

نماینده مجلس شورای ملی و دبیرکل حزب مردم و رئیس دفتر و مشاور سیاسی

شاهزاده رضا پهلوی در تبعید، در پاریس

۱۳۹۴ خورشیدی (۲۰۱۵ میلادی)

درگذشت عزیز اصلی، دروازه‌بان اسبق تیم ملی ایران

و باشگاه پرسپولیس در شهر دوسلدورف آلمان پس از

سال‌ها مبارزه با بیماری، وی متولد ۱۳۱۶ در تبریز بود.

او از نخستین بازیکنانی است که به بازیگری روی آورد و

در هشت فیلم بازی کرد.

۱۳۹۴ خورشیدی (۲۰۱۵ میلادی)

درگذشت حسین قندی، استاد روزنامه‌نگاری در ایران

به علت ایست قلبی در سن ۶۴ سالگی در بیمارستان

غیائی در تهران، وی در مطبوعات ایران به عنوان «سلطان تیترا» شهرت داشت.

۱۳۹۸ خورشیدی (۲۰۱۹ میلادی)

درگذشت بهمن کشاورز، وکیل دادگستری و رئیس پیشین اتحادیه سراسری

کانون‌های وکلای دادگستری ایران بر اثر ایست قلبی (متولد سال ۱۳۲۳ خورشیدی)

۱۳۹۸ خورشیدی (۲۰۱۹ میلادی)

درگذشت بهمن کشاورز، وکیل دادگستری و رئیس پیشین اتحادیه سراسری

کانون‌های وکلای دادگستری ایران بر اثر ایست قلبی (متولد سال ۱۳۲۳ خورشیدی)

۱۴۰۲ خورشیدی (۲۰۲۳ میلادی)

درگذشت ناصر پاکدامن در فرانسه (متولد ۱۳۱۱

خورشیدی) اقتصاددان و نویسنده و از اعضای کانون

نویسندگان ایران

پنجشنبه ۰۴ اردیبهشت ۲۴ آوریل

۱۳۱۴ خورشیدی (۱۹۳۵ میلادی)

تأسیس فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی

۱۳۱۹ خورشیدی (۱۹۴۰ میلادی)

تأسیس فرستنده رادیو ایران

۱۳۲۱ خورشیدی (۱۹۴۲ میلادی)

زادروز شهلا لاهیجی، مترجم، ناشر، و فعال حقوق زنان

۱۳۷۷ خورشیدی (۱۹۹۸ میلادی)

درگذشت سپهبد نادر باتمان‌کلیچ، رییس ستاد

ارتش شاهنشاهی در دوره محمدرضا شاه پهلوی.

۱۳۸۶ خورشیدی (۲۰۰۷ میلادی)

درگذشت لیلی متین‌دفتری هنرمند، نقاش و مدرس

دانشگاه هنرهای زیبا دانشگاه تهران در پاریس. لیلی

دختر دکتر احمد متین‌دفتری نخست‌وزیر پیشین ایران

و نوه دکتر محمد مصدق بود.

۱۳۱۴ خورشیدی (۱۹۳۵ میلادی)

شرکت فرخنده جورابچی، نخستین نماینده رسمی زنان ایران در کنگره جهانی زن

۱۳۱۹ خورشیدی (۱۹۴۰ میلادی)

انجام مراسم گشایش دستگاه فرستنده «رادیو تهران»

۱۳۴۱ خورشیدی (۱۹۶۲ میلادی)

زادروز عمادالدین باقی، تاریخدان، نویسنده، فعال حقوق بشر، روزنامه‌نگار، زندانی

سیاسی، رئیس و بنیانگذار کمیته دفاع از حقوق زندانیان و از اعضای سابق سپاه

پاسداران و نویسنده کتاب درسی تاریخ معاصر دبیرستانهای ایران در اواخر دهه هفتاد

خورشیدی است

۱۳۴۸ خورشیدی (۱۹۶۹ میلادی)

شهبانوی ایران فرح پهلوی به همراهی آندره مالرو در پاریس خانه ایران را در

خیابان شانزه لیزه افتتاح کرد.

۱۳۸۴ خورشیدی (۲۰۰۵ میلادی)

درگذشت رحیم مؤذن‌زاده اردبیلی، گوینده اذان ایرانی مشهور و تاریخی جهان

اسلام در آواز بیات ترک و در گوشه روح الارواح

۱۳۸۸ خورشیدی (۲۰۰۹ میلادی)

درگذشت بیژن ترقی، شاعر و ترانه‌سرا بر اثر نارسایی تنفسی در سن ۸۰ سالگی در

تهران. وی در ۱۲ اسفند ۱۳۰۸ در تهران متولد شد و از سال ۱۳۳۵ همکاری خود

را با رادیو آغاز کرد.

کتاب خاطرات زنده یاد بیژن ترقی با عنوان از پشت دیوارهای خاطره و کتاب

سرودهای او با عنوان آتش کاروان در شرکت کتاب موجود هستند

۱۳۹۸ خورشیدی (۲۰۱۹ میلادی)

درگذشت بهمن باتمان‌کلیچ سرمایه دار ایرانی در

حومه واشینگتن دی سی پایتخت آمریکا در پی یک

بیماری طولانی،

باتمان‌کلیچ که پیش از انقلاب چندین پروژه بزرگ در

ایران از جمله تله‌کابین توجال را احداث کرده بود،

در مصاحبه‌ای با روزنامه واشینگتن پست در سال

۱۹۹۶ گفته بود که بیشتر ثروت خود را در ایران از

طریق ساخت پست اسکی و همچنین کارخانه پتروشیمی، کارخانه سیمان و شبکه

مخابرات اندوخته بود، اما هنگامی که مجبور به ترک ایران شد بخش بزرگی از دارایی



خود را نیز در ایران رها کرد.

طبق گزارش واشینگتن پست، باتمان‌کلیچ در مقطعی یکی از افراد شاخص در حوزه

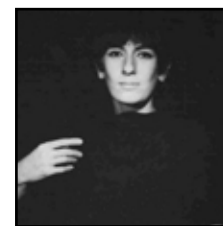
ساخت و ساز در شمال ویرجینیا، در حومه واشینگتن بود و قصد داشت تا یک مجتمع

بزرگ ۳۱۸ هکتاری در نزدیکی فرودگاه بین‌المللی دالاس واشینگتن بسازد

۱۴۰۱ خورشیدی (۲۰۲۲ میلادی)

درگذشت محمدعلی اسلامی ندوشن، ادیب و پژوهشگر (متولد ۱۳۰۴ خورشیدی

در ندوشن یزد) در کامادا



هفته نامه ایران‌شهر هر هفته بر روی تارنمای IranshahrWeekly.com

به رایگان منتشر می شود.

هفته نامه ایران‌شهر هر ۴ هفته یکبار به صورت چاپ کاغذی نیز منتشر می شود.

برای اشتراک پستی (سالانه) مبلغ ۱۰۰ دلار از طریق پی پل به نشانی:

bookstore@ketab.com

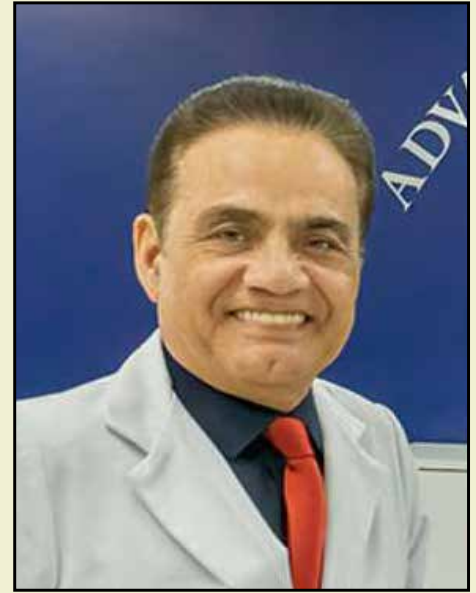
بپردازید و یا برای دادن شماره کارت اعتباری به شرکت کتاب

310-477-7477 تلفن کنید

دکتر جان رضاپور

ADVANCED EYE SURGERY CLINIC

جراح ورزیده چشم این مرکز مجهز
چشم پزشکی در خدمت بیماران
محترم می باشند.



دکتر جان رضاپور جراح و متخصص بیماری های چشم با
فوق تخصص در بیماری های قرنیه و آب مروارید (Cataract)

دکتر رضاپور با ۳۰ سال تجربه در جراحی و درمان بیماری های چشم با
شیوه های جدید و تکنولوژی بسیار پیشرفته در بینا کردن چشم شما یار
و یاورتان می باشند.

شهرت این مرکز در جراحی آب مروارید (Cataract) با انواع لنزهای جدید
مولتی فوکال و توریک (Toric) می باشند. ما قادریم عیوب انکساری چشم را اصلاح کرده
و دید دور و نزدیک شما را بدون استفاده از عینک باز گردانیم.

در این مرکز علاوه بر عمل جراحی آب مروارید (Cataract) بدون بخیه، درمان آب سیاه (Glaucoma) با لیزر و
عمل جراحی زیبایی پلک، جراحی LASIK ، PRK و پیوند قرنیه با شیوه های بسیار پیشرفته
و جدید انجام می گیرد.

قبل از هرگونه تصمیم گیری برای جراحی چشم خود با ما مشورت نمایید.
انواع بیمه های PPO مدیکر پذیرفته می شود

(818) 205-1200

(310) 657-3200

16661 Ventura Blvd., Suite 211, Encino CA 91436



Nassrin Pourbahrami

نسرین پور بهرامی

staatlich geprüfte öffentlich bestellte
beeidigte Übersetzerin und Verhandlungsdolmetscherin
der persischen Sprache für Baden-Württemberg
Nassrin Pourbahrami - Stuttgart



مترجم رسمی زبان آلمانی دادگاههای جمهوری فدرال آلمان در اشتوتگارت

No to Antisemitism!

Mobile: +49 176 63031489

E-mail: pourbahrami_fereydouni@yahoo.com

www.ketab.com

Go

Click



کتابفروشی شرکت کتاب

از طریق تلفن و آن لاین

www.ketab.com

ketab1@ketab.com

KETAB BOOKSTORE

Tel: (310) 477-7477

Fax: (310) 444-7176

تلفن رایگان 1-800-FOR-IRAN

خارج از ایالات 1-800-367-4726

SAFARIAN
RUGS INC

قالیشویی

صفریان

310-402-4161

714-596-0888

safarianrugs.com

troysafari@gmail.com

Saturday, June 14
Iranian Cinema:
(Reading Lolita in Tehran (2024)
UCLA Film & Television Archive presents
free screenings at the
Billy Wilder Theater at the Hammer Museum



جدول

هر هفته با تاکید بر روی یک حرف الفبا جدول ویژه با آن حرف تقدیم علاقمندان جدول می‌شود
جدول این هفته با نام ایرانشهر در مجموع ۲۲۵ خانه دارد که ۷۹ خانه سیاه - ۴۴ خانه حرف (ذ)

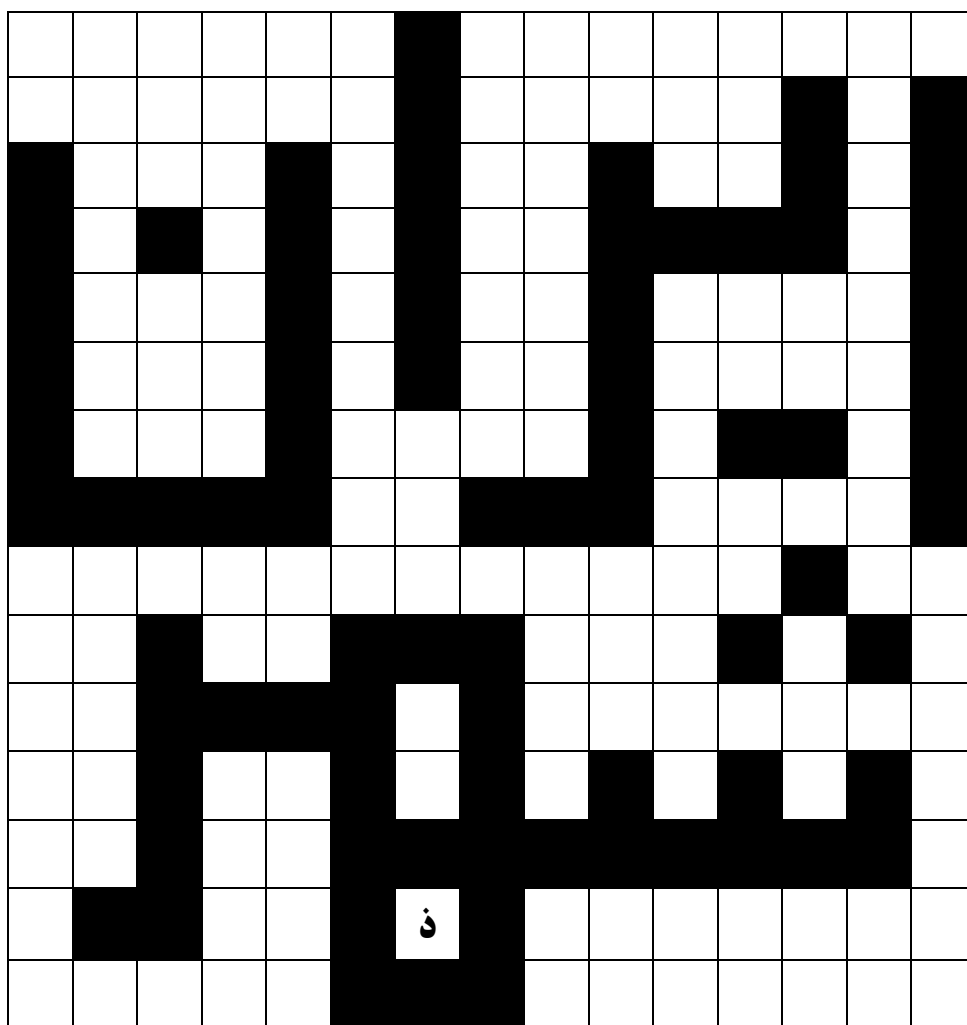
خوانندگان عزیز توجه کنید که کلیه جدول‌های منتشر شده در نشریه ایرانشهر برای این نشریه تهیه و تنظیم شده و در نتیجه از تبلیغات حکومت اسلامی در آنها خبری نیست. اگر این شماره نشریه ایرانشهر از طریق دیجیتال به دست شما رسیده است می‌توانید به راحتی آن را در چاپگر خود چاپ کنید و به حل آن مبادرت کنید.

افقی:

- ۱ - شهری در استان کرمانشاه - موذن.
- ۲ - نوعی پل - از زیر ساختهای صنعتی.
- ۳ - خرس آسمانی - نشانه مفعولی - درخت شکن.
- ۴ - نوعی زیر پوش طبی.
- ۵ - ساز قدیمی - گمان - آتش.
- ۶ - از هنرمندان رادیو تلویزیون با نام کوچک منوچهر - پسوند مانند - به معنی کفش و پای افزار.
- ۷ - یک بازی بسیار سخت با ورق - خاطر.
- ۸ - آسودگی خاطر - به دنیا آوردن.
- ۹ - نام کوچک نویسنده فرانسوی دوموپاسان - امتحان سیاوش.
- ۱۰ - گرفتن - دو حرف پشت سر هم - به معنی دارنده.
- ۱۱ - شیوه رشوه‌خواری - همه.
- ۱۲ - اصرار کودکانه - پول آسیایی.
- ۱۳ - تکرار یک حرف - حیوانی با املای غلط.
- ۱۴ - از روی آزار و اذیت - حرف انتخاب.
- ۱۵ - حرفهای غیر عاقلانه می‌گوید - خواننده و مداح قدیمی.

عمودی:

۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱



- ۱ - پاسپورت.
- ۲ - عابر ترک زبان - در زبان اوستایی به معنای جاری شدن است.
- ۳ - بد با نقطه ی اضافه - اصل هر چیز - صاحب و دارنده.
- ۴ - لقب انگلیسی انگلیسی - واحدی در مساحت - نیم صدای اردک - از حروف اضافه.
- ۵ - آب شدن فلز - فهم و درایت مادرزادی - لحظه.
- ۶ - عید به زبان عبری - اسب نامدار شاهنامه - هنگ بدون سر.
- ۷ - آتشکده‌ای معروف در آذربایجان غربی - بسیار دروغگو - خدای درویشان.
- ۸ - وسیله حمل بیمار
- ۹ - شهری در ایران - مکتبی از مذهب بودایی با تفکر عمیق.
- ۱۰ - استانی در ایران.
- ۱۱ - به معنای عدد دو - نام ترکی - بسیار خوشمزه.
- ۱۲ - مربوط به بی ارزش و پست بودن - دو حرف با یک صدا - گیرا
- ۱۳ - برگزیده و خوب - با هوشی.
- ۱۴ - کتابی به نویسندگی عبدالرزاق لاهیجی - طلاکاری نوشته های کتاب.
- ۱۵ - درخت جنگلی - در ماه محرم می‌دهند و می‌خورند.



افقی:

- ۱- نام کشوری در اروپا - پلی معروف یادگار رضا شاه کبیر.
 ۲- کشوری ثروتمند در اروپا - نام کشوری در قاره اروپا.
 ۳- کشور قدیمی اروپا - کشور اروپایی جدا شده از روسیه.
 ۴- بدون هوا - سخن گفتن اعتراضی - کشوری در اروپا.
 ۵- کشوری سردسیر در اروپا - خاموش و بی نور.
 ۶- از اندامهای برخی از جانوران - می شود به آن رسید - جرقه های آتش.
 ۷- پایتختی در قاره سبز - کشور زیبای اروپا.
 ۸- پول تقلبی - گرمی و حرارت - زبر - ضمیری است.
 ۹- نام کشوری در اروپا - پلی معروف یادگار رضا شاه کبیر.
 ۱۰- کشوری در اروپا - مایع شیرین - عدد فوتبالی.
 ۱۱- یک نوع کشتی - خیلی زیاد - کشوری کوچک در اروپا.
 ۱۲- نام کشوری در قاره سبز - از کشورهای اروپایی - واحد پولی است.
 ۱۳- شهری در ایران - یکی از کشورهای اروپایی - پسوند صفت ساز - از ضمائر.
 ۱۴- نام کشوری در قاره اروپا - یکی از کشورهای اروپایی.
 ۱۵- دارای حیات - با هوش - کشوری در اروپا.

عمودی:

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱															
۲															
۳															
۴															
۵															
۶															
۷															
۸															
۹															
۱۰															
۱۱															
۱۲															
۱۳															
۱۴															
۱۵															

- ۱- کشوری کوچک در اروپا
 ۲- حرکت مخصوص جانوری است -
 نوعی پخت برنج - کشوری در اروپا.
 ۳- جایگاه جانوران وحشی - یک نوع وسیله بازی - جانوری زیبا - از عناصر.
 ۴- به دنیا آوردن - دوست داشتن - لازم - کیسه چرمی درویشان.
 ۵- کشوری در قاره سبز - اجاره
 ۶- انگلیسی می گوید آن - سکوت موقتی - نام کشوری در اروپا
 ۷- یکی از کشورهای اروپا - نام کشوری دیگر در اروپا
 ۸- از عوامل بیماری زا - کشوری در قاره سبز - حرف ندا
 ۹- برهنه - نام کشوری در اروپا.
 ۱۰- مزار - اهل طنز - مرتجع معروف - بی کس.
 ۱۱- کشوری است در اروپا - به غیر از - نوعی شلوار.
 ۱۲- کشوری کوچک در اروپا - از مصالح ساختمانی - جنس قوی تر.
 ۱۳- نوعی هوس - خاک معروف - نمونه والگو.
 ۱۴- شهری زیبا در اروپا - کشوری در قاره سبز
 ۱۵- واحد پول قدیمی - کشور اروپایی - از اعداد



سرگذشت پاورقی و پاورقی نویسان ایران

نویسنده: زاوون هواسپیان

در حوزه ادبیات فارسی، پاورقی مقوله ای است شبیه به مطربی در موسیقی ایرانی و چه بسا استادان و ادیبان نامداری بوده اند که پاورقی نویس را «مطرب مطبوعاتی» نام نهادند. این کتاب در اصل نسخه ویراستاری و کتابی شده یک سلسله برنامه یک ساعته هفتگی است که با همین عنوان از ۸ ما می ۲۰۱۹ تا ۲۶ آگست ۲۰۲۰ به صورت دوصدایی همراه و همصدا با رزیتا بقایی در رادیو همراه با مدیریت دکتر فرهنگ هلاکویی تهیه و پخش شده است.



شرکت کتاب

ketab.com

(310) 477-7477



صفحه ۴۹



صفحه ۵۰

هفته نامه ایرانشهر هر هفته بر روی تارنمای IranshahrWeekly.com به رایگان منتشر می شود. هفته نامه ایرانشهر هر ۴ هفته یکبار به صورت چاپ کاغذی نیز منتشر می شود.

برای اشتراک پستی (سالانه) مبلغ ۱۰۰ دلار از طریق پی پل به نشانی:

bookstore@ketab.com

بپردازید و یا برای دادن شماره کارت اعتباری

به شرکت کتاب

310-477-7477 تلفن کنید



شرکت کتاب

با حضور ناشران
و نویسندگان خارج از کشور

ایران سانسور

نهمین نمایشگاه کتاب تهران

9th Tehran Book Fair, Uncensored

شرکت کتاب برگزار می کند:

یکشنبه ۴ ماه می ۲۰۲۵ از ساعت ۱۰ بامداد تا ۵ بعد از ظهر

بزرگترین نمایشگاه کتاب تهران بدون سانسور در محل شرکت کتاب در:

ketab.com

12701 Van Nuys Blvd., Unit H

Pacoima CA 91331

310-477-7477

ویژگیهای این نمایشگاه: 818-9 080808 08

دسترسی به آخرین کتابهای موسسه های انتشاراتی خارج از ایران

دسترسی به بیش از ۱۵ هزار عنوان کتاب منتشر شده در ایران

استفاده از تخفیف های ویژه شرکت کتاب به مناسبت نمایشگاه

دسترسی به کتابهای نفیس شرکت کتاب و کتابهای دیگر برای دادن
هدیه به مناسبت روز مادر و روز پدر در آمریکا

حضور نویسندگان و پژوهشگران برجسته ایرانی در این نمایشگاه و
سخنرانی آنان در مورد کتابهای خودشان

حضور رسانه های ایرانی برای پوشش این برنامه فرهنگی

هدایای ویژه - کتاب - سی دی - دی وی برای دیدار کنندگان
حتی اگر خرید نکنند در نظر گرفته شده است.

با همکاری

اتحادیه
بین المللی
ناشران
مستقل



با حضور در این نمایشگاه عظیم، شما دست خالی از نمایشگاه بر نمی گردید



ManzarKia

IMMIGRATION CONSULTANTS
SOCIAL SECURITY ADVOCACY

Insured & Bonded

مؤسسه خدماتی



یاری دهنده شما در کلیه امور خدماتی: مهاجرت (Bonded) و سوشال سکیوریتی

مهاجرت: اخذ گرین کارت از طریق: فامیلی، ازدواج، سرمایه گذاری، نمایندگی، کار

انواع ویزا: نامزدی، کار، نمایندگی و دانشجویی - سیتی زن شپ

سوشال سکیوریتی: دادگاه‌های سوشال سکیوریتی، مدیکر، مدیکل، از کار افتادگی

(818) 841-6621

(844) 841-6621

fax: (818) 842-2865

دفاتر در:

BURBANK, TARZANA, ORANGE COUNTY
SAN JOSE, SAN FRANCISCO

E-mail: manzarkia@Gmail.com

www.Manzarkia.com



“پرومد”

ارائه کننده تجهیزات پزشکی

ویلچرهای معمولی و برقی



ما با پزشک شما تماس می گیریم، نسخه محصول مورد نیاز را از پزشک شما دریافت می کنیم، تأییدیه شما را از بیمه گرفته و ظرف ۲۴ تا ۴۸ ساعت محصول مورد نیاز شما را توسط متخصص استخوان و استخوان بندی به درب خانه شما آورده و آن را روی بدن شما اندازه گیری کرده، حالت داده و می بندند.

**Medicare
Medi-cal
Private Insurance
Private Pay**

فاصله ما با شما یک تماس تلفنی می باشد

(818)907-7777



www.promedonline.com

خدمات ما در تمام کالیفرنیا ارائه می شود

Address: 16200 Ventura Blvd, Encino, CA 91436